

کردستان در آتش و خون
برچیده باد بساط استثمار و حشانه...
بیانیه جنبش مسلمانان مبارز
تبیت حکومت را با خونریزی...



اختصاص یک روز به کارگران شاید به لحاظ تشریفات و تعظیم باشد. والا، هر روز، روز کارگری و کارگران هست، بلکه عالم از کار و کارگر تشکیل شده است... حق تعالی مبدأ کارگری و کارگر است... همه با هم، دهقان با ما و کارگر با ما و همه با هم به پیش.

بحران داخلی و برخورد نیروها



حوادثی که هفته گذشته در دانشگاههای سراسر کشور اتفاق افتاد، تنها نشانه‌ای بود از یک بحران عمیق که جامعه و انقلاب را در خود فرو برده است. حوادث ظاهراً آنقدر سریع و ناگهانی رخ دادند که درک ماهیت و علل بروز آن برای همه آسان نبود و برخوردهای سخت و ضایعات شدید آن بصورت درهم شکستن دانشکده‌ها و کشته شدن تعدادی و زخمی شدن بسیاری و رودرویی قشرهای مختلف مردم، بسیاری از مردم و دانشجویان را در یک تردید و سرگردانی و ابهام فرو برده و در برابر سوالات متعددی قرار داده است، ضرورت دارد در حد امکان حوادث اخیر را تحلیل و در مجموعه روند کلی انقلاب قرار دهیم و به نتایج و جمع‌بندی‌هایی دست یابیم. سیروقایع بطور فشرده به‌ر قرار زیر بودند:

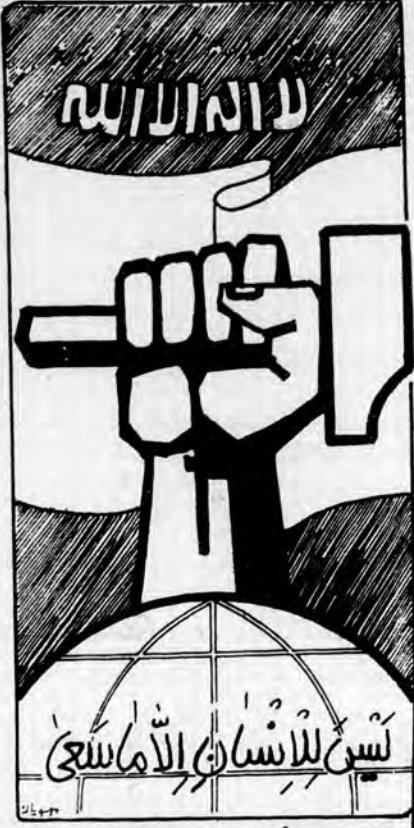
۱- انجمن‌های اسلامی و سازمانهای دانشجویان مسلمان از مدت‌ها پیش در صدد اجرای یک طرح انقلاب آموزشی از طریق تعطیل دانشگاهها و اعزام دانشجویان به فعالیت‌هایی نظیر جهاد سازندگی برمی‌آیند تا در فرصت تعطیل یکساله یا چند ساله دانشگاهها برنامه‌ها و نیز گادرهای دانشگاهها از آثار فرهنگ استعماری پاک و نظام تازه‌ای بر پایه فرهنگ اسلامی بی‌ریزی شود.

روز کارگر، روز نفی استثمار

بازده اردیبهشت روز کارگر، یادآور تلاش رزمندگان سراسر جهان است در مبارزاتی سنگین برای نابودی نظام استثمار سرمایه‌داری جهانی. در روز اول ماه مه ۱۸۸۶ پس از کشتاری که پلیس شیکاگو از کارگران اعصابی انجام داد و سوم ماه مه همین سال در مراسم تدفین کارگران بار دیگر پلیس ضد خلقی آمریکا به کارگران حمله ور شد و عدالتی از کارگران مقتول و زخمی شدند. در سال ۱۸۸۹ فدراسیون کارگری آمریکا طی پیشنهادی به کنگره بین المللی کارگران در پاریس که به کنگره موسس انترناسیونال دوم معروف شدند، پیشنهاد

حقایق که در اثر حمله نظامی آمریکا برای ملت مبارز ایران روشن گردید

اهمیت تجاوز نظامی آمریکا به کشورها در حدی بود که می‌توانست به سقوط کارتر منجر شود. محافل کاخ سفید پس از اطلاع از شکست طرح در گرنای و اضطراب سختی فرو رفتند، اگر دولت ایران با سرعت و قاطعیت در تیدان سیاسی و تبلیغاتی وارد عمل می‌شد، قطعاً موجودیت دولت کارتر و موقعیت سیاسی آمریکا در جهان سخت بمخاطره می‌افتاد، این بود که سیاستمداران و اشنگتن بلافاصله تاسه‌های بی‌دبی



بقیه در صفحه ۹

مستقیم و غیرمستقیم با مقامات وزارت خارجه ایران برقرار کردند و از آنان خواستند که آرایش خود را حفظ کرده از عکس‌العمل سخت بپرهیز کنند و اجازه دهند بقیه در صفحه ۳

ماهیت شیطان بزرگ از دیدگاه مکتب

در میان آنچه که توده‌های میلیونی خلق در میان آتش و خون انقلاب از امام خمینی آموختند، تکیه بر مکتب و بکار گرفتن مفاهیم و اصطلاحات مکتبی بود، از جمله امام با در نظر گرفتن ماهیت عملکرد امپریالیسم آمریکا و شناختی که در یک حرکت طولانی حداقل ۲۰ ساله از آن دارند مفهوم قرآنی شیطان بزرگ را بکار گرفتند و چه زود بدل توده‌ها نشست، امام خمینی در عمل نشان دادند که بر خلاف بسیاری از دولتمردان و لیبرالهای سازشکار آمریکا را شیطان بزرگی می‌دانند که میان او و انسان از هر عقیده و مسلک و از هر رنگ و نژادی که باشد، جز تضاد و آشتی ناپذیری و ناسازگاری و سازش‌ناپذیری نمی‌تواند حاکم باشد.

بسیاری از لیبرالهایی گفتند آمریکا تعهد کرده است که در امور ایران مداخله نکنند، آمریکا از گذشته ننگین و توأم با توطئه و دسیسه خود عدو خواسته است و با تفاهم و دوستی با ایران خواهد نگرست. توده‌های مردم و امام بانگ می‌زدند آمریکا شیطان بزرگ است و اصولاً مگر می‌توان از شیطان آنهم شیطان بزرگ انتظار داشت که دست از منحرف ساختن و توطئه و نیرنگ و دسیسه بردارد، مگر می‌شود که میان انسان و شیطان تفاهم و دوستی و سازش جایگزین تضاد و خصومت و مبارزه بی‌امان گردد؟ امام در کاربرد مفهوم شیطان بزرگ از مرزهای جغرافیایی و نژادی و حتی مذهبی فراتر رفته و آمریکا را دشمن همه خلقها و دشمن همه انسانها می‌داند و بالاتر از آن سرمایه‌داری حاکم و سردمداران کاخ سفید و جنگ‌افروزان پنتاگون را بعنوان شیطان بزرگ، دشمن مردم آمریکا و توده‌های

سخنی با: خواهران و برادران انجمنهای اسلامی دانشجویان و سازمان دانشجویان مسلمان

رویدادهای اخیر دانشگاهها و موضع گیری سازمانها و گروههای دانشجویی در مقابل این رویدادها، برادران و خواهران شما در جنبش مسلمانان مبارز را موظف نمود تا مطالبی را هر چند تلخ و ناگوار با شما عزیزان در میان گذارند.

۱- اکثریت شما در انجمن‌های اسلامی دانشجویان و سازمان دانشجویان مسلمان و همچنین باعنوان دانشجویان مسلمان پیرو خط امام تا کنون با صداقت خواستهاید که رهرو راه مکتب و خط انقلاب باشید و بجرات سیتوان گفت که در این راه صادقانه پای فشرده و برای وصول به هدف به جریانات حاکم چشم امید دوختید. اما آنچه را که اکنون بعد از تجربه اخیر دانشگاهها باید یادآور شد این است که: برخلاف تصور قبلی، جریانهای اجتماعی حاکم و مراکز قدرت موجود چنانکه تجربه پانزده ماه گذشته نشان داده ثابت کرده‌اند که بینش و توان و یاری حرکت در خط

مباحث ایدئولوژیک دکتر حبیب الله بهمان

مطالعه تاریخ از دیدگاه قرآن

یکی از مهمترین وجوه نشانه‌های خدا در هستی، حوادث تاریخی هستند که خداوند تاکید زیادی در مطالعه و تفحص در آنها را کرده است.

برداشت ما از واقعیت‌ها بر مبنای حس و عقل صورت می‌گیرد. تجربه حسی و تعقل، مبنای اصلی شناخت (در علم و فلسفه) بحساب می‌آیند. علم، یعنی شناخت درست در باره واقعیتها و منطبق با آنها و بر هر دو مبنای منطقی است. معرفت‌های علمی باید منطقی به دلائل حسی و عقلی باشند. اگر تفاوتی بین علم و فلسفه وجود دارد، اساساً مربوط به قلمرو کار آنهاست نه مبنای و شیوه‌ها. در ماهیت این دو نوع معرفت تفاوتی وجود ندارد، هر دو دسته معرفت‌های علمی و فلسفی باید از واقعیت مستقل از ذهن گرفته شوند، هر دو باید منطقی به دلائل تجربی و عقلی باشند، هر دو دسته باید هماهنگ و سازگار با واقعیت مستقل از ذهن باشند و بالاخره هر دو باید بتوانند واقعیت‌های مستقل از ذهن را توضیح دهند و تفسیر کنند، بشرطی که توضیح و تفسیر آنان در موارد مختلف ناهماهنگ و متضاد یا متناقض نباشد. تفاوت بین این دو نوع معرفت در اینستکه علوم شامل معرفت‌هایی است بیشتر جزئی درباره یک‌یک پدیده‌ها و درباره قوانین و روابط ثابت بین امور جزئی و در مقابل فلسفه معرفت‌هایی است درباره امور کلی، کل هستی، مجموعه پدیده‌ها. وقتی می‌گوئیم صفت علم آنستکه با واقعیت مستقل هماهنگ باشد علوم

بحران داخلی و برخورد نیروها

محافل دانشجویی و دانشگاهی و سیاسی را دامن می‌زند.

۳ - انجمن‌های اسلامی که با افشای زودرس طرح مواجه می‌شدند تاریخ اجرای برنامه را بجلو می‌اندازد و دست بکار اشغال دانشگاهها بدمنظور تعطیل آنها می‌زنند.

۴ - شخصی رئیس‌جمهور طرح انجمن‌های اسلامی را توطئه‌ای علیه حاکمیت و قدرت خود تلقی کرده و برای جلوگیری از شکل‌گرفتن گانوشی دیگر از گانوشی‌های مستقل از حیطة قدرت خود مانند اشغال جاسوسخانه آمریکا، با شتابزدگی بد مقابله می‌خیزد.

۵ - شورای انقلاب بلافاصله بد پیشنهاد رئیس‌جمهور طرحی را تصویب می‌کند که گروهها باید ظرف سه روز دفاتر و ستادهای خود را در دانشگاهها تخلیه کنند والا در روز آخر به کمک مردم آنها را از دانشگاهها بیرون می‌ریزند، با صاف دانشگاهها باید باز باشند و تا ۱۵ خرداد برنامه خود را تمام و از آن پس در صدد تنظیم طرح تغییر بنیاد نظام آموزشی برآیند.

۶ - این تصویب‌نامه همراه با اخطارهای بی‌دری رئیس‌جمهور علیه گروهها، بخشی از توده‌های مردم را بحرکت آورد و بجلوی دانشگاهها گشاند و رودرروی دانشجویان قرار داد. پیش از آن انجمن‌های اسلامی مردم را به حمایت از طرح خود دعوت کرده بودند، این بار مردم بد دعوت رئیس‌جمهور علیه گروههای سیاسی در اطراف دانشگاهها جمع می‌شوند، تب ضدگروهی در میان اینتوده از مردم بالا گرفت.

۷ - در برابر تصویب‌نامه شورای انقلاب و اخطار رئیس‌جمهور، چند سازمان دانشجویی که ابتدا سادمشترک برای مقاومت و مبارزه با انجمن‌ها تشکیل داده بودند، دچار شکاف شدند.

۸ - انجمن دانشجویان مسلمان که ابتدا طرح تشکیل ستاد مقاومت از سازمانها و گروههای مختلف برای رویارویی با طرح انجمن اسلامی داده بود، با اعلام نظر رئیس‌جمهور و شورای انقلاب پای خود را از ستاد مشترک کنار کشید و دفاتر خود را تخلیه و تحویل داد. ماندند دانشجویان پیشگاه و چند گروه سیاسی دیگر که ظاهراً تصویب به مقاومت و حفظ دفاتر خود گرفتند.

۹ - مردمی که تحت تاثیر فرمانهای رئیس‌جمهور و شورای انقلاب علیه گروهها تحریک شده بودند، نه فقط دانشگاهها که حتی به دفاتر سازمانهای سیاسی در بعضی شهرها حمله کردند و آشوب بالا گرفت و دانشجویان پیشگاه و ایستبه فدائیان خلق و چند گروه دیگر این رودرروئی را استقبال کرده و با سنگر بندی در دانشگاهها فرصت طلبانه شعله آتش را تیزتر کردند و در تهران تا صبح سدهشبه و در بعضی شهرستانها تا روز بعد به زد و خورد و مقاومت ادامه دادند. در آخرین لحظات پیشگاهها پس از آنکه بدقیقهای گروهی خود رسیده بودند، کنار رفته و یکی دو گروه دیگر که می‌خواستند باز هم ادامه دهند، تنها و منزوی شدند. اکنون آشوب تدریجاً فرو می‌نشیند ولی بیبینم در کنار این اسیر ظاهری حوادث چه عواملی زمینه ساز دست در گار بودند؟

اول: حرکت دانشجویان انجمنهای اسلامی حرکت یگدست و خود ساختهای نبوده. وجود گرایشهای مختلف در این طیف، این انجمنها را عملاً به سیاستهای حزب جمهوری و جناحی از روحانیون وابسته می‌کرد. در نتیجه در روشها و تصمیمات خود قویا متأثر از نظریات و خواستهای جریان فوق بودند. در میان دانشجویان سازمانهای مزبور بخش مهمی رادانشجویان صادق و علاقمند به انقلاب و مکتب تشکیل می‌دهند که خواهان یک تحول و دگرگونی بنیادی در کل سیستم جامعه بوده و هستند و در همانحال طیفهایی با برداشتها و بینشهای قشری از اسلام و انقلاب که در میان آنها نفوذ دارند، مضافاً به اینکه این انجمنها مایل بودند در چارچوب رهبری و هدایت امام خمینی عمل کنند، اما خط انقلاب و خط امام را در عمل از سیاستها و رهبری حزب و بعضی از

روحانیون متبلور می‌دیدند.

دوم: سیاست غیرانقلابی دولت و شورای انقلاب در چهارده ماه بعد از ۲۲ بهمن، خواست مردم را به انجام یک تغییر بنیادی ارضا نکرد و سیر تحولات که غالباً بسود سرمایه‌داران و نیروهای وابسته به رژیم گذشته و مرتجعین و سازشکاران پیش رفتند است، کلاً نقی‌کننده حرکت انقلابی بوده است، بویژه اثر نامطلوب و یاس‌آمیزی بر ذهن و روحیه دانشجویان مسلمان باقی گذاشت، لذا تحت تاثیر حرکت

دولت است، هر دو جناح در محدود کردن گروهها و سازمانها وحدت نظر پیدا می‌کنند.

پنجم: در این میان موضع گروههای سیاسی بقرار زیر بود: فدائیان و یکی دو گروه افراطی تر موقع را برای تشدید تضادها با جناحهای حاکم متمم شمرند و نه فقط بمنظور دفاع از دفاتر و ستادها که برای تحکیم موقعیت خویش و دادن روحیه بد طرفداران و قرار دادن خود در رأس حرکت مخالف وضع

می‌گردند. از مواضع خود عدول کرده ضمن سازش و تسلیم به جناح مقابل به اتفاق آراء به پیشنهاد رئیس‌جمهور رای موافق دادند که این رای هم بزیان انجمن‌های اسلامی و هم علیه سایر گروههای سیاسی دردانشگاه بود.

دانشجویان انجمن‌های اسلامی در همان آغاز درگیری و صدور و تصویب‌نامه شورای انقلاب دانشگاهها را ترک کردند ولی بر تصمیم خود دایر بر تعطیل دانشگاهها پافشارند و هنوز هم بر این تصمیم باقی هستند اما به آسانی قادر به تحلیل ضربه‌ای که از حزب و جناح روحانی هیئت حاکمه و رئیس‌جمهور خوردند، نمی‌باشند.

ششم: خارج از دانشگاهها مردمی که

کارگران آگاه و توده محروم و مبارز جامعه ما باید مصلحت واقعی خود و انقلاب را بدرستی تشخیص دهند و همه نیروهای صادق مکتبی برای جلوگیری از شکست کامل حرکت انقلابی مکتبی در این مرحله و جلوگیری از شکل گیری یک سیستم و نظام اجتماعی غیرانقلابی - غیر مکتبی، با شهادت تمام دست بکار شوند.

به خیابانها و اطراف دانشگاهها ریختند، غالباً از توده‌های ساده و وفادار به اسلام و انقلاب و امام هستند که به تبع آن بی‌چون و چرا نیروی خود را در اختیار مسئولین امر از روحانیون و رئیس‌جمهور قرار می‌دهند. آنان جامعه را بدو صف تقسیم می‌کنند: جبهه اسلام و امام که در آن روحانیون بطور اعم و دولت و رئیس‌جمهور قرار دارند و جبهه ضداسلام و امام که گروههای سیاسی مذهبی - غیرمذهبی را شامل می‌شود. اینکه چه عوامل و موجداتی سبب این قطب‌بندی غیراصولی در ذهن مردم شده است، باید مفصل مورد بحث قرار گیرد. اما یک امر مسلم است که عملکرد متقابل جریانات ارتجاعی و قشری مذهب در درجه اول از یکسو و چپ‌روی گروههای سیاسی افراطی - مذهبی و غیر مذهبی از سوی دیگر به تثبیت این تصور غلط در اذهان بخش مهمی از توده مردم کمک کرده است که بطور شگلی و آسانی هر کس در این صف قرار داشت (با هر ماهیتی و سابق و عملکردی) مسلمان و وفادار به انقلاب و هر کس در این صف قرار نداشت (صرفنظر از ماهیت و سابق و عملکرد)، دشمن، منافق و ضدانقلاب معرفی کند.

این مردم که بدعوت رئیس‌جمهور به خیابانها ریخته بودند، براساس قضاوتی که درباره مسائل و گروهها داشتند، بوسیله محافل ارتجاعی شدیداً تحریک شده دست به یورشهایی علیه گروهها زدند. حوادث ناگواری اتفاق افتاد که همه اطلاع داریم.

اما این مقدار هم که گفتیم تصویر کامل و حقیقی بحران نیست، مسائل عمیق‌تری وجود دارد که باید صریحاً یادآور شویم: ۱ - انقلابی که جوهر مکتبی دارد، یعنی هدفش تغییر بنیادی نظام حاکم و برقراری یک نظام مکتبی انقلابی است، عملاً در جایگزینی قدرت‌ها و نیروها و در شیوه حکومت و سیاستهای جاری جزدراسم و عنوان نانقلابی است نه مکتبی.

قدرت و مواضع اصلی تصمیم‌گیری بطور عمده زیر نفوذ دو جریان ارتجاعی و لیبرالی قرار گرفت (ما لیبرالها را هم در ماهیت مرتجع میدانیم و هم از لحاظ سیاسی در رابطه با انقلاب پیچیده‌تر از مرتجعین غیرلیبرال می‌شاسیم) البته بسیاری عناصر اصلاح‌طلب (رفرمیست) مذهبی هم در این میان مسئولیتهای بدست گرفتند.

مرتجعین گوشیدند انقلاب را که جوهر اسلامی داشت، دقیقاً در چارچوب بینش فکری خویش هدایت کنند و چون ابتکاً اصلی آنان به محافل سرمایه‌داری و خرده سرمایه‌داری بوده است، عملاً تصمیمات آنها به نفع این گروهها تمام شده است. آنان سعی کردند سرنوشت خود و بینش فکری خود را با سرنوشت انقلاب و جوهر مکتبی آن پیوند بزنند و تا حدود زیادی در این کار موفق شده‌اند. آنان بخش مهمی از توده را به انگیزه دفاع از اسلام و انقلاب و وفاداری به رهبر آن امام خمینی بدنبال می‌کشند و بر آنها تکیه دارند.

درحالیکه جناح لیبرال ارتجاع ضمن برخورداری از وجهه بودن در جبهه امام و انقلاب ابتکاً اصلی خود را بر دستاذهای

موجود دست بکار شدند، این گروهها در برابر هر دو جناح، شورا و دولت، حزب جمهوری و روحانیون و لیبرالها و رئیس‌جمهور ایستادند و لذا نمنتهای حرکت انجمنها را نفی و محکوم کردند، که با تصویب‌نامه شورای انقلاب و رئیس‌جمهور هم به ضدیت برخاستند.

مجاهدین که تضاد عمده خود را با حزب جمهوری می‌دیدند، ابتدا تصمیم به مقاومت گرفتند ولی بعد از اینکه جناح دیگر برهبری رئیس‌جمهور ابتکار عمل را بدست گرفت، با درک شرایط برای پرهیز از درگیری با مردم پیشنهادات رئیس‌جمهور را پذیرفتند و آمادگی خود را برای تخلیه ستادها اعلام کردند. جنبش مسلمانان مبارز ضمن تأیید ضرورت پایبندی به انقلاب فرهنگی حرکت انجمنها را بدلیل وابستگی - شان بهجناحها و جریانات حاکم و وجود رگه‌های قشری و ارتجاعی محکوم به شکست دانست و نیز تصویب‌نامه شورای انقلاب را در آن موقعیت عامل مبنی در بالا گرفتن شعله اغتشاش و برخوردهای خونین معرفی کرد و با پرهیزدادن از هرگونه برخورد و خشونت در شرایط حساس کنونی پیشنهاد کرد برای تعیین سرنوشت نهایی دانشگاهها و نظام آموزشی و بالاخره انقلاب فرهنگی

موجود دست بکار شدند، این گروهها در برابر هر دو جناح، شورا و دولت، حزب جمهوری و روحانیون و لیبرالها و رئیس‌جمهور ایستادند و لذا نمنتهای حرکت انجمنها را نفی و محکوم کردند، که با تصویب‌نامه شورای انقلاب و رئیس‌جمهور هم به ضدیت برخاستند.

مجاهدین که تضاد عمده خود را با حزب جمهوری می‌دیدند، ابتدا تصمیم به مقاومت گرفتند ولی بعد از اینکه جناح دیگر برهبری رئیس‌جمهور ابتکار عمل را بدست گرفت، با درک شرایط برای پرهیز از درگیری با مردم پیشنهادات رئیس‌جمهور را پذیرفتند و آمادگی خود را برای تخلیه ستادها اعلام کردند. جنبش مسلمانان مبارز ضمن تأیید ضرورت پایبندی به انقلاب فرهنگی حرکت انجمنها را بدلیل وابستگی - شان بهجناحها و جریانات حاکم و وجود رگه‌های قشری و ارتجاعی محکوم به شکست دانست و نیز تصویب‌نامه شورای انقلاب را در آن موقعیت عامل مبنی در بالا گرفتن شعله اغتشاش و برخوردهای خونین معرفی کرد و با پرهیزدادن از هرگونه برخورد و خشونت در شرایط حساس کنونی پیشنهاد کرد برای تعیین سرنوشت نهایی دانشگاهها و نظام آموزشی و بالاخره انقلاب فرهنگی

موجود دست بکار شدند، این گروهها در برابر هر دو جناح، شورا و دولت، حزب جمهوری و روحانیون و لیبرالها و رئیس‌جمهور ایستادند و لذا نمنتهای حرکت انجمنها را نفی و محکوم کردند، که با تصویب‌نامه شورای انقلاب و رئیس‌جمهور هم به ضدیت برخاستند.

مجاهدین که تضاد عمده خود را با حزب جمهوری می‌دیدند، ابتدا تصمیم به مقاومت گرفتند ولی بعد از اینکه جناح دیگر برهبری رئیس‌جمهور ابتکار عمل را بدست گرفت، با درک شرایط برای پرهیز از درگیری با مردم پیشنهادات رئیس‌جمهور را پذیرفتند و آمادگی خود را برای تخلیه ستادها اعلام کردند. جنبش مسلمانان مبارز ضمن تأیید ضرورت پایبندی به انقلاب فرهنگی حرکت انجمنها را بدلیل وابستگی - شان بهجناحها و جریانات حاکم و وجود رگه‌های قشری و ارتجاعی محکوم به شکست دانست و نیز تصویب‌نامه شورای انقلاب را در آن موقعیت عامل مبنی در بالا گرفتن شعله اغتشاش و برخوردهای خونین معرفی کرد و با پرهیزدادن از هرگونه برخورد و خشونت در شرایط حساس کنونی پیشنهاد کرد برای تعیین سرنوشت نهایی دانشگاهها و نظام آموزشی و بالاخره انقلاب فرهنگی

موجود دست بکار شدند، این گروهها در برابر هر دو جناح، شورا و دولت، حزب جمهوری و روحانیون و لیبرالها و رئیس‌جمهور ایستادند و لذا نمنتهای حرکت انجمنها را نفی و محکوم کردند، که با تصویب‌نامه شورای انقلاب و رئیس‌جمهور هم به ضدیت برخاستند.

مجاهدین که تضاد عمده خود را با حزب جمهوری می‌دیدند، ابتدا تصمیم به مقاومت گرفتند ولی بعد از اینکه جناح دیگر برهبری رئیس‌جمهور ابتکار عمل را بدست گرفت، با درک شرایط برای پرهیز از درگیری با مردم پیشنهادات رئیس‌جمهور را پذیرفتند و آمادگی خود را برای تخلیه ستادها اعلام کردند. جنبش مسلمانان مبارز ضمن تأیید ضرورت پایبندی به انقلاب فرهنگی حرکت انجمنها را بدلیل وابستگی - شان بهجناحها و جریانات حاکم و وجود رگه‌های قشری و ارتجاعی محکوم به شکست دانست و نیز تصویب‌نامه شورای انقلاب را در آن موقعیت عامل مبنی در بالا گرفتن شعله اغتشاش و برخوردهای خونین معرفی کرد و با پرهیزدادن از هرگونه برخورد و خشونت در شرایط حساس کنونی پیشنهاد کرد برای تعیین سرنوشت نهایی دانشگاهها و نظام آموزشی و بالاخره انقلاب فرهنگی

موجود دست بکار شدند، این گروهها در برابر هر دو جناح، شورا و دولت، حزب جمهوری و روحانیون و لیبرالها و رئیس‌جمهور ایستادند و لذا نمنتهای حرکت انجمنها را نفی و محکوم کردند، که با تصویب‌نامه شورای انقلاب و رئیس‌جمهور هم به ضدیت برخاستند.

اجرائی و انتظامی چون ارتش، ادارات گذاشته است. عدم توانایی جناح اول در مدیریت و رهبری حکومت به گروه اخیر کمک کرد تا تدریجاً همه مسئولیتهای اجرائی را در اختیار بگیرند.

این دو جریان در رقابت و همکاری با هم بطور متناوب پیش‌آمدند. اکنون جناح دوم با تمام قوا می‌کوشد تا حاکمیت انحصاری و مطلق خود را بر همه مراکز قدرت سیاسی - اداری و نظامی تثبیت کند.

هرج و مرج و اغتشاشات موجود در جامعه و تکیه بر ضرورت استقرار امنیت و حفظ یکپارچگی کشور به پیشبرد این هدف کمک فراوان می‌کند.

در اینجا لازم است به نقش گروههایی که با چپ‌روی خود در برابر انقلاب، زمینه رند و سلطه یک جانبه یک جریان را بر کارها و احیای قدرت و مرکزیت اداری - نظامی را فراهم می‌سازند، اشاره شود. بطور مثال عمل این گروهها در کردستان و در سایر نقاط ایران وقت بسیار خوبی برای احیای سلطه نظامی - اداری بر کشور بوجود آورده است. با استفاده از این جو

ساعده، دولت آشکارا به نهادهای انقلابی و مکتبی نظیر شوراها حمله می‌کند و بی‌دری بر ضرورت تمرکز قوا در دستهای یکنفر تأکید می‌ورزد. زمینه عینی و ذهنی چنین گرایش خطرناکی هم فراهم است و بی شک راست‌روی بعضی و چپ‌رویهای بعضی دیگر به رشد این تمایل کمک جدی نموده است.

دولت و شورا در این مدت بجای حل انقلابی مشکلات مردم نظیر بیکاری، گرانی هرج و مرج و اغتشاش تنها در اندیشه تثبیت قدرت خویش و مبارزه با رقبا و مخالفان بوده و هستند و بجای طرح و اجرای برنامه‌های انقلابی و ضربتی، که همه امکانات اجرائی آنها در اختیار دارند، درگیر کشمکشهای درونی و محصور در بینش و عملکرد ارتجاعی، سازشکارانه و یا محافظهکارانه خود هستند.

تکیه جناح لیبرال هیئت حاکمه بر حفظ آزادیهای سیاسی در همانحال که در کوتاه مدت، جلوی تمایل انحصارگرایانه مرتجعین را تا حدودی سد می‌کند، اما با وجود تمایل بسیار قوی به تمرکز قدرت و انحصار آن در دستهای خود و با توجه به تکیه بر سازمانهای اداری - نظامی پیشین و احیاء و تقویت آن بعنوان ابزار اعمال قدرت، نمی‌تواند در درازمدت ادامه یابد و قطعاً با توجه به عملکرد غیرانقلابی سازشکارانه، لذا تشدید تضادهای اجتماعی به رودررویی با مردم و انقلابیون منجر شده بطرف یک قدرت استبدادی مطلقه سیر می‌کند.

در همین جا باید گفت که احیای نیروهای انتظامی در چهارچوب مناسبات پیشین که بضرورت فرونشاندن اغتشاشات در کردستان و سایر نقاط کشور انجام می‌گیرد واگر بر همین منوال پیش رود، با توجه به اینکه امپریالیسم با دامن‌زدن به اغتشاشات داخلی و راست‌روی و چپ‌روی گروهها با تشدید درگیریها و نیز رشد طبیعی بحران و ناراضی و اعتصابات که نتیجه سیاست غیرانقلابی دولت است، دائماً نیاز بیشتری به قوای انتظامی احساس می‌گردد.

احتمالات متعددی را می‌شود به عنوان نتایج جبری این روند مطرح کرد که یکی از آنان در غیبت امام خمینی و عدم حضور مردم در صحنه، تسلط یک قدرت نظامی ضدانقلابی بر کشور است. لیبرالها بدلیل ماهیتشان نمی‌توانند مدت زیادی به آزادی و حاکمیت مردم وفادار بمانند، مردم را بصورت ابزار اعمال قدرت می‌خواهند، نه کسانی که باید حکومت را بدست آنان سپرد. لذا ذاتی که مردم بصورت عامل اجرائی و اعمال قدرت آنان هستند، در چارچوب تعیین شده و تحت فرمانها و تصویب‌نامه و فرمایشات حق دارند در خیابانها باشند. والا اگر خواستند روی تشخیص و مصالح خود و انقلاب عمل کنند، با نیروهای انتظامی متوقف خواهند شد.

این افراد برای حکومت کردن از همه جناحهای مذهبی و غیرمذهبی لیبرال صرفنظر از ماهیتشان استفاده می‌کنند و حتی آماده‌اند تا آندسته از نیروهای مترقی را که تمایل به سازش و همکاری با آنها هستند، ببازی بگیرند. البته در اولین

بقیه در صفحه ۸

بقیه در صفحه ۸

شورایی از نمایندگان نیروهای مکتبی و شخصیت‌های انقلابی و شوراهای دانشجویی و دانشگاهی برای بررسی مقدمات و تدوین طرح انقلاب آموزشی تشکیل و دست بکار شوند.

غالب سازمانهای دانشجویی برای پرهیز از ادامه‌دگرگیری آمادگی تخلیه دفاتر شده و از درگیری با یکدیگر و آن‌تعدد از مردم که بدانشگاهها آمده بودند، احتراز کردند. بجز فدائیان و دو سه گروه افراطی مارکسیستی که تصمیم داشتند برخورد را آنقدر ادامه دهند تا به خونریزی بیانجامد و زمینه برای اغتشاش و درگیری و بهره برداری وسیع تبلیغاتی بمنفع سازمانهایشان مساعدتر گردد. لذا به مقاومت و ادامه درگیری آنقدر ادامه دادند تا لااقل چند نفری از دانشجویان با گلوله به قتل رسیدند. آنان می‌دانستند که بهرحال در برابر هجوم مردم امکان حفظ پایگاهها و دفاتر برایشان وجود ندارد، لذا هدف مقاومت تا لحظات آخر صرفاً بهره‌برداری تبلیغاتی و گروهی و ضربه‌زدن بر حیثیت رژیم بود.

حزب جمهوری و جناح روحانی شورای انقلاب که قول حمایت به انجمنها داده بودند و در صدد بهره‌برداری از این حرکت به نفع هدفهای خویش بودند، در برابر ابتکار عمل جناح رقیب و رئیس‌جمهور درحالیکه در مطبوعات خود، مردم را به حمایت از دانشجویان انجمنها دعوت

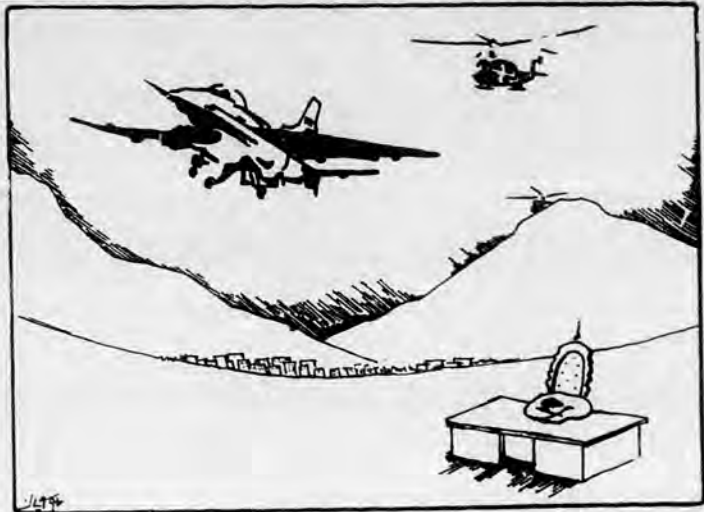
موجود دست بکار شدند، این گروهها در برابر هر دو جناح، شورا و دولت، حزب جمهوری و روحانیون و لیبرالها و رئیس‌جمهور ایستادند و لذا نمنتهای حرکت انجمنها را نفی و محکوم کردند، که با تصویب‌نامه شورای انقلاب و رئیس‌جمهور هم به ضدیت برخاستند.

نابرقراری جامعه بی طبقه توحیدی، انقلاب اسلامی ادامه دارد

حقایق که در اثر حمله نظامی

بقیه از صفحه اول

آنکون باید پرسید چه عناصری در داخل کشور در رابطه با طرح آمریکا قرار داشته، اجرای قسمت‌های مهم آنرا بعهده گرفته بودند و آیا موفقی آن نرسیده است که ملت به اهمیت روشهای غیر انقلابی و غفلت و تسامح و سیاستهای ارتجاعی و سازشکارانه متصدیان امور آگاه شود؟



تخصیص بدون سروصدا زیاد فیصله باید و فراموش شود. صاحبمهایی که شبکه‌های مختلف رادیو و تلویزیون آمریکا از وزیر خارجه ایران برای مردم آمریکا پخش می‌کنند، همه حاکی از آنست که ایشان سعی دارند مساله را زیاد جدی و با اهمیت نگرفته دولت آمریکا را از نگرانی زیاد خارج سازند. علیرغم این سیاست که نظایر و مشابه آنهم در موضع مقامات دولتی در داخل نسبت به این تجاوز منکس است، اهمیت آن بقدری است که ملت زرمند و شجاع ما باید از همه حقایق مطلع شوند تا با آگاهی بیشتری درباره سرنوشت انقلاب و توطئه‌های دشمن بیندیشند:

ماهیت شیطان بزرگ از

می‌جنگند و آنان که حق را پوشانند، در راه طاغوت. پس با دوستان و هواداران شیطان بجنگید، بدانید که حیل شیطان ضعیف است. امام وقتی می‌گوید شیطان بزرگ آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند، دقیقاً از این منطبق قرآن الهام می‌گیرند چرا کوفتی دیگر رهنمودهای امام در نظر گرفته شود، که ارتش ۲۰ میلیونی برپا کنید که تمام اسلحه‌ها را بسوی آمریکا بشانده روید... طبیعی است که انکیدالشیطان گان ضعیفاً و آمریکا - هیچ غلطی نمی‌تواند بکند. اگر از پرداختن به تضادهای فرعی دست برداریم، اگر فرصت طلبانه از برخورد های خشونت‌بار در جبهه درونی خلق استقبال نکنیم، اگر خود محوری و گروه‌محوری و تقدم مصالح گروه و سازمان بر انقلاب را کنار بگذاریم، اگر انحصار طلبی نکنیم، اگر دورتوها و دورتوها را ببینیم و آینده‌نگر باشیم، اگر با وحدت و انسجام درونی بجنگ امپریالیسم و شیطان بزرگ برخیزیم آنوقت توطئه‌های آمریکا براب خواهد شد، آنوقت کودتای ۲۸ مرداد تکرار نخواهد شد، آنوقت آمریکا هیچ غلطی نخواهد توانست بکند. آمریکا شیطان بزرگ است و در منطق قرآن و امام خمینی طرحها و برنامه‌ها و توطئه‌های آن سخت بی‌بنیاد. شیطان بزرگ ماهیتاً جنگ‌افروز است و استراتژی و تاکتیکهای آن جز بر مبنای دشمنی با صلح و سلم و صفا نمی‌تواند باشد و برای رسیدن بصلح باید با این دشمن عداوت جنگید و شیوه‌ها و خطرات آنرا شناخت و بنایودی کشاند. یا ایها الذین امنوا ادخلوا فی السلم کافه و لاتتبعوا خطوات الشیطان انه لکم عدو مبین ای کسانی که ایمان آوردید، همگی در (وحدت) صلح وارد شوید و شیوه‌های شیطان را دنبال نکنید که او برای شما دشمنی آشکار است. در منطق قرآن مبارزه می‌آید با شیطان بزرگ باید شیطان‌های کوچک را اخوان الشیاطین را کاملاً شناخته و بنابودی آنهاست گماشت، باید اولیاء - الشیطان یعنی هواداران و وابستگان و سازشکاران با شیطان را شناخته و تیشه بر ریشه آنان زد، چرا که شیطان بزرگ با تکیه بر شیطان‌های کوچک و اولیاء الشیطان و

برنامه ای متناسب با هدفهای انقلاب برای مسایل کشور داشتند و اگر در اجرای آن برنامه ها با قاطعیت عمل میکردند، هرگز بحران داخلی تا این درجه اوج نمیگرفت. حوادث هفته گذشته دانشگاهها و شدت بحران در کردستان و سایر مسایل پیچیده و تحلیل برنده همه دلالتی قطعی است بر ضعف و ناتوانی دولت و شورا در رهبری انقلابی و مکتبی کشور - آخر تاکی باید آزمایش پس بدهند. صبر انقلابی مردم بی نظیر است - تبعیت و وفاداری و فداکاری آنان بی نظیر است - مسئولین برای موفقیت چه چیزی کم داشته اند - حمایت بیدریغ خلق برای غلبه بر هر مشکلی کافی بوده است ولی هنوز هم مردم باید وعده بشنوند شاعر و حرف گوش بدهند و روی عشق و اعتمادی که به امام دارند و تبعیت از وی را لازم می بینند و بدلیل - حمایتی که امام از این ارگانها میکنند - صورته پس از یکسال و دوامه کمیگردد و کاری صورت نگرفته مشکلات آنها را زیر فشار سخت قرار داده بازهم صبر و تحمل میکنند و آمادماند چون گذشته جان شیرین خود را فدای انقلاب و رهبری بکنند - آیا باید از اینهمه اعتقاد و صداقت خلق، فقط برای حفظ کرسیهای قدرت و تثبیت آن وانجام رقابتها ی گروهی استفاده شود - آیا مسئولین با سیاستهای منفی خود زمینه را برای اجرای طرحها و توطئه های دشمن مساعد ساخته اند با سیاست محافظه کارانه و رفرومیستی و وامشی های سازشکارانه و ارتجاعی و ضد انقلاب فرصت رشد نداده اند؟ و دشمن را جری ساخته اند و تضادها را تشدید نکرده اند. ۹ - شکست عملیات نظامی آمریکا در اثر تصادم هواییها اعلامیه ارتش را بحساب خود گذاشت و مدعی شد که در تعقیب هواییهای دشمن بوده که در آسمان تصادم میکنند و سقوط می - نمایند. اما اخبار واقعیت را بنحو دیگری توصیف میکنند معلوم است که طیاره آتش گرفته روی زمین و در کنار هلیکوپترها بوده است و برخورد و آتش سوزی روی زمین انجام گرفته و ربطی به تعقیب هواییهای نظامی ایران و سقوط آسمان نداشته که اگر سقوطی در کار بود چگونه درست در کنار هلیکوپترها بر زمین افتادند و آتش گرفتند؟ معلوم است که تا آن لحظه عملیات بخوبی پیشرفت کرده بود در دل سیاهی شب که همه مسئولین و مراقبین رسمی خواب بودند بسیاری از مؤمنان و بطور قطع و یقین امام بیدار بودند و با خدای خود راز میگفتند برای پیروزی خلق و شکست توطئه های دشمن از وی طلب یاری مینمودند آیا نباید تا نیز دعای مؤمنان و رهبر ملت را کمتر از تاثیر دعائی که برای حفظ خانه خدا صورت گرفت ندانیم - ولی این حقیقت ذرهای از مسئولیت متصدیان امر در حفظ کشور و انقلاب میگردد؟ به گذشته نگاه کنیم هر بار در آستانه هر سازش قطعی امام قدم پیش نهادند و توطئه را باطل و خنثی کردند در هر یورش و توطئه آمریکا در حالیکه مسئولین منفعل و در تردید و فاقد تصمیم و قاطعیت بودند رهبر انقلاب فرمانهای انقلابی صادر کردند - حتی در برابر تجاوز نظامی آمریکا دیدیم که وزارت خارجه بعد از مدتی سکوت به نوشتن یک نامه گله آمیز به آقای والد هایم دوست عزیزشان قناعت کردند و رئیس دولت گفتند چه اعتراضی داریم بکنیم که همه زندگیمان اعتراض است - نه شکایتی به شورای امنیت نه اعلان بسیجی و نه تهدیدی به مقابله - هیچ - تا امام بسخن آمدند و اعلان آماده باش دادند و تهدید به مقابله کردند که ارگانها کشته خواهند شد و نفت بروی دنیا ی غرب بسته خواهد گشت حتی مسئولین امور خبر واقعه را ساعتها پس از آنکه در سراسر دنیا پخش شده بود به اطلاع ملت ایران رساندند. و حتی بعد از کشف محل فرود هواییهای دشمن - تا امروز از نشستن و تصرف هلیکوپترها خودداری شد شاید؛ عمل فنی خاصی دارد که ما نمیدانیم - و به پوشش هوایی اکتفا شد و امروز هم ابتدا از هوای آنها را بگلوله بستند در حالیکه گفته شده بود حاوی اسلاندند و بعلاوه اگر سالم تصرف میشدند غناش جنگی خوبی و منبع اطلاعاتی و تضمین بحساب میآمدند ولی نمیدانیم بچه دلیل فنی و تاکتیکی و شاید از ترس کماندوهای مخفی شده در داخل هلیکوپترها ابتدا گلوله باران کردند و ساعتی بعد اعلان شد که هلیکوپترها

مراقبت و پیشگیری مخصوص در اختیار داشتند - اگر نه چرا؟ و مسئول این بی - تفاوتی و لاقیدی چه کسانی هستند و اگر دستور مراقبت مخصوص داشتند - چرا نتوانستند از فرود هواییهای دشمن به خاک کشور - و فرود آمدن در منطقه کوبری مطلع شوند. آیا ما فاقد سیستم اطلاعاتی رادار هستیم؟ بهرحال بر دولت و مقامات ارتشی است که در این باره توضیح قانع کننده در اختیار ملت ایران و رهبر انقلاب بگذارند. ۶ - از روزهای اول بعد از پیروزی استدلال میشد که یکی از طرحهای آمریکا برای مبارزه با انقلاب ایران اینست که اغتشاشات و تضادهای داخلی را دامن بزند و تشدید کند و انقلاب را سرگرم جنگها و اغتشاشات داخلی نماید. با اینکار اولاً: انقلاب را از انجام تغییرات بنیادی باز دارد و زمامداران محافظه کار را سرکار نگاه دارد و بالاخره فرصت کافی به عوامل خود در داخل بدهد تا آرزوهای با استفاده از آب گل آلود به فعالیت و اجرای طرحهای عملیاتی خود بپردازند. ۷ - اجرای طرحی نظیر حمله نظامی آمریکا برای ربودن گروهانها مسلماً بدون مشارکت وسیع عوامل داخلی آنان مسیر نیست. این عوامل را جمع مدولی جاسوسان سیا - بطور عمده ماوراء سابق ساواک - عوامل وابسته به رژیم و مزدوران بختیار تشکیل میدهند که در کلیه ادارت و ارتش و دستگاههای اطلاعاتی در میان مردم و سازمانها و گروهها پراکنده اند. سیاست دادگاههای انقلاب در ماههای اول بعد از پیروزی کبر دستگیری وسیع مزدوران رژیم گذشته و محاکمه و مجازات آنان مبتنی بود در کنترل و تضعیف و درهم زکستن این عوامل بسیار مؤثر بود. زکست فشار دادگاهها و کمیته ها و سپاهیان پاسدار - عناصر مزبور - فراری و بی دربی شناخته و بازداشت میشدند - سیاست غیر انقلابی دولت موقت در تضعیف دادگاهها و اصرار شدید مقامات دولتی و بخصوص رئیس دولت موقت و سفارشات سایر عناصر مرتجع و سازشکار در آزاد کردن عوامل رژیم گذشته و درخواست عفو عمومی از امام به بهانه های مختلف موجب گشت بسیاری از ماوراء سابق ساواک و ضد اطلاعات و رکن ۲ و عوامل فاسد رژیم گذشته آزاد شوند. و یا از تعقیب درامان بمانند - چه کسی میتواند ادعا کند که این گروه های خائن عاید شده اند و در خدمت انقلاب درآمده اند و ایندو نشان خواهد داد که این سیاست سازشکارانه و غیر انقلابی و عملکرد مرتجعین تاچه پایه بر زبان انقلاب تمام شده است. در گذشته مواردی از خیانت این نوع افراد آزاد شده به انقلاب را مشاهده کردیم. آنکون باید پرسید چه عناصری در داخل کشور در رابطه با طرح آمریکا قرار داشته - اجرای قسمتهای مهم آنرا بر عهده گرفته بودند - و آیا موفقی آن نرسیده است که ملت به اهمیت روشهای غیر انقلابی و غفلت و تسامح و سیاستهای ارتجاعی و سازشکارانه متصدیان امور آگاه شوند؟ آیا مطمئن هستید که در داخل ارتش عوامل رژیم سابق مزدور دشمن و خائن و وابسته وجود ندارد تا به سهم خود در موفقیت طرح های دشمن علیه انقلاب شرکت کنند؟ - باز هم آینده نه چندان دور نشان خواهد داد که عناصری مانند فرمانده نیروی دریایی سابق بازم وجود دارند و اصرار دائمی ما بر ضرورت تصفیه و بازسازی انقلابی ارتش و تغییر بنیادی آن بی مورد نبوده است. آیا لازم نیست اقدام گسترده ای در جهت پاکسازی کشور از خائنان و مزدوران بعمل آید و دست عوامل ساواک و سیا در انجام توطئه باز گذاشته شود. ۸ - اگر آمریکا بعد از یکسال قادر است با دامن زدن به اغتشاشات و تضادهای داخلی و طرحهای خطرناکی علیه موجودیت انقلاب ایران بحرحله اجرا بگذارد - دلیلی جز این ندارد که متصدیان امر حکومت در پیشبرد هدف انقلاب نه فقط موفق نبوده اند که عمل آنان بازده منفی داشته است. ثبات و امنیت روز بروز کمتر شده. مسایل و مشکلات داخلی نظیر مساله ملیت ها، بیگاری، اعتصاب، گرانی، هرج و مرج، اعتشاش و فعالیتها ی ضد انقلاب و کمبود مواد غذایی احتکار، اعتیاد، دزدی، تجاوز به قانون و حقوق مردم، حدت زیاد پیدا کرده است. مسلماً اگر دولتتها و شورای انقلاب دارای بینش انقلابی بودند و

تخصیص بدون سروصدا زیاد فیصله باید و فراموش شود. صاحبمهایی که شبکه‌های مختلف رادیو و تلویزیون آمریکا از وزیر خارجه ایران برای مردم آمریکا پخش می‌کنند، همه حاکی از آنست که ایشان سعی دارند مساله را زیاد جدی و با اهمیت نگرفته دولت آمریکا را از نگرانی زیاد خارج سازند. علیرغم این سیاست که نظایر و مشابه آنهم در موضع مقامات دولتی در داخل نسبت به این تجاوز منکس است، اهمیت آن بقدری است که ملت زرمند و شجاع ما باید از همه حقایق مطلع شوند تا با آگاهی بیشتری درباره سرنوشت انقلاب و توطئه‌های دشمن بیندیشند:

۱ - آمریکا تنها در همان روزهای نخست بعد از اشغال لانه جاسوسی، طرحی در دست اجرا داشته اند ولی وقتی روحیه موافق زمامداران ایران را می بینند و امیدوار به حل مسالمت آمیز و آزاد شدن گروهانها از طریق مذاکره با مقامات ایرانی می شوند، از اجرای آن منصرف می‌شوند.

۲ - آمریکا تنها پس از آگاهی از نقطه نظری سیاسی اعضا شورای انقلاب و دولت امیدوار به حل مسالمت آمیز مساله می‌شوند و لذا فعالیت خود را بصورتها ی مختلف زیاد می‌کنند و از جمله والد هایم و سپس کمیسون خلق اختلاف را عزم می‌دارند، اما هر بار که مقامات دولتی ایران در دو قدمی سازش و مصالحه با آمریکا قرار می‌گرفتند، مخالفت دانشجویان مسلمان و توده‌های مردم و سرانجام فرامین قاطع امام در نفی سازش، نقشه‌های آمریکا تنها تلاشهای دولت مردان ایرانی نقش بر آب می‌شد، اما روحیه نرمش و سیاست عدم قاطعیت دولت و شورای انقلاب باعث می‌شد آمریکا تنها از مذاکره قطع امید نکنند.

۳ - در همان حال که آمریکا تنها با امیدواری به تفاهم و نرمش سیاستمداران ایرانی، به فعالیتهای سیاسی خود ادامه می‌دادند، با توجه به سازش ناپذیری امام و هشاری خلق روی طرح پیچیده‌ای جهت ربودن گروهانها و ضربه زدن به کل موجودیت انقلاب کار می‌کردند. این طرح که از ماهها پیش در دست تهیه بوده است، در رابطه با عوامل سیا در ایران و مزدوران ایرانی امپریالیسم تنظیم می‌شد، از ماهها قبل بهترین و ورزیده ترین کماندوهای آمریکایی به تمرین های لازم اشتغال داشتند.

۴ - یک قسمت از طرح شامل تماس با گروهانها بود تا آنان در جریان هدفهای طرح گذاشته شوند و دستورالعملها و آموزشهای لازم به آنان داده شد و اطلاعات دقیق در باره موقعیت آنان در لانه جاسوسی محل اقامت و استراحت و برنامه شبانه روزی و وضعیت مراقبین و نگهبانان و تعداد دانشجویان و افراد پاسدار و بسیاری اطلاعات لازم و حیاتی دیگر بدست آورند.

۵ - مگر از اولین روزها نسبت به این نوع ملاقاتها قویاً هشدار دادیم و اعلام کردیم که در میان این هیئت‌ها، دانشگاهی، مذهبی و سیاسی عوامل اطلاعاتی و نظامی سیا و ارتش آمریکا هستند و باید بدست مراقبت شوند. دانشجویان مسلمان مستقر در لانه جاسوسی هم موافق انجام این ملاقاتها نبودند، ولی هر بار زیر فشار دولت و شورای انقلاب مجبور می‌شدند به گروهها و عناصر مختلف اجازه ملاقات بدهند، بدون تردید آمریکا تنها موفق شده اند طی این تماسها، گروهانها را دقیقاً ارتباط و حتی تاریخ عمل را به اطلاع آنان رسانده و اطلاعات لازم را از درون لانه جاسوسی بچنگ آورند.

۵ - کمتر کسی بود که نداند اشغال سفارت و گروگان گیری اعضا و جاسوسان آن توسط دانشجویان ضربه سختی بود بر حیثیت آمریکا و بخصوص شخص کارتر، عصبانیت آمریکا تنها از همه حرکات و اقدامات آنان مشهود بود و با توجه به سوابق اقدامات آمریکا هر کس میدانست که آمریکا تنها بیگار نمی‌نشیند و برای جبران این ضربه و ربودن گروهانها و ضربه زدن بر انقلاب ایران توطئه خواهند کرد - بخصوص احتمال اجرای طرحهای نظیر طرح آنتبه بارها مطرح میشد آیا با وجود این هشدارها و واقفیتها مقامات دولت ایران، ارتش و قوای انتظامی و دستگاههای اطلاعاتی - دستور العمل خاصی برای

برچیده باد بساط استعمار و حشیانه فتوالها و مالکین بزرگ

بنابر اظهار دهقانان، فتوالهای منطقه کانون مالکین تشکیل داده و در آن اقدامات ضد دهقانی خود را هماهنگ میسازند.

فتوالهای منطقه به نام اهالی آبمال و کرد خیل این طومار را امضاء کردهاند بدون آنکه حتی امضاء یک نفر از اهالی در آن باشد.

شورای دهقانی - پس از سخنرانی آیه آ..... طالقانی در مورد شوراهای دهقانی دست به تشکیل یک شورای ۶ نفری (سه نفر از روستای آبمال و سه نفر از کرد خیل) میزنند که بعداً تعداد اعضای شورا به ۱۰ نفر میرسد، مرکب از ۱ نفر لیسانس، ۳ دبیر، ۱ دانشجو و ۵ نفر از بیاموران محل. اعضای در گروه های ذیل تشکیل گردیدهاند:

- ۱- گروه عمران و جهاد سازندگی
- ۲- گروه کشاورزی
- ۳- گروه داسداری
- ۴- گروه تعقیب پرونده هاشمیان
- ۵- گروه هماهنگ کننده

شورا موظف است هر هفته شبهای جمعه تشکیل جلسه بدهد و کارهای انجام شده و در آن هفته را به اطلاع روستائیان برساند و کارهایی که بایستی در هفته آینده انجام گیرد، تعیین کند.

فعالیت های شورا - ۱- شورایی تعاونی اشتراکی کشاورزی به نام "خاک" (خ. امام خمینی - ۱ - آبمال - ک. کردخیل) تشکیل داده و ۲۵۰ هکتار زمین را به زیر کشت گندم برده است.

شرکت تعاونی محل ابتدا از تحویل بذر به شورا خودداری میکرد، اما با فشار شورا اهالی محل بذر مورد نیاز را تأمین نمود. شورا دهقانان را در چند گروه ده نفری سازمان داده که هر گروه مسئول کشت قسمتی از اراضی است.

۲- تأسیس یک باب ثانوی ۴۰ - ش ریزی جاده ۵۰ - نگهداری از اموال و تأسیسات متعلق به محمود رضا پهلوی. تعدادی از جوانان کبکتهای تشکیل داده و مدت ۴ ماه از اموال محافظت نمودند. پس از آن بنیاد مستضعفین سرپرستی آنرا بعهده گرفت روستائیان از بی تفاوتی و عدم قاطعیت دادگاه انقلاب اسلامی ساری ناراضی هستند و خواستار محاکمه و مجازات هاشمیان میباشند.

بنا بر اظهار دهقانان فتوالهای منطقه، کانون مالکین تشکیل داده و در آن اقدامات ضد دهقانی خود را هماهنگ میسازند.

آنجا به ساری بازگردانده مسود و دهقانان شکایات خود را که بالغ بر ۲۲۷ برگ میشود تسلیم دادگاه انقلاب میکنند ولی حجه الاسلام شجاعی وی را آزاد میکند. پاسداران دادگاه انقلاب ساری شدیداً به این کار اعتراض کرده و پس از مدتی هاشمیان را در تهران دستگیر و به زندان اوین تحویل میدهند. دو سه ماه بعد در برابر دیدگان حیرت زده روستائیان متحصن در دادستانی کل، با وساطت روحانی معلوم الحال که چهارمی گام را آشنا برای مردم ساری است، هاشمیان مجدداً از زندان آزاد میگردد. در همین حین نیز هیئت ۵ نفری وزارت کشاورزی حکم استرداد زمین را به هاشمیان صادر میکند و همچنین اعضاء شورا را به جرم تصرف عدوانی !!! به تبعید محکوم مینماید. روستائیان با استناد به قاعده "الزرع للزرع ولوکان غاصباً" زیرا بار این حکم ظالمانه نرفته و اظهار میدارند حتی اگر غاصب زمین هم باشیم محصول از آن ماست. دهقانان برای برداشت گندم به قاضی شرح قبیله ساری مراجعه کرده و از ایشان اجازه میخواهند. ایشان در پاسخ میگوید: من هاشمیان را از طفولیت میشناسم وی یک کشاورز واقعی است ولی چون مقدار زیادی زمین دارد، شما نسبت بدو حسدات میورزید!!!

نمایندگان دهقانان به تهران رفته و بنا رضایتی خود را از دادگاه انقلاب ساری به اطلاع دادستانی میسازند و اعزام هیئتی برای رسیدگی به قضیه را درخواست مینمایند. متعاقب آن آقای ناطق نوری به منطقه میآید و پس از بررسی احوال میدارد: از نظر جزائی این فرد محکومیت زیادی دارد و از نظر حقوقی اموالش باید آزاد شود. پس از مدتی دوباره هاشمیان از زندان آزاد میشود. مسئولین در پاسخ به اعتراض اهالی اظهار داشتند طوماری با امضاء ۱۱۰ نفر از ساکنان روستاهای آبمال و کردخیل ارسال شده که در آن نامز خواندن هاشمیان گواهی شده است!!! با ملاحظه طومار معلوم میشود،

کساری از روستای آبمال و کردخیل این دو روستا در فاصله ۱۵ کیلومتری ساری واقعند. مالک بزرگ منطقه شخصی بنام سید رضا هاشمیان بود. این فرد با استثمار وحشیانه دهقانان و از طریق زد و بند با محمود رضا پهلوی خائن مقادیر زیادی از زمینهای روستائیان را تصاحب نمود. دهقانان با از دست دادن اراضی خود به آباد کردن زمینهای بایر پرداختند و عدای نیز ناچار به مزدوری در اراضی مالکین گشتند. در سال ۴۲ روستائیان صاحب زمین سند مالکیت دریافت داشتند و این تنها ارفغان اصلاحات ارضی ملوکانه! بود.

با اینهمه علیرغم باصلاح تقسیم ارضی، دهقانان تا سال ۱۳۵۲ بهره مالکانه میرداختند. در سال ۴۲ اهالی شروع به ساختن مسجد میکنند، اما مخالفت شدید هاشمیان، کار را رها میسازند. رضا هاشمیان برای سرکوب روستائیان از منطقه "هزار جریب" و "سنگسر" جماعتدار اخیر میگردد و یکبار در سال ۱۳۵۴ زد و خورد شدیدی بین دهقانان و طرفداران هاشمیان بوقوع پیوست. از سال ۵۶ جوانان دو روستا به مبارزه سازمان یافته با ارباب بر می خیزند و از همان سال کشیک شبانه برقرار میگردد. هدف از این کار بسیج روستائیان بود.

هر شب چهار نفر در روستا نگهبانی می دادند. جوانان در محرم سال ۵۶ مجلس اطعامی را که از طرف ملک ترتیب داده شده بود، برهم زدند. در سال ۵۷ مقارن با آغاز انقلاب یک شورای ۵ نفری تشکیل میگردد. مرکب از سه گروه. یک گروه ماه مور حل اختلافات روستائی، گروه دیگر ماه مور مسائل کشاورزی و بالاخره گروه سوم ماه مور سرپرستی کشیک شبانه. علاوه بر این، شورا گروهی از جوانان را ماه مور تأمین نیازمندیهای اهالی مینماید. شورا روستائیان را برای شرکت در تظاهرات ساری تشویق و بسیج میکند. در دیماه سال ۵۷ دهقانان مطلع گشتند که هاشمیان عدای از جناب بدستان سنگسری و آلاشتی را برای حمله به روستاهای آبمال و کردخیل استخدام کرده است.

برگردان چه میگردد؟

روستائیان تنها حاصل دسترنج خود را بدست می آورند و محصول نخلهها به خان تعلق دارد.

نقل از "گناهانه مبارز"

"تشریه ستاد مسلمانان مبارز دشتستان" آنچه که در زیر می آوریم تنها بیانگر یک حرکت اصیل ضد خانی در یک منطقه خاص از این پهناور مملکت نیست، بلکه تداوم قیام شکوهمند ۲۲ بهمن می باشد که می بایست در یکسال پیش شروع می شد، باز جای شکرش باقی است که اشغال جاسوسخانه آمریکا و راهپیمائی دانشجویان و کشاورزان از لانه جاسوسی به طرف وزارت کشاورزان و مطرح شدن طرح اصلاحات ارضی رضا اصفهانی در بین روستائیان زمینه قیام های روستائی را که خوشبختانه هر روزه شاهد آن می باشیم آماده تر ساخت، و حتی کار را به جایی رساند که طرح اصلاحات ارضی خلقی و اسلامی در شورای انقلاب تصویب گردید و خون جدیدی در رگهای انقلاب به جریان انداخت و می رود تا آخرین پس مانده های فتوالیسیم و خان منشی را از صحنه اقتصاد ایران بزداید و زمینه را برای تداوم حرکت ضد امپریالیستی و محو سرمایه داری وابسته فراهم نماید. و واقع روستای کردلان خود یکی از وقایع این جریان خواهد بود. اما چگونه واقعه؟ چندی پیش دو نفر از اهالی روستای کردلان طی تماسی با سرپرست خوابگاه

دادستان انقلاب سبب می شوند که خان مذکور توسط سپاه دستگیر گردد. اما خان از طرف دادستان شهرستان آزاد شده و خونخوارتر به ده برمی گردد و با کمک رئیس پاسگاه بنام آب شیرینی و عشایر ناآگاه به جان روستائیان شاک می افتند و به شدت آنها را می زنند، نویسنده این واقعه خود در تاریخ ۵۹/۱/۷ یعنی حدود ۲۲ روز از گذشت واقعه از نزدیک مشاهده کرده که یکی از روستائیان به نام علی حیدری به شدت مضروب گردیده و سرم غذایی به وی تزریق شده بوده است. بر اثر این عمل و فحاحانه که با همدستی خان، پاسگاه، دادگسری شهرستان صورت گرفته بوده است. روستائیان را به شدت خشمگین نموده و در روز ۵۸/۱۲/۲۰ راهی بوشهر می گردند و با کمک سرپرست هنرجویان و عدای از هنرجویان ده بدادگاه مراجعه می کنند که بد جای اقدام برای دستگیری خان، سرپرست هنرستان و سه نفر از هنرجویان دستگیر می شوند و به روستائیان هیچ وقتی نمی گذارند، دیگر هنرجویان و روستائیان به اعتراضات پرداخته و از طریق ستاد پاسداران دستگیر شدگان آزاد و خواستار محاکمه دادستان شهرستان در یک دادگاه خلق می شوند، سپس به هنرستان آمده و تحن می کنند که تاکنون نیز در تحن می باشند. ۵۹/۱/۸، برای امور زندگی این روستائیان متحصن به باری پرسنل نیروی هوایی و هنرجویان و سرپرست خوابگاه و دیگر اشعار مردم ۲۵ هزار تومان جمع آوری گردیده که صرف خرید آرد و روغن و سایر مایحتاج زندگی شده است.

شرایط روستای کردلان و وضع خوانین:

ده کردلان، ده کوچکی است با ۳۵ خانوار و جمعیتی بالغ بر ۱۶۰ نفر، این ده از توابع خورموچ و در ۶۶ کیلومتری آن قرار دارد (خورموچ یکی از بخشهای شهرستان بوشهر) که از همه امکانات اولیه محروم و فاقد مدرسه و درمانگاه است و اهالی می بایست برای مطالعه خود به روستای باغون که در ۱۲ کیلومتری کردلان واقع شده است، بروند. مسجد ندارد، آب آشامیدنی ده نیز از طریق چاهی که خارج از ده قرار دارد تأمین می گردد. خانهها عموماً بی حیض است و در مواردی با جوب نخل و کنار پوشانده شده. اما دو قلعه استحقاقی در ده وجود دارد که متعلق به خوانین است و با بیگاری کشیدن از روستائیان ساخته شده است. خان ده یعنی ملک خان که با کمک برادرش ناصر خان و پسرش مسعود خان به چپاول روستائیان مشغولند، قبلاً ساکن این روستا نبود و حدود ۳۰ سال پیش به این روستا آمده اند. روستاهای نزدیک نیز چنین وضعی دارند، مثلاً ده شومیه با ۳۰۰ خانوار توسط سهراب خان و روستای درویشی با ۲۰۰ خانوار توسط ناصر خان از طریق خان منشی چپاول می شوند. از ۴۵۰۰ نخلی که در این ده توسط روستائیان کاسه شده است ۳۰



سال بد صرف خان درآمده و روستائیان تنها ۱۰۰۰۰۰ حاصل دسترنج خود را بدست می آورند و محصول نخلهها به خان تعلق دارد. تنها دو عدد تلمبه جهت صیفی کاری وجود دارد که متعلق به خان بوده و روستائیان در آن با سهمی نصف خان، نصف کشاورز و بیکاری مشغولند. مراتع اطراف ده نیز توسط خوانین غصب گردیده و همساله مراتع را به ایلات و



تسایر به بیای ترات به احاره می دهند و در نسخه دانهای روستائیان بی علوفه مانده و ناچار می شوند برای خان جوانی کنند، و با خان و عسایر صادق و ناآگاه که آلت دست خان می گردند، درگیر شوند. خان نیز همیشه درصدد اختلاف افکنی بین ایاتان است. در زیر خلاصه مصاحبه ای را که با ماینندگان متحصن و عدای از آنها صورت گرفته می آوریم. باشد تا حقایق روشن تر گردد:

محمد - اسم شما چیست؟ حسین گوهری فرزند محمد. - اهل کجا هستید؟ کردلان از توابع خورموچ. - چرا اینجا متحصن کرده اید؟ برای اینکه حقمان را از خوانین (ملک خان، ناصر خان و مسعود خان) بگیریم. - شما تا چه زمانی قصد دارید در اینجا باشید؟ تا زمانی که به خواستهای ما رسیدگی نشود اینجا هستیم. به همین خاطر وقتش را نمی توانم بگویم. - شما چند نفر هستید که تحصن کرده اید و چند روز است که در تحصن هستید؟ ما حدود ۲۳ نفر هستیم که سه نفرمان زن و بقیه مردند و مدت ۲۰ الی ۲۳ روز است که اینجا هستیم (تاریخ مصاحبه ۵۹/۱/۸). - بقیه مردم ده طرفدار شما هستند یا خوانین؟ همه اهل ده طرفدار ما هستند ولی اکثر آنها جرات آن را ندارند که آشکارا بسنیانی کنند ولی همین را می دانیم که هیچکدام دل خوبی از خانها ندارند. - ظلم خوانین آن منطقه به چه شکل است؟ قصه زیاد است که گفتنش به درازا می کشد ولی بطور خلاصه بگویم که: این خوانین اصلتان اهل شنبه (ده همچار) هستند که ۳۰ سال پیش به روستای ما آمدند و تمام زمینهای این ده را تصرف کردند، ما را بهرزد ناجیزی به کار کردن در زمینها واداشتند، غیر از تجاوز به مال از تجاوز به ناموس ما هم ایائی نداشتند، از ظلم های دیگران این است که: دو قلعه درست کردند بدون آنکه یکسالی بول مصرف کنند، فقط ما اهالی را بدون مزد و حقوقی از صبح تا شب به کار خود میداشتند. ظلمهایشان فراوان است که متأسفانه حوصله گفتنش را ندارم و بعد از پیروزی انقلاب هم دست از ظلمهای خود برنداشتند. - شما چگونه متوجه شدید، می بایست بر علیه این خوانین قیام کنید؟ ما از رادبو اغلب می شنیدیم که امام می گفت، مستضعفین باید بر علیه مستکبرین قیام کنند و ما هم طبق دستور امام قیام کردیم. - شکایت شما به پاسگاه در چه تاریخی بوده و چرا اقدامی نشد؟ در تاریخ ۵۸/۱۱/۶ به پاسگاه شکایت کردیم ولی رئیس پاسگاه (محمد آب شیرینی) از همکاران خوانین است، هیچ اقدامی نکرد، به دنبال آن در تاریخ ۵۸/۱۱/۷ به گروهان خورموچ در تاریخ ۵۸/۱۱/۱۷ به دادگاه شهرستان بوشهر، ولی هیچکدام از مقامات کاری انجام ندادند. - چه مقاماتی از شما پشتیبانی کرده اند؟ سپاه پاسداران و دادگاه انقلاب، دادگاه انقلاب قول داده که رسیدگی کند و سپاه پاسداران هم در تاریخ ۵۸/۱۱/۳۰ به کردلان رفته و دو روز بعد ملک خان را احضار می کند، ولی آنها اعتنایی نکردند. سپس از طریق پاسگاه آنها به سپاه پاسداران مراجعه می کنند که بقیه در صفحه ۱۰

مردم و ما

تهران - برادر حیدر - م. ن

آمل: برادر عزیز س - ک

در باره اخراج افراد مبارز و مومن به انقلاب از ارتش ما اطلاعات موثقی داریم که ذکر نام بعضی از آنان بدون موافقت خودشان و در نظر گرفتن شرایط به مصلحت نیست. ما به کرات در باره چگونگی تصفیه و بازسازی ارتش صحبت کرده‌ایم، در امت مجدداً مقالاتی در این باره چاپ می‌شود که نظر شما را بدانها جلب می‌کنیم.

بطور کلی تصفیه در ارتش باید شامل کسانی شود که با رژیم همکاری فعال و آگاهانه داشته و یا به سوءاستفاده مالی متهمند و یا دارای بیش و عملکرد استبدادی و غیرتوحیدی هستند. در باره خصوصیت یک ارتش اسلامی جداگانه بحث شده است.

۲) عدم قبول مسئولیت اجرائی بخاطر فرار از کار نبوده و نیست. تجربیات و واقعات نشان داد که شرایط برای کار انقلابی و مکتبی در داخل دولت و شورای انقلاب فراهم نبود و نیست. هر وقت و هر جا امکان انجام وظیفه در جهت مکتب و انقلاب باشد، پذیرا هستیم. چنانکه دوستان و هواداران خود را به چندین مسئولیت در اینگونه موارد تشویق کرده‌ایم و هم‌اکنون بسیاری از آنان بکار مشغولند.

۳) دلیل تأیید از دوفرازانگانه‌ها ساجدهین در مجلس شورای ملی، کام برداشتن در جهت وحدت اصولی نیروهای مترقی در مبارزه مشترک علیه امپریالیسم و سازشکاری و ارتجاع بوده است.

جنبش مسلمانان مبارز در کلبه مورد موضع اصول و مستقل و مکتبی خود را اعلام داشته و هنوز هم بر اساس همان اصول حرکت میکند و وحدت و تضادش با گروهها و سازمانهای دیگر براساس معیارهای مکتبی است، نه مصلحت‌های سیاسی و حزبی.

نائین - برادر د - ا

وقتی از صداقت فرد صحبت می‌کنیم باید دید غرض چیست؟ اگر تنها عدم وابستگی و مزدوری با بیگانه باشد، حرف شما صحیح است. ما هم هرگز این اشخاص را وابسته و مزدور خارجی نخوانده‌ایم.

اما اگر غرض تطابق رفتار و روشهای سیاسی با معیارهای مکتبی و انقلابی باشد آنگاه قضیه فرق می‌کند. مثلاً از معیارهای مکتبی، صداقت‌مداری بودن و سازش‌ناپذیری می‌بینیم این اشخاص از نظام سرمایه‌داری، از مالکان و سرمایه‌داران، از مرتجعین و حتی از ساواکیها و همکاران رژیم دفاع و حمایت می‌کردند، طرفدار سازش و مصالحه با آمریکا بودند، شما اسم این را چه می‌گذارید؟

۲) رئیس دولت است که همکاران خود را برمی‌گزیند. اولاً سعی می‌کند کسانی را که با بینش و سلیقه او همراهند انتخاب کند. بهمین جهت اکثر اعضای کابینه با رئیس دولت هم‌سلیقه و هم‌دوش بودند. بعلاوه دولت موفق از حمایت وسیع توده‌ها برخوردار بود و با حمایتی که امام از ایشان می‌کرد، قادر به انجام بسیاری کارهای اساسی بود.

۳) ما درباره کیفیت انتخابات و چگونگی آرا مردم در سرمقاله‌ها ۵۰/ بحثی کرده‌ایم. الان مجال بحث بیشتر نیست. بطور کلی رای مردم در حال حاضر بهرکس نشانه تأیید کامل روشهای وی نیست. آگاهی مردم محدود است. آنان ابتدا اشخاص را بدو جبهه انقلاب - ضد انقلاب تقسیم می‌کنند. معیار این تقسیم - بندی را از مقامات رسمی - مذهبی و رادیو تلویزیون می‌گیرند. فکر می‌کنند در جبهه انقلاب - اسلام با این سطح آگاهی اگر بخواهند به ۳۰ نفر رای بدهند، کسانی جز اشخاصی که مقام، شهرت، نام و آوازه در رادیو و تلویزیون داشته‌اند و به‌هم نشینی با امام و ماموریت از جانب ایشان معروفند رای خواهند داد.

۴) دلیل عدم شرکت دکتر پیمان در انتخابات همان بود که قبلاً عنوان شد. نمی‌گوئیم رفتن در مجلس و قبول این وظیفه کار سیاسی مکتبی نیست. جنبش مسلمانان مبارز در انتخابات شرکت جست اما به‌دکتر پیمان وظایف دیگر محول گردید.

برادر دانش‌آموز با درود فراوان به‌شما و همه دانش‌آموزان در سراسر ایران که نقش سازنده و مهمی در به ثمر رسیدن انقلاب و تداوم آن به‌عهده داشتید و دارید به سوال‌های شما پاسخ می‌دهیم:

۱ - خواستهایم که طرح‌هایی که در امت چاپ می‌شود ما هر توضیح همراه شود - برادر عزیز، طنز و ابهام مثبت و تفکر - برانگیز جز لاینفک طرح است و برای دریافت پیام هر طرحی تعمق و تفکر و حتی کمک گفتن از دیگران ممکن است ضرورت باشد. بنابراین پیشنهاد ما این است که خودتان با تلاش فکری سعی در دریافت پیام طرح نمائید. و یا از دیگر برادران و خواهران کمک بگیرید و بالاخره اگر هر دو این شیوه نتیجه نداد، با امت مکاتبه کنید.

۲ - پرسیده‌اید منظور "جنبش مسلمانان مبارز" از ارتجاع چیست؟ ما معتقدیم که هر نیرو و جریان و قشر و طبقه و عاملی که در پی حفظ وضع موجود بوده و از دگرگونی‌های بنیادی و حرکت تکاملی مانع بعمل آورد، ارتجاعي بشمار می‌رود، و بر همین اساس سازشکاران را در صف مقدم جبهه ارتجاع می‌دانیم. توصیه می‌کنم به امت شماره ۵۱ در این مورد مراجعه کنید.

۳ - ما شیوه‌هایی را که "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" در افشای اسناد ارتباط سازشکاران با آمریکا بکار بردند خالی از عیب و نقص نمی‌دانیم با این حال در ماهیت اسنادی که آنها منتشر ساختند هیچگونه تردیدی نداریم و معتقدیم اسناد منتشرشده، صحت دارد.

۴ - همانگونه که شما هم اشاره کرده‌اید گروه‌هایی هستند که ماهیتاً "فرصت‌طلبند و از هر رویدادی در جهت مقاصد و اغراض خود سود می‌جویند. مانند عکس‌العمل بعضی از گروه‌های فرصت‌طلب در ماجرای "حجاب" در روزهای اول پیروزی انقلاب. با این حال تذکر این نکته را ضروری می‌دانیم که اگر شورای انقلاب و رئیس‌جمهور و دولت ماهیت انقلابی - مکتبی داشتند هرگز این نیروها قادر به چنین اعمالی نمی‌شدند و در صورت عمل رسوا میگردیدند.

۵ - در مورد سپاه پاسداران، توده‌های سپاه پاسدار در اکثر موارد از همان توده‌های مردمی هستند که در پیروزی انقلاب سهم عمده‌ای داشتند و در نهایت صداقت و فداکاری و جاننازی عمل می‌کنند.

اما از دو اشکال عمده نمیتوان چشم پوشید. ۱ - عناصری با ماهیت‌های مشکوک و غیرانقلابی در این نهاد جای گرفتند.

۲ - رهبری و بینش حاکم بر رهبری سپاه - پاسداران متناسب با صداقت توده‌های آن نمی‌باشد.

تهربیز - برادر فرزاد - ک

۱) در باره بسیج عمومی، نظر شما را کاملاً تأیید می‌کنیم. اگر در سرمقاله‌های امت دقت کرده باشید، معتقد بوده‌ایم لازمه بسیج توده‌ها بویژه در امر تولید، برداشتن موانع بزرگی چون مالکیت‌های ارضی و سرمایه‌داری از راه دهقانان و کارگران است. طبیعی است در جامعه‌ای که اختلاف طبقاتی وجود دارد، گروهی ثروتمند و بیگاره و سربار هستند. از زحمتکش نمی‌توان انتظار فداکاری داشت که آنان تولید کنند تا دیگران راحت و آسوده لذت ببرند. وقتی جامعه‌ای انقلابی می‌شود و همه مردم احساس می‌کنند، مملکت و زمین و آب متعلق به آنان است. حاضر به همه‌گونه فداکاری هستند. در آن شرایط گسیل جوانان بیگار برای کار در مزارع یا جاده‌سازی و نظایر آن مشکل نخواهد بود. چنانکه هم‌اکنون بسیاری جوانان صادق و فداکار در جهاد سازندگی صمیمانه بکار مشغولند.

۲) ما شخصیت پرستی و مطلق کردن افراد و رهبران را خلاف موازین و اصول اسلام و توحید می‌دانیم. و شیوه‌ای که سرانجام به انحراف بینش از اصول مکتب منجر می‌گردد، در اسلام تنها اصول و سنت‌های الهی مطلق و قابل تقدیس اند. و باید تبعیت شوند نه اشخاص. اعتبار و ارزش اشخاص به‌نسبت هماهنگی آنان از اصول مزبور است و لاغیر.

ماهیت و عملکرد امپریالیسم آمریکا در ایران

مسیر مواضع جناح‌های حاکم در آمریکا از زمان پیروزی انقلاب تا ۲۲ بهمن ۵۷ در برابر جنبش مسلمانان مبارز

اما نیافتن سیاست جانشین که امکان رها کردن شاه را به آمریکائیان می‌دهد (کارشناسان سی. آی. ا. و دیارتاها ابالتی عملاً هرگونه آمدی رانست به برقراری اوضاع در جهت منافع شاه از دست داده‌اند) برای پشتیبانی از یک حکومت لایق که یک عقب‌نشینی دست‌وردا شده را تضمین کند، حیاتی‌گارت در مورد فوق به عدم مطالعه و جستجو مگر در زمینه راه‌حلهایی که در کوتاه‌ترین مدت اثربخش باشد، محدود شده است.

فرستادن ناو هواپیمایر (کنستالسیون) جهت هشدار به شوروی و همچنین برای اطمینان خاطر عربستان سعودی و شیخ - نشینهای خلیج فارس می‌باشد. هنگامیکه دو گروه از وزرا می‌کوشند تا لستی از انتخاباتی ممکن، ظاهراً بدون موفقیت‌برری - چون فعلاً دولت آمریکا در

مستقیم برزیسکی می‌باشد، باحرا درخواهد آمد. (۹۵)

* آمریکا می‌بایستی خود را برای خروج احتمالی شاه آماده سازد... برای بسیاری از ایرانیهای ناراضی از رژیم، هر راه‌حلی که به نجات تخت شاه بیانجامد، غیرقابل پذیرش است. اگر چه یک سلطنت واقعی مشروطه تشکیل گردد. این قسمتی از مطلبیست که دیروز نیویورک تایمز در سرمقاله‌اش نوشته است.

از جانب دیگر جمله "تشریح بین - المللی نیروهای مسلح" تحلیل می‌کند که: ایالات متحده آمریکا می‌بایستی از کوشش برای پشتیبانی از یک لرد ۵۹ ساله با اندیشه‌های نادرست بزرگشانه و فرزند ۱۸ ساله‌اش بپرهیزد. آمریکا می‌بایستی برتراری ارساط بهتری را با وارنر جبهه

* پارامی از مسئولین اداری در واشنگتن بطور خصوصی، سقوط شاه را از هم‌اکنون غیرقابل پیش‌گیری بحساب می‌آورند. دولت گارت در این اوضاع تصمیم بر ادامه پشتیبانی - بطور رسمی - از شاه ایران گرفته است. یک گروه متخصص تحت رهبری یکی از معاونین وزارت امور خارجه آمریکا بنام آقای داو بندسون برای تجزیه و تحلیل ساعت بساعت رشد اوضاع در ایران وزارت امور خارجه بوجود آمده است.

برزیسکی رئیس شورای ملی امنیت روز جمعه ۲۹ دسامبر (۸ دی ۵۷) به کتب - دیوید جهت مذاکره با گارت و وزیر امور خارجه سایروسون در مورد ایران خواهد رفت.

بنا گفته منابع موثق، بخشنامه شد در واشنگتن عنوان شد که کویس آمریکا



بی سرعبرس راه حل می‌یابد - سایروس - ونس بدیدن حیاتی‌گارت در کتب دیوید رفت.

تصمیم دیگر دولت آمریکا عبارتست از تقویت سفارتش در تهران، بوسیله فرستادن کارمندان اضافی، ابتدا به یک دیپلمات، مسئول گرفتن تماس با مخالفین و سپس چهارنفر دیگر تحت عنوان کمک به سرویسهای کنسولگری که بعلت درخواستهای فراوان ویرا دچار اشکالات شده‌اند، اما طرز بیان مطالبشان بقارسی سلیس نشاندهنده اینست که متخصصین سی. آی. ا. می‌باشند.

یافتن نامیدوارکننده نیروی سوم غیرقابل‌دریافت‌میان "شاه از ارزش افتاده" و "آیت‌الله تارک‌اندیش"، پیچیده‌تر شده است. بواسطه حفره و فاصله‌ای است که بمناسبت اختلاف دیرینه میان ونس و برزیسکی وجود دارد.

ونس در رابطه با مسائل خاورمیانه و مذاکرات سالت از واشنگتن دور نگاه داشته شد، این برزیسکی است که بعلت توصیه‌هایش به گارت برای بیان یک پشتیبانی بدون شرط از رژیم تهران مورد انتقاد قرار گرفته است.

ونس که بیشتر محتاط است، شاید از سپتامبر ۷۸ (شهریور ۵۷) سعی می‌کرد اولتیماتومی را به شاه بقبولاند. خصوصاً از طریق وارد ساختن فشار بر شاه برای دست برداشتن شاه از کنترل ارتش و بودجه دفاعی به شرطی که اگر نظر کارمندان دیارتمان ایالتی را بپذیریم، علت اصلی شکست کوششها برای برقراری یک حکومت وحدت می‌باشد.

بنام این احوال، قطعی نیست که ونس خود را روشن‌بین‌تر از "برزیسکی جوانان" نشان داده باشد.

بسیاری از مسئولین سرویسهای اطلاعاتی مورد اتهام قرار گرفته توسط گارت که نتوانستند انفجار در ایران را پیش - بینی کنند، بالاخره با مطلع کردن روزنامه‌ها در بهار گذشته که وزیر امور خارجه بیوست به ریاست شورای امنیت ملی برای سروش گذاشتن یک گزارش تهیه شده بقیه در صفحه ۹

ملی مصدق، همچون کریم داریوش فروهر ادامه دهد. از طرف دیگر واشنگتن پذیرفت که جدیداً ارتباطش - قبل ایزویسیون ایران گسترش داده است. (۹۶)

* تحت فشار آمریکائیا که نامیدانه راهی رای حفظ منافعان در ایران می‌جویند، شاه کوشش‌اش را برای ایجاد یک دولت غیرنظامی در برگزیده مخالفین میانرو که مدت بیش از ۲ ماه است شروع کرده، ادامه می‌دهد.

شنبه ۳۰ دسامبر شاه رسای مجلسین را برای مطلع ساختن آنها از این امر که قبلاً شاهیور بختیار یکی از رهبران جبهه ملی را برای این امر دعوت کرده، بحضور پذیرفت. (۹۷)

* مادر شاهو بسیاری از اعضای خانواده سلطنتی به خواهر شاه، اشرف که مدتی است در لوس‌آنجلس زندگی می‌کند پیوستند. یک طرح فوری برای خروج احتمالی آمریکائیان مقیم ایران نیز تهیه شده است.

... سن بست فعلی تضادهایی را که رهبران آمریکا دچار آن گشته‌اند، منعکس می‌کند. رهبران آمریکا می‌خواهند هم چهره مدافع حقوق بشرشان را نجات دهند و هم در عین حال منافعشان را با نگاه داشتن شاه در قدرت که مردم ایران به‌تمامی خواستار خروجش از ایران می‌باشند، حفظ کنند.

آمریکا همچنین این مسئله که مردم لحظه‌ای از شکستن فواین حکومت نظامی پرهیز نمودند، و اینکه یک دولت نظامی سختگیر مسائل را حل نخواهد کرد و بلکه برعکس خطر اینکه اوضاع را بیش از این انفجارآمیز سازد وجود دارد، مورد توجه قرار داده است. بدون شک به همین دلیل است که روزنامه نیویورک‌تایمز به رهبران آمریکا پیشنهاد می‌کند که خود را برای خروج احتمالی شاه و جستجوی راه‌حلهای دیگر آماده سازند. (۹۸)

* آمریکائیا اکنون خودشان را آماده مقابله با اوضاع ناراحت‌کننده می‌نمایند.

مشغول مطالعه امکان نرسادن یک ناو هواپیمایر به خلیج فارس برای پشتیبانی از بیانه‌های جدید برزیسکی گارت که (هر) دخالت خارجی" در ایران را هشدار می‌داد، می‌باشد. در مورد "دخالت خارجی" هیچگونه توضیح روشن‌کننده‌ای داده نشد، لیکن این مسئله به شوروی بازگشت پیدا می‌کند.

از طرف دیگر وزارت امور خارجه آمریکا خبر پروادا، مینی بر اینکه ایالات متحده آمریکا یک "نیروی مخصوص" مسئول یافتن راه‌حلی برای بحران به ایران فرستاده است را تکذیب کرد.

سخنگوی وزارت امور خارجه اعلام کرد: "این اتهام نادرست است"، آقای هودینگ گارت همچنین اضافه کرد: "انتشار اخباری این‌چنین در لحظه‌ای که مسئله اساسی بازگرداندن آرامش است، کمکی نمی‌کند". آقای هودینگ گارت یادآوری کرد که ایالات متحده پرسنل سفارت و کنسولگری آمریکا در تهران را تقویت کرده‌اند. لیکن گفت، این مسئله تنها نتیجه رشد کار، مخصوصاً در ارتباط با بالا گرفتن درخواست ویزا می‌باشد. هودینگ‌گارت هرگونه توضیح و تفسیری درباره فعالیت سیا در ایران که از جانب روزنامه پروادا عنوان شده بود را رد کرد. (۹۴)

* عصر پنجشنبه (۲۸ دسامبر ۵۷) شاه با شاهیور بختیار ملاقات و او را برای تشکیل دولت متقاعد ساخت. عصر همانروز سخنگوی دربار اعلام کرد که روز شنبه (۹ دی ۵۷) شاهیور بختیار بعنوان نخست - وزیر معرفی خواهد شد.

در مقابل سرعت فراوان حوادث، حکومت آمریکا تصمیم به پیاده کردن برنامه خروج احتمالی ۳۵۰،۰۰۰ آمریکایی که هنوز در ایران می‌باشند، گرفت. دولت آمریکا همچنین در نظر دارد ایستگاههای رادار جاسوسیش را در مرزهای شوروی از بین ببرد.

برنامه فوق توسط گروهی از شورای امنیت ملی که تحت ریاست یکی از معاونین

لغو مالکیت‌های فتودالی، خواست توده‌های دهقانی است

موافقتنامه کمپ دیوید یا توطئه آمریکا - اسرائیل و مصر ۳

چنانکه در موافقتنامه مشهود است، کوچکترین سخنی از فلسطین اشغالی جز آنچه در سال ۱۹۶۷ توسط اسرائیل اشغال شده است، یعنی بخش غربی رود اردن و نوار غزه بمان نیاورده است. در همین منطقه نیز بر طبق ماده یک بخش اول، شرکت و توافق اسرائیل، اردن و مصر را لازم در حل مسئله فلسطین می‌داند و نمایندگان فلسطین را هم که در مذاکرات می‌نمایند شرکت کنند، بر طبق بند (ج) از ماده یک، نمایندگان انتخابی در دو منطقه فوق بحساب می‌آورد، در حالیکه بیش از ۲ میلیون تن از آوارگان فلسطینی در خارج از این مناطق بسر می‌برند (و سازمان آزادی-بخش فلسطین که مورد تأیید خلق فلسطین است در خارج این محدوده متمرکز است).

از طرف دیگر حق بی‌چون و چرای مردم فلسطین در تمام مراحل توسط نمایندگان به کشور خارجی تعیین می‌گردد و فقط در یک مرحله نمایندگان انتخابی ساکنان مناطق اشغالی (که لابد در برگزیده اسرائیلی‌های مهاجر نیز هست) حق رای خواهند داشت. مراحل تشکیل این حکومت خودمختار بقرار زیر است:

۱ - در مرحله اول تحت نظارت اسرائیل و قبل از آنکه ارتش و پلیس اسرائیل از این مناطق خارج شوند، انتخابات آزادی! صورت خواهد گرفت و پس از آن، با در نظر گرفتن حفظ امنیت اسرائیل (جمله‌ای که به هر نحو توسط اسرائیل توجیه خواهد شد) حکومت نظامی در این مناطق به پایان می‌رسد.

۲ - در مرحله بعدی مصر، اردن و اسرائیل چگونگی شکل و حتی حیطة قدرت این حکومت خودمختار را تعیین خواهند کرد. ظاهراً سادات خائن معنای خودمختاری را فراموش کرده است. بلافاصله بعد از تعیین حدود قدرت توسط سه کشور فوق قوای اسرائیل از نقاط قبلی خارج شده و در نقاط امنیتی! مستقر خواهند شد. دقت کنید که در این مرحله اسرائیل می‌تواند با قبول نکردن حدود فوق ارتش خود را از نقاط فعلی خارج نکند. دیگر اینکه اگر هم چنین عملی را انجام دهد، در نقاط مهم و استراتژیک همین مناطق مستقر شود. تازه با وجود ارتش اسرائیل اولاً تشکیل یک نیروی پلیس قوی که مطمئناً کارش سرکوبی جنبش‌های توده‌ای و ایجاد جو خفقان است و ثانیاً واحدهای گشتی مرکب از سربازان اسرائیلی و اردنی برای بازدید و سرکشی مرزها و متوقف کردن هر نوع رایحه جنسی استقلال طلبانه‌ای، پیش‌بینی شده است. حال خود معنی استقلال خودمختاری حکومت فلسطین و قبول حق حاکمیت مردم فلسطین را در تعیین سرنوشت خود در این چهارچوب بررسی کنید.

۳ - پس از آنکه این دولت "خودمختار" تشکیل شد، تازه یک دوره پنج ساله انتقالی شروع می‌شود که در انتهای آن مصر، اسرائیل، اردن و نمایندگان این دولت خودمختار یک قرارداد صلح میان اردن، اسرائیل منعقد خواهند کرد. حال توجه است که در اینجا نه اشاره‌ای به خروج کامل قوای اسرائیل می‌شود و نه از آزادی کامل یک حکومت فلسطینی مستقل سخن به میان می‌آید. در این موافقتنامه هیچ محدودیتی برای مهاجران اسرائیلی در نظر گرفته نشده است. بعلاوه اگر تمام مفاد این موافقتنامه تا مرحله سوم انجام شود، باز استعمار صهیونیستی با یک دلیل کاذب می‌تواند تمام قرارداد را نادیده گرفته که به احتمال قوی باین کار مبادرت خواهد کرد. زیرا چنانکه در ابتدا اشاره گشت، حیات اسرائیل منوط به توسعه طلبی، قهر و نزادپرستی می‌باشد. دلیل کافی این مدعی را می‌توان در شواهد زیر یافت:

اول آنکه بگین در مصاحبه و سخنرانی‌های خود پس از کمپ دیوید گفت که به هیچ وجه قول خروج کامل قوای اسرائیل را از مناطق اشغالی ساحل غربی و نوار غزه را نداده است (۱۸ سپتامبر ۱۹۷۸ بنقل از کوارتز می‌رویو) و دوم آنکه همین صهیونیست در مصاحبه تلویزیونی ۱۰ بی. سی. ذکر کرد که فقط تا مدت سه ماه مهاجرت یهودیان را به منطقه ساحل غربی و اردن متوقف خواهد ساخت. سوم آنکه در مصاحبه با مجله تایم بگین اعلام داشت که: "جودیا و سوماریا (یعنی ساحل غربی رود اردن) بخشی از سرزمین موعود می‌باشد، و متعلق به اسرائیل است. چهارم اینکه باز بگین در مصاحبه تلویزیونی با باربارا والنترزا بی. سی یادآور می‌شود که جمله حقوق حقد مردم فلسطین،

بی‌معنی می‌باشد!! پنج، بخاطر شکل چهارچوب موافقتنامه صلح کمپ دیوید (همانگونه که رفت) راه برای مخالفت اسرائیل بصورت حق وتو در برابر تشکیل یک حکومت فلسطینی باز است، و یقیناً اسرائیل باین کار اقدام خواهد کرد. چه در ۱۹ سپتامبر جیمز ابورق (سناتور دمکرات از داکوتای جنوبی) اعلام کرد که وزیر امور خارجه، سایروس ونس، سخن گفت "نه تنها اسرائیل می‌تواند چنین کشور مستقلی (فلسطین مستقل) را وتو کند... بلکه اسرائیل به احتمال زیاد از این "حق وتو" خود استفاده خواهد کرد تا از بوجود آمدن کشور فلسطین مستقل جلوگیری کند. بدین ترتیب می‌بینیم که در پس ظاهر دل‌غریب دفاع از حقوق حقد خلق و آرمان فلسطین، چگونه سادات خائن استقلال ملت فلسطین و مصر را به تن بخش فروخت. اما جالب‌تر اینجاست که بر طبق ماده ۲ بخش یکم حتی اگر چنین کشوری (فلسطین) بوجود آید، در دوره انتقالی و بعد از آن، از هر وسیله ممکن برای حفظ امنیت اسرائیل استفاده خواهد شد. بعلاوه یک نیروی پلیس قوی مرتبط با افسران اسرائیلی، مصری و اردنی برای حفظ چنین امنیتی بوجود خواهد آمد.

(مصر (صحرائ سینا)

در مورد مصر مفاهیم موافقتنامه به صورت زیر است:

دوم - مصر و اسرائیل

۱ - مصر و اسرائیل سعی خواهند کرد تا به تهدید و یا اعمال قدرت برای حل و فصل مسائل دست نیازند...

۲ - ... چهارچوب انجام قرارداد صلح میان مصر و اسرائیل حاکم بر مذاکرات صلح میان این دو خواهد بود.

سوم - اصول مرتبط

۱ - مصر و اسرائیل اعلام می‌دارند که اصول و خطوط مذکور در ذیل باید در معاهده صلح میان اسرائیل و هر یک از همسایگانش - مصر، اردن، سوریه و لبنان - اعمال شود.



۲ - امضاءکنندگان قرارداد میان خود روابطی عادی، مرتبط با حالت "صلح فی‌مابین، برقرار خواهند کرد. اجرای آن (ایجاد روابط عادی) مراحل زیر را در بر می‌گیرد:

الف - شناسایی کامل

ج - تضمین این امر که در حیطة قدرت (قضایی) خود اتباع هر کشوری از حمایت قوانین قضایی برخوردار باشند.

۳ - امضاءکنندگان قرارداد باید امکانات توسعه روابط اقتصادی (فی‌مابین) را مرور کنند...

۴ - کمیسیون‌هایی در مورد ادعاهای متقابل تشکیل خواهد شد تا تمام ادعاهای مالی متقابل حل و فصل گردد.

۵ - از ایالات متحده دعوت خواهد شد تا در مذاکرات مربوط به برپوش اعمال موافقتنامه حضور یابد.

۶ - از شورای امنیت سازمان ملل متحد درخواست خواهد شد تا قرارداد صلح را تأیید نموده و تضمین نماید که مفاد قرارداد نادیده گرفته نشود. از اعضای دائم شورای امنیت درخواست خواهد شد که قرارداد را در نظر گرفته اقدام بمفاد آنرا تضمین نمایند.

محل امضاء برای دولت جمهوری عربی مصر

محل امضاء برای دولت اسرائیل

بشهادت جیمی کارتر رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا

مفاد چهارچوب انجام قرارداد صلح بین مصر و اسرائیل... اصول زیر میان جناحهای درگیر بتوافق رسید:

الف: اعمال کامل حاکمیت مصر تا سرحدات فلسطین...

ج: خروج قوای نظامی اسرائیل از (صحرائ سینا)، در العریش و... برای استفاده غیرنظامیان بعلاوه امکان استفاده



ملت شوم سه مقصد، که بخاطر کشنارخلق عرب و فلسطین لبخندجنایتکارانه دارند.

تجاری توسط کشورهای دیگر.

د: اجازه عبور آزاد کشتی‌های اسرائیلی از خلیج سوئز و ترعه سوئز بر اساس کنوانسیون (مجلس) کنستانتینوپل در مورد تمام کشورها دهانه تیران و خلیج عقبه راههای آبی بین‌المللی بوده و آزادی غیرقابل تعلیق در کشتیرانی و پرواز بر فراز آن متعلق به همه کشورهاست.

ه: احداث جاده‌ای میان صحرائ سینا و اردن و نزدیک رایلوات با تضمین عبور آزاد و آرام بصورت مذکور در ذیل:

استقرار نیروها:

الف: بیش از یک لشکر (سواره یا پیاده) نیروهای مسلح مصری در منطقه‌ای تا ۵۰ کیلومتری شرق ترعه سوئز و خلیج سوئز نباید مستقر گردد.

ب: فقط نیروهای سازمان ملل متحد و پلیس غیرنظامی مجهز بسلاحهای سبکی که در عملیات پلیسی عادی بکار می‌روند، در منطقه‌ای که در غرب سرزمین بین‌المللی (منظور مرز اسرائیل است) از خلیج عقبه و بفاصل مختلف ۳۰ تا ۴۰ کیلومتر از آنها واقع است می‌توانند متمرکز گردند.

ج: در منطقه‌ای که از مرز بین‌المللی تا ۳ کیلومتری شرق را فرا گیرد نیروهای محدود اسرائیلی که بیش از ۴ تیب پیاده - نظام نخواهند بود و ناظرین سازمان ملل، مستقر خواهند شد.

د: نیروهای گشتی مرزی که نباید بیشتر از سه تیب باشند، با پلیس غیرنظامی آرامش را در مناطقی که در فوق ذکر شد، حفظ خواهند کرد. مراکز اعلام خطر سریع می‌تواند بوجود آید تا حدود قرارداد را تضمین کند.

نیروهای سازمان ملل در نقاط زیر مستقر خواهند شد:

الف - در منطقه‌ای در ۲۰ کیلومتری دریای مدیترانه تا مرز بین‌المللی جنب آن (مرز اسرائیل جنب آن).

ب - در منطقه شرم‌الشیخ برای تضمین آزادی عبور و مرور از دهانه تیران و این نیروها جز باتأیید شورای امنیت و رای متفق پنج‌عضو دائم آن از آن مناطق خارج نخواهند شد.

پس از امضاء قرارداد صلح... روابط عادی میان مصر و اسرائیل برقرار خواهد شد که در برگزیده شناخت کامل سیاسی منجمه روابط اقتصادی، فرهنگی، قطع محاصره اقتصادی و موانع موجود در راه عبور کالا و مردم و حمایت متقابل اتباع (دو کشور) توسط قوانین قضائی... باز چهره خیانت را در اسناد فوق آشکارا می‌توان دید زیرا:

نخست آنکه ماده دوم بخش دوم راه را

برای قرارداد صلح جداگانهای میان مصر و اسرائیل باز می‌کند و این امر با سخنرانی ۱۱ اکتبر ۱۹۷۸ سادات که گفت قرارداد صلح جداگانهای با اسرائیل خواهد بست و دیگر از مواضع سوریه و اردن دفاع نخواهد کرد. صورت ملموس‌تری بخود گرفت.

دوم آنکه بر طبق بخش سوم موافقت - نامه اسرائیل برسمیت شناخته می‌شود.

سوم آنکه برطبق بند (ج) از همین بخش فشار اقتصادی وارد بر اسرائیل بعلت رفع محاصره اقتصادی از میان خواهد رفت.

چهارم، برطبق همین بند (ج) تحرک اسرائیل در مصر افزایش می‌یابد.

پنجم آنکه بر اساس ماده ۳ اسرائیل در مصر دست بتوسعه اقتصادی می‌زند و اینجاست که میتوان گفته سناتور جابوتز (از نیویورک و از سناتورهای صهیونیست آمریکائی) را به صورت متبلوری مشاهده کرد که در ماه اوت اعلام داشت: ایران (زمان شاه)، مصر و اسرائیل باید روابط بسیار نزدیکی برقرار کنند، تا اسرائیل با نیروهای صنعتی، مصر بانیروی انسانی و ایران با منابع ارضی خود زمینه اقتصادی بزرگی را فراهم آورند که البته بعد از آن هم بازار مشترکی برای سرمایه‌داران غربی بوجود آمده، زمینه مساعدی برای استعمار



خلیقه‌های منطقه و بخصوص خلق ایران و مصر توسط امپریالیسم و صهیونیسم فراهم آید).

طبق چهارچوب... کشتیرانی را برای اسرائیل در ترعه سوئز و خلیج عقبه آزاد کرده تا کشتی بزرگ و حیاتی از نظر اقتصادی محسوب شود. ضمناً زمینه را برای گسترش ارضی اسرائیل فراهم می‌کند. بر طبق بند (ه) نیز تحرک اقتصادی اسرائیل را برای استفاده از بازارهای اردن و مصر توسعه می‌دهد.

ششم آنکه با ماده ۵ این بخش آمریکا نقش فعالی در فعل و انفعالات خواهد داشت، البته نیروهای استعماری دیگر هم بر اساس ماده ۶ (یعنی اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل) از این خوان بیغما بی‌نصیب نخواهند ماند.

هفتم، از نظر نظامی و بر اساس چهارچوب اتمام قرارداد صلح بین مصر و اسرائیل، قسمت استقرار نیروها، عملاً مصر در صحرائ سینا ناظر است و پس، چه، اولاً بیش از یک لشکر پیاده یا سواره تا ۵۰ کیلومتری شرق ترعه و خلیج سوئز نمی‌تواند مستقر سازد (و البته این امر در تمام صحرائ سینا نیز صدق می‌کند)، ثانیاً بر طبق ماده (ب) در غرب مرز اسرائیل تا فاصلهای در حدود ۴۰ تا ۲۰ کیلومتری آن جز نیروی پلیس نمی‌تواند حضور داشته باشد. ثالثاً طبق ماده (د) از شمال صحرائ سینا تا نواحی غرب خلیج عقبه نیز فقط نیروی پلیس و نیروهای سازمان ملل قادر به استقرار هستند. حال با نگاهی بد نقشه میتوان دید که جایی برای حاکمیت واقعی مصر باقی نمی‌ماند و بند (الف) که چنین ادعای توخالی را عرضه می‌دارد جز برای عوامفریبی نیست. جالب توجه است که در برابر همه این امتیازات نظامی! اسرائیل فقط تا ۵۰ کیلومتری شرقی مرز خود قوای نظامی خود را مستقر نخواهد ساخت. بدین ترتیب حتی در برابر تله‌های خشک صحرائ سینا و بادیه‌های لم‌بزرگ آن و سیادت مجازی برای مصر چیزی جز بسط ابادی دشمنان، نصیب ملل عرب و بخصوص همسایگان فلسطین اشغال‌شده نخواهد بود.

اورشلیم: گز این شهر مقدس و مکان عزیز نامی در موافقتنامه کمپ دیوید نیامده است، هر چند بر طبق قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت سازمان ملل متحد، بخش عرب - نشین آن می‌بایست با عراب بازگردانده شود. بگین با همان وقاحت و با بی‌شرمی که خاص عوامفریبان صهیونیست است در مصاحبه با... بی. سی در مورد اورشلیم ذکر کرد که مواضع اسرائیل در مورد این شهر مقدس تحت هیچ‌گونه شرایطی تغییر نخواهد کرد. آقای سادات نیز که از کیسه

شخصی بذل و بخشش می‌کند. حاضر شد آنرا از متن موافقتنامه حذف کند. ارتفاعات جولان: از این منطقه اشغالی نیز سخنی بهمان نیامد تا مبادا این همه امتیازات که از اسرائیل گرفته است از دست برود! بدین ترتیب سادات کار خیانت به کشورهای عربی را نیز بدرجه کمال رساند.

با در نظر گرفتن آنچه که گذشت میتوان هدف‌های کلی خیانتنامه کمپ - دیوید را بصورت زیر تقسیم کرد:

۱ - از میان بردن جنبش آزادیبخش فلسطین و مخدوش کردن حقوق حقد خلق آن.

۲ - از میان بردن پایگاه مبارزه و انقلاب در خا میانه با بسط تسلط "مجاز" در فلسطین اشغال شده.

۳ - نجات اسرائیل، پایگاه استعمار جهانی در منطقه و نجات دادن استعمار صهیونیستی از طرق:

الف - ایجاد آرامش برای بهبود بخشیدن به وضع مهاجرت یهودیان با اسرائیل.

ب - ترمیم جبهه اسرائیل که به کمک مجاهدان خلق فلسطین رفته‌رفته چهره کثیف خود را به جهانیان نشان داد.

ج - شناسایی اسرائیل از سوی بزرگترین کشور عربی یعنی مصر.

د - قطع محاصره اقتصادی و ایجاد زمینه برای رشد اقتصادی اسرائیل.

۴ - ایجاد بازار در کشورهای منطقه و بخصوص کشورهای همسایه اسرائیل برای امپریالیسم جهانی و استعمار صهیونیستی.

۵ - بسط استعمار نیروهای انسانی و بهره‌برداری از منابع ارضی کشورهای عربی و مردم فلسطین توسط استعمار جهانی.

۶ - حفظ سیادت طبقه حاکم بر کشور عربی از طریق بازیهای سیاسی و وعده‌های عوامفریبانه در مورد صلح‌یابدار و بالطبع فرونشاندن قهرانقلابی خلق‌های عرب.

۷ - باز کردن راه برای استعمار از غرب و بویژه امپریالیسم آمریکا در منطقه، بصورت "مجاز و مشروع".

۸ - بهبود بخشیدن وجهه کارتر در انکار عمومی آمریکا و جهان بویژه پس از سزل محبوبیت وی.

آیا این اهداف امپریالیستی - صهیونیستی به نتیجه خواهد رسید؟ هرگز. چه مادام که خلقی قاطعانه بمبارزه خود علیه امپریالیسم و صهیونیسم ادامه می‌دهد و خداوند به مومنان وعده پیروزی داده، این خیانتها و توطئه‌ها مسلماً به شکست خواهد انجامید و سلطه شرک ناپایدار خواهد گشت. با ادامه این مبارزه این آرامش و ثبات ظاهری به افسانه‌ها خواهد پیوست. و با تنزل مهاجرت یهودیان و ایجاد مشکلات اقتصادی - سیاسی و نظامی و تداوم نبرد خلق فلسطین با هم‌پاری تمامی مسلمانان جهان برای رهایی سرزمین‌های خود و بیت - المقدس این قبلی مسلمانان، روزی شاهد نابودی اسرائیل و امپریالیست‌های حامی آن و بازگشت برادران فلسطینی و مسلمانان به قدس خواهیم بود.

و مکرواومرالکله والله خیرالماکرین

پایان

قولو للعالم انا هنا صامدون
جهانیان را بگوئید ما ما پایداریستادایم
ما ایستادایم

یک دستمان کتاب
یک دستمان سلاح

در ذهنمان جوانه روئیده فلاح
در چشمانم شراره سوزنده نبرد
در قلبمان گدازه آتشفشان خشم

ما ایستادایم
آزاد و پرغرور -

چون گوه استوار
چون قامت بلند درختان نوبهار
بی ترس در برابر رگبار تند تیر
دلگرم از حرارت فریاد خشم خویش

ما ایستادایم
با عزم آهنین

در انتظار گشتن عفریت خون خوراک
با آرزوی روز رهایی خلقها

از بام تا به شام -
از شام تا به بام -
چون قامت کشیده گلدسته‌های شرق
پر عشق و پرغرور
بی بیم و بی هراس
ما ایستادایم...

اعلام انحلال انجمن توحیدی انستیتو تکنولوژی کرمانشاه

بنام خدا
ویژگی بارز نخستین گام پیروزی انقلاب اسلامی ایران در رامنبرد با دیکتاتوری وابسته پهلوی، بسیج عظیم توده‌ها به رهبری امام خمینی در یک مبارزه یکساله بود که نظیر آن در تاریخ انقلابات و مبارزات مستضعفان جهان کمتر اتفاق افتاده است.

خروش توده‌های میلیونی خلق از اقشار و طبقات مختلف و وحدت در راه سرنگونی دیکتاتوری و برپایی حکومت عدل اسلامی باعث پیروزی سریع مرحله اول شد و فرصت آنرا نداد که نیروهای پیششار جایگزین شوند و در نتیجه دولت لیبرال امور را در دست گرفت و با برداشته شدن محور اتحاد خلق یعنی دیکتاتوری وابسته و مشخص نبودن استراتژی انقلاب و وجود شرایط نامناسب دیکتاتوریکمعد در پیروزی مرحله اول فعالیت‌های سیاسی شکل حزبی و گروهی بخود گرفت. از یک طرف لیبرال‌های مذهبی، رفرمیستها، مرتجعین و ملیون دست به تشکیل حزب و دسته زدند و از یک طرف دیگر نیروهای انقلابی به شکل خود قوام بخشیدند و هرکدام برای اداره جامعه، حفظ دستاوردهای انقلاب و ادامه انقلاب طرحی ارائه می‌دادند و مدعی بودند حق با آنهاست و هر روز گروه تازماری چون قارچ از زمین روئید، وحدت و اتحاد جای خود را به تفرقه و اختلاف داد و این وضعیت یعنی تشکیلات زدائی در طول زمان کوتاهی بصورت بیماری همه‌گیری درآمد و نتیجه آن افتادن به خرده کاری و کارهای محلی، انجمنی، فرهنگی و... بود.

انجمن توحیدی دانشجویان انستیتو تکنولوژی کرمانشاه از این گونه انجمنها بود که بلافاصله بعد از سرنگونی رژیم وابسته در اسفند ۵۷ در شرایطی که مواضع نیروهای و گروههای سیاسی مکتبی مسلمان دقیقاً معلوم نشده و استراتژی انقلاب نامشخص بود و بدلیل عدم تشخیص ضرورت کار تشکیلاتی منسجم که آنهم بعلت پیروزی انقلاب بدون تشکیلات و سازماندهی بود، بوجود آمد.

اما با گذشت زمان و بررسی و نگریستن به مواضع انجمن و ارزیابی شرایط کنونی کشور دریافتیم که انجمنهای دانشجویی در شکل محلی آن نمی‌توانند بار مبارزه حساس و پیچیده ضدامپریالیستی کنونی را بدوش کنند. بدین خاطر کلیه اعضا انجمن در نشستهای درون گروهی خود به جمع‌بندی عملکردها و ضرورت وجودی انجمن توحیدی دست زدند و حاصل این نشستها به بیانیه اعلام انحلال منجر شد. دلایلی که باعث شد قالیهای فکری معمول و گیش گروهی را در هم بشکنیم عبارتند از:

۱- ابتدائی‌ترین شکل مبارزه، مبارزه انفرادی است ولی طبیعتاً اگر انسانهایی اهداف مشترکی را دنبال کنند، باید کار مشترکی داشته باشند و برای جلوگیری از اتلاف انرژی و وقت، لازم است انضباط سازمانی، تشکیلاتی داشته باشند.
۲- چون تضاد عدل‌امپریالیسم است از نظر پیش مکتبی - تاریخی درمی‌یابیم امپریالیسم که تشکیلات منسجمی دارد، مبارزه با آن از طریق پراکنده‌کاری و محصور شدن در محفل‌های محدود امکان‌پذیر نیست و نیروهای منسجم و تشکیلاتی هستند که توان مبارزه دشوار ضدامپریالیستی را دارند.

۳- انجمنها بدلیل نداشتن ارتباط ارگانیک با جریانات و تحولات اجتماعی (نداشتن منابع اطلاعاتی) بنحو احسن نمی‌توانند با قشر محروم جامعه ارتباط سازمان‌یافته‌ای برقرار کنند و اگر تماسی باشد، بصورت رابطه سیاسی موقت است. اگر معتقدیم که امامت زمین در آینده با مستضعفین است، باید از طریق تشکیلاتی واحد با آنها برخورد کنیم و طرح و برنامه جهت آموزش و بسیج آنان داشته باشیم و از آنجائی که تاریخ نمی‌تواند نیروهای انقلابی را نزد خود بماند، اگر در مقطع کنونی نیروهای انقلابی تقویت نشوند، احتمال ضربه‌خوردن و منزوی کردن آنها زیاد است.

مجمع عمومی انجمن با توجه به ضرورت‌های فوق و نظر به ماده ۲۲ اساسنامه ضرورت‌های فوق و نظر به ماده ۲۲ اساسنامه که عین آن باین شرح می‌باشد (تصمیمات برای تغییر و اصلاح یا انحلال اساسنامه حداقل ۱/۳ رای اعضا شرکت‌کننده در مجمع داد و موافقت زیراتصوبت کرد):

۱- از تاریخ صورتجلسه این مجمع (انحلال) هیچ نوع بیانیه و اعلامیه و یا هرگونه نشریه‌ای در... با نام انجمن منتشر نخواهد شد.

۲- هر یک از اعضا در انتخاب و پیوستن به هر گروه و یا عدم آن آزاد خواهند بود.

۳- استفاده از نام انجمن حداقل تا دو سال برای هر انجمن تازه‌تاسیس در انستیتو تکنولوژی کرمانشاه ممنوع خواهد بود.

۴- مجمع عمومی باتفاق آراء تصمیم گرفت کلیه اموال منقول و غیرمنقول خود را به‌مواداران جنبش مسلمانان مبارز در کرمانشاه اهدا نماید.

مجمع عمومی انجمن توحیدی انستیتو تکنولوژی کرمانشاه
تاریخ ۵۹/۱/۲۰

کردستان در آتش و خون

مساله کردستان تنها مساله گروهها نیست.
مساله مردم کرد و خواستهای آنان هم هست، ایندورا از هم تفکیک کنید و بهر دو بپردازید. اکنون دردها و نیازهای مردم کردستان با فرصت طلبی گروهها درهم آمیخته است ولی افسوس که گلوله‌ها تنها مغرضین را نمی‌کشند، مردم هم قربانی می‌دهند و چه بسیار از این قربانی‌ها، زخمهایی میشوند عمیق و چرکین که عوارض آن برای سالها این پاره تن ملت ایران را آزار میدهد و آرامش و صلح و برادری‌ها از تمامی ملت میریاید.
چرا محتوی پیام تاریخی امام را اجرا نمیکنید و چرا شوراها را تشکیل نمیدهد، کردستان در جنگ است، ایالات دیگر چگونه؟ اگر آرزوهای مردم کردستان برآورده شود و اعتماد آنان به دولت جلب گردد، برای دفع شر عوامل مزدور و گروههای مغرض بدون تردید اینهمه قربانی دادن لازم نیست. مردم کردستان خود جلوی آنانرا میگیرند و برای برقراری صلح نیازی به دادن اینهمه شهید از میان برادران رشید و جان برکف پاسدار و... ارتشی و بخاک و خون کشیدن خانه‌ها و شهرها و تاسیسات نخواهد بود. آری اکنون سرزمین کردستان در آتش غفلت و بینش غلط مسئولین و سیاه دلی رهبران گروههای فرصت طلب میسوزد و زمین از خون برادران سپاهی و ارتش و مردم رنجیده کرد رنگین است و قطعا در این میان مغرضین و توطئه گران کمترین تلفات را میدهند. آیا راه حلی بهتر برای برقراری صلح و وحدت وجود ندارد؟ چه کسی باید بفرک کردستان باشد؟ و در این سو چه کسی مشغول است؟ آنطرف را که میدانیم.

سخنی با خواهران و...

انقلاب و مکتب راندانند زیرا بطور عمده وابسته به جریانات لیبرالی و ارتجاعی - اقلتار سرمایه دارو خرده سرمایه دار مرفه میباشد و برداشتی غیر اصل از مکتب داشته و بیشتر از آنچه مؤمن به انقلاب و راه امام باشند مظاهر و ملیس به آن هستند. شما تاکنون می‌پنداشتید که این جریانات مظاهر و نمونه‌های واقعی انقلاب و خط امام میباشدند، از این رو بخود اجازه نمیدادید که در اصلتشان تردید کرده و با مواضعی فعال و انتقادی و افشاگرانه با آنها برخورد کنید و بطور مستقل خواست و حرکت اصل خود را ببیان توده‌های مردم ببرید، اگر حرکت برادران و خواهران دانشجوی مسلمان پیرو خط امام توانست آثار مثبتی در این مسیر از خود ظاهر سازد، بخاطر آن بود که در برابر جریانهای فوق استقلال بیشتری کسب نموده و خط رابطی میان شما و خط اصل انقلاب شدند اکنون بیش از هر موقع ضرورت یک حرکت تعالی بخش بسوی استقلال از جریاناتی که بازدارنده هرکس تکاملی مکتبی هستند، بچشم میخورند زیرا جامعه و توده‌های صادق و مبارز ما نیازمند حرکتی مستقل از هر نوع وابستگی غیر توحیدی و باز دارنده هستند که بتوانند با تحلیل‌های واقع بینانه اصالت حرکت مکتبی و وفاداری واقعی به ویژگیهای خط امام را در عمل عینیت بخشد و بسه مسئولیت سنگین و حساس و خطیر خود آگاهانه عمل کند.

۳- تجربه اخیر دانشگاهها
بشمار برادران نشان داد که راه و شیوه اصولی روبروئی با هر جریان انحرافی - آن نیست که بعضی جریانات تحمیل میکنند و تظاهر آن در خشونت و سرکوب و جفاک جلوه گر میشود بلکه شیوه مکتبی همان اصالت دادن به خود و حرکت انقلابی اسلامی داشتن است و بدون بینش و حرکت انقلابی - مکتبی توسل بهر شیوه اثنی برای حفظ خود ونفی دیگران عملا و نهایتاً به رشد بیشتر جریانهای انحرافی کمک خواهد نمود.

۲- در حوادث اخیر دانشگاهها معلوم شد که جریانات مزدور هر کدام میل دارند خواست مکتبی شما دانشجویان را برای انجام یک انقلاب فرهنگی در نظام آموزش کشوریا مورد بهره برداری قرار دهند و یا تخطئه و مخدوش سازند و در حالیکه شما با الهام از مکتب و آموزشهای امام میخواهید نظام آموزشی زیر و رو شود و معتقد هستید که بدون تغییر بنیادی در چنین نظامی عملاً در خط منافع سرمایه داری وابسته عمل خواهد کرد محافظی سعی کردند حرکت شما را واژگونه جلوه داده و بحرکتی ضد گروهی و ضد مارکسیستی و ضد دانشجویی تبدیل سازند. برادران و خواهران اجازه دهید با اذعان به صداقت شما بگوئیم که شیوه عمل و مشی که برای رسیدن به هدف انتخاب کردید فرصتی برای بهره برداری غیر اصولی فراهم ساخت و در نتیجه حوادث اسف باری پدید آمد که نمیتوانست خواست شما باشد زیرا ضرباتی بر انقلاب وارد میگرد. همین

۱- جامعه بی طبقه توحیدی جامعه‌ای است که در آن استعمار و استبداد و محوو و نابودی می‌شود.

۱۱- جامعه بی طبقه توحیدی جامعه‌ای است که اقتصاد در آن بر پایه خدامالکی می‌باشد.

۱۲- در جامعه بی طبقه توحیدی تنها ارزشهای والای اسلام حکمفرماست و ارزشهای ضد مکتبی محو و نابود می‌شود.

۱۳- در جامعه بی طبقه توحیدی تنها قانون خدایی که در قرآن نوشته شده بر جامعه حکم می‌راند.

۱۴- در جامعه بی طبقه توحیدی انسان از عبودیت غیر خدا آزاد می‌شود و فقط تسبیح ذات حق تعالی را بجای می‌آورد.

۱۵- جامعه بی طبقه توحیدی جامعه‌ای است که در آن تمام حرقها شنیده می‌شود و بهترین آنها انتخاب می‌گردد.

۱۶- جامعه بی طبقه توحیدی حکومت عقیده‌هاست نه حکومت بر عقیده‌ها.

۱۷- جامعه بی طبقه توحیدی حکومت توده‌هاست نه حکومت بر توده‌ها.

۱۸- جامعه بی طبقه توحیدی جامعه‌ای است که در آن سرمایه‌داران و فئودالها و انحصارطلبان و سازشکاران طرف می‌شوند.

۱۹- در جامعه بی طبقه توحیدی وسایل تفریحی و بهداشتی و آموزشی و تربیتی و پرورشی برای همه در حد نیاز و ضرورت و استعداد فراهم خواهد شد.

۲۰- جامعه بی طبقه توحیدی جامعه‌ای است که در آن وعده الهی تحقق می‌یابد

خون دل ...

بقیه از صفحه ۸

جلسه عشق میورزیدند که بارها پیشنهاد داده بودند تا از هفته‌ای یک جلسه به چند جلسه افزایش یابد. و آنقدر کار بخوبی پیش میرفت که عده‌ای از جوانهای شهرستان لاهیجان که در دهکده‌های بنام لینجان زندگی میکنند مجذوب این گروه شده و درخواست نمودند که با ما همکاری کنند و در آنجا نیز جلساتی برای بچه‌ها تشکیل شد که هنوز ادامه دارد و به پیش می‌رود - در این مدت پدر و مادر ها از وضع بچه - ها شان بسیار راضی بودند و از اینکه به چنین جلساتی می‌آیند خوشحال بودند. و بچه‌ها را تشویق میکردند که هرچه بیشتر فعالیت کنند تا اینکه از مدتی پیش از طرف عده‌ای که از این وضع خوششان نیامد و همیشه علاقه دارند دکمه‌ها چیز تحت نظر خودشان باشد اسلام را در همان چهارچوبی که خود ساخته اند می‌بینند علیه ما شروع به تبلیغات کردند - آنقدر که توانستند اعتماد پدر و مادرها و افکار عمومی را بر علیه ما بسیج کنند چون ما نخواستیم آنچه را که ما تحمیل میکنند بپذیریم همین باعث شده که ما مارک کمونیست حزب خلق مسلمان، فرقان بزیند بطوری که اکثراً بچه‌ها شان را دیگر اعتماد حاصل نمیکردند به جلسات بفرستند - حتی تهدید به زندان و تحویل دادن به پاسبان کردند و در آخرین جلساتی که داشتیم متوجه شدیم دو پاسبان مشغول تحقیق و شناسایی محل تشکیل جلسه هستند تا سر پرست گروه را دستگیر کنند - وقتی می‌پریم چرا به ما این تهمت ها را می‌زنید می‌گویند

به دلیل آنکه در آرم گروهیتان ستاره وجود دارد - چون با حزب جمهوری رابطه ندارید چون به پیشنهاد محل اطمینان ندارید و وقتی با جواب ما برخورد میکنند با تسدی تمام از آن گذشته و میگویند اصلاً "مگر شما علم فقه خوانده‌اید"

شما چکاره هستید که اسلام را ترویج می‌کنید؟ اسلام ترویج کردن کار روحانیت است نه شما - و امثال اینها - ولی ما بهر صورت مصمم هستیم که ادامه دهیم و چنین نیز خواهیم کرد زیرا در مسیر مبارزه این سختیها را باید با دل و جان پذیرفت مگر ما از مهدی رضای ها چه چیز کمتر داریم؟ ماهم چنان راه همان ادامه خواهیم داد تا خندق‌های پر شده را که باعث شد دوست و دشمن باهم مخلوط شوند تاحدی که نتوان آنها را از هم تمیز داد دوباره بوجود آوریم و وجه تمایز بسازیم بین دوست و دشمن که به قول امام‌سلمان علی (ع) کسی که امید به یافتن آب دارد هرگز تشنه نمی‌ماند.

(امام علی - نهج البلاغه)

کنیم، ما هم میدانیم که انقلاب فرهنگی زمینه اصلی انقلابات اجتماعی، اقتصادی است و اصولاً تصور انقلاب فرهنگی جدا از دگرگونیهای اجتماعی - سیاسی و اقتصادی ممکن نیست.

اولین شرط در تحقق این هدف، پرهیز از دگرگوییهای غیر اصولی و رشد دادن به تضادهای فرعی است.

شرط دوم، همکاری و وحدت نظر همه نیروهای انقلابی و مکتبی است که اصلت را به انقلاب و مکتب و به نیروی توده میدهند و مستقل از هر وابستگی به غیر و اعتماد به عوامل خارج از خویشان میخواهند در این راه و مبارزه جهاد کنند.

شرط سوم، توده‌ای کردن این حرکت انقلابی است، انقلاب فرهنگی نباید و نمیتواند توسط جریانات حاکم و بصورت فرمایشی و دستوری از بالا به پائین انجام گیرد، انقلاب فرهنگی یک جریان توده‌ای است که باید زیربنای فکری و اخلاقی جامعه و همراه آن مناسبات غلط و ضد توحیدی را درهم بکوبد.

شرط چهارم، تعیین دقیق هدفها و تنظیم و تدوین برنامه و مراحل عمل است که باید براساس شور بین همه نیروهای مکتبی و متعهد انجام گیرد.

به اعتقاد تاقی مردم و در پیشاپیش آنان نیروهای انقلابی و مکتبی، ابتکار عمل را بدست نگیرند، انقلاب انجام نمیشود، و تحولی در بنیادهای آموزشی هم رخ نخواهد داد. هر چه انجام گیرد، از حدتغییرات روبنای و فشری تجاوز نخواهد کرد، وحدت واقعی خلق در حرکت انقلابی، مکتبی تحقق مییابد، اگر حرکت جهت دار وجود نداشته باشد، آنرا بزور نمیتوان تحمیل کرد، به امید وحدت اصولی همه نیروهای صادق و انقلابی

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بحران داخلی و

فرصت که قدرتشان تثبیت شد و آنانرا مزاحم یافتند، به طرد و سرکوبشان دست می‌زنند.

مرتجعین برای حفظ امتیازاتی که در اینمدت کسب کرده‌اند و اعمال تسلط انحصاری خود بر جامعه همچنان از ایمان وفاداری توده‌ها به امام و اسلام بهره برداری می‌کنند و تضاد آنان که هم‌اکنون با نیروهای مترقی عمده است و با جناح لیبرالی هیئت حاکمه در رقابت قرار دارند، عملاً بازیچه‌بازیهای سیاسی جناح لیبرال قرار خواهند گرفت و به نفع وی در قدرت متحیل خواهند شد.

رشد هر دو گرایش به معنای نفی کامل حرکت انقلابی توده‌ها و حذف جوهر مکتبی انقلاب است که از هم‌اکنون شاهد آن هستیم.

۲- امپریالیسم با وجود ضعف‌های اساسی که در حرکت موجود می‌بیند، هنوز هم آنرا دشمن می‌داند. علت این خصومت آنستکه حرکت موجود هنوز زیر تاثیر فشار انقلابی توده‌های مبارز و نیروهای مترقی و انقلابی و بالاتر از آن رهبری امام خمینی و محدودی روحانیون مبارز و مترقی قرار دارد و در مجموع علیرغم تضادهای شدید داخلی و حالت افسوس‌ناپذیر سنی در شکست دادن آن دارد. با توجه به این واقعیت که در هم شکستن سریع قدرت موجود منجر به جایگزینی زودرس یک جریان گام‌اوابسته به امپریالیسم می‌شود (البته بعد از یک دوره درگیریهای سخت) لذا بی‌دلیل نیست ما هنوز هم هر نوع برخورد خصمانه با وضع حاضر را رد می‌کنیم و معتقد به برخورد انتقادی و افشاگرانه و کار مکتبی هستیم.

مخالفت جدی امپریالیسم و مزدوران وابسته بدان با حرکتی که امام خمینی رهبری آنرا همچنان برعهده دارد، بر هیچکس پوشیده نیست. اسناد همه مؤید این واقعیت است. بعلاوه باید دید چرا محافل اجتماعی وابسته به امپریالیسم و رژیم سابق همچنان علیه امام و وضع حاضر تلاش و توطئه می‌کنند. این واقعیت‌ها نشان می‌دهد که هنوز مجموعه حرکت به زیان امپریالیسم پیش می‌رود. درست است که محافل ارتجاعی و لیبرالی با خمینی‌نمایی توانسته اند گارها را بدست بگیرند و سرنوشت خود را با سرنوشت کل حرکت گره بزنند بطوریکه هر برخورد خصمانه و قهرآمیز با آنان مستقیماً متوجه کل حرکت می‌شود، ولی سازش‌ناپذیری امام خمینی در برابر امپریالیسم جهت کلی حرکت را همچنان در خط مبارزه ضد امپریالیستی نگاه داشته است. ما امروز شاهد این واقعیت تلخ و تحمیلی هستیم که امام برای حفظ مصلحت کلی انقلاب در برابر دشمن امپریالیست و جوهر انقلابی آن ناچار از حمایت از ارگانها و جریاناتی هستند که خود در درازمدت به زیان انقلاب و مکتب عمل می‌کنند و رشدشان با نفی انقلاب و جوهر انقلابی اسلام همراه است.

۳- اما در این میان نباید وجود بالقوه، و بالفعل بصورت (نه فقط پیراکنده) یک جریان مترقی و اصیل در میان روحانیون و توده‌های مسلمان و جوانان مذهبی را نادیده گرفت. درست است که این جریان هم‌اکنون قدرت درک پیچیدگی شرایط و ارزیابی درست نتایج تحولات فعلی را ندارد، اما بعداًست که با ساسی و بدون عکس‌العمل تماشاگر دهن گرفتار حرکت انقلابی در مرداب ارتجاع و سازشکاری باقی بمانند.

۴- تحلیل و خط مشی نادرست و چپ‌رویهایی بعضی گروههای مذهبی و غیرمذهبی بعد از ۲۲ بهمن بهانه خوبی به ارتجاع داد تا بخش مهمی از توده‌ها را در برابر نیروهای مترقی قرار دهد. سوءظن و بدبینی شدیدی نسبت بدانان بوجود آورد. در نتیجه این بدبینی و جدائی، نقش این نیروها در هدایت و آگاهی دادن به توده‌ها بشدت تقلیل یافت و این بخش از مردم یکسر چشم به دهان سخنگویان جنبه اول باقی ماندند.

۵- عملکرد ارتجاع و سازشکاری در طول یکسال گذشته و بویژه برخوردها و حوادث اخیر داثماً بر حیثیت انقلاب و رهبری آن و روحانیون و اسلام ضربه وارد می‌آورد. شاید مرتجعین که در لاک خود فرو رفته‌اند، این واقعیت تلخ را نبینند و از تغییراتی که در طرز فکر، قضاوت و روحیه مردم و بخصوص جوانان از روزهای نخست

بعد از پیروزی تاکنون رخ داده است، مطلع نباشند، و یا بدانند ولی اهمیت ندهند. اما نیروهای صادق و مسلمان راستین و روحانیون آگاه و متعهد باید متوجه این تحول خطرناک در جامعه باشند. آتش فتنه‌ای که مرتجعین و سازشکاران در بطن انقلاب روشن کردند، در وهله اول لاقابل برای یک دوره تاریخی ضربه هولناکتری بر انقلاب خلق و اسلام و مکتب وارد می‌آید. بدیهی است که خود نیز سرانجام در این آتش که فروخته‌اند خواهند سوخت، اما نهایتاً "آزادی واقعی خلق را باز هم بتأخیر انداخته‌اند و وقفه‌ای در تداوم حرکت مکتبی بوجود آورده‌اند. تلاش آنان بر مصلحت کردن اسلام و تشیع صفوی بجای اسلام علوی، در شرایط تاریخی حاضر حتی نمی‌تواند نظام اجتماعی مذهبی شیعه عصر صفویه را برقرار و احیاء کند، زیرا وضعیت جامعه و نیروهای آن بنحوی است که این تلاش را ناگام می‌سازد. باید دانست که آنان خدمتی به اسلام و انقلاب نخواهند کرد، بلکه عملاً "جاده صاف کنی یک قدرت ارتجاعی وابسته خواهند بود که حداکثر از اسلام بعنوان وسیله‌ای برای توجیه قدرت خود بهره خواهند گرفت. قطب‌بندی که در اثر سیاست و عملکرد جناحهای ارتجاعی و سازشکاری و چپ‌روی بعضی گروهها و اقدامات و توطئه‌های محافل وابسته به امپریالیسم بوجود آمده و نیز شکل‌بندی قانونی گرایشهای غیرانقلابی (بصورت نهادهای رسمی و انقلابی و اسلامی) همه سبب شده است که در موارد زیادی اعتبار و نفوذ انقلاب اسلام و امام در جهت پیشبرد مقاصد و تثبیت پیشش فکری و اجرای سیاستهای جناحهای مسلط و صاحب قدرت بهره‌برداری شود که مسلم است این عمل تا چه حد بر اعتبار مزبور لطمه وارد می‌آورد.

۶- اکنون همه نیروهای صادق و آگاه و مکتبی و همه توده‌های مبارزی که با فداکاری و شهادت و ایستادگی و با دادن قربانیهای بسیار انقلاب علیه رژیم استبدادی را بشمر رساندند و همه روحانیون اصیل و دلسوز و مترقی و وظیفه‌ای تاریخی برعهده دارند. کارگران آگاه و توده محروم و مبارز جامعه ما باید مصلحت واقعی خود و انقلاب را بدرستی تشخیص دهند و همه نیروهای صادق مکتبی برای جلوگیری از شکست کامل حرکت انقلابی مکتبی در این مرحله و جلوگیری از شکل‌گیری یک سیستم و نظام اجتماعی غیرانقلابی - غیرمکتبی، با شهادت تمام دست‌بکار شوند.

قدم اول، آزاد شدن از وابستگی به جریانات حاکم و قدرتها و محافل ارتجاعی و سازشکار و نیروهای فرصت‌طلب و وابسته و هر جریان غیراصیل می‌باشد. گام دوم، نزدیکی و اتحاد و تشکیل جنبه مستقل بر اساس ضوابط مکتبی و مشی سیاسی انقلابی که هدف آن مبارزه تمام‌عیار و توده‌ای با امپریالیسم و با نهادهای و پایگاههای درونی آنست. هدفی که متضمن بسیج توده‌ها و جلوگیری از تبدیل شدن آنان به ابزار قدرت- دولت‌مردان و مرتجعین است - متضمن یک تغییر بنیادی و نه قشری در جامعه و پیاده کردن نهادهای انقلابی اسلام با محتوای واقعی آنهاست. هدفش قطع کردن دست سرمایه‌داران و وابستگان و به استعمار از ثروت، کارگران و دهقانان و از همه توده‌های محروم جامعه است.

هدفش دادن حاکمیت به مردم در نظام شوراهای و در چارچوب اصول مکتب و جمهوری و کشور واحد است. هدفش حل مسأله ملیت‌ها از راه ارتباط مستقیم با توده‌ها و دادن حق اداره امور محلی و اعطای زمین به دهقانان و کار به کارگران و آزادی عقیده به همه گروهها و اعمال قاطعیت در برابر مزدوران دشمن و گروههای فرصت‌طلب ضد خلق است.

اکنون که با افشا و شکست یگی از توطئه‌ها و دخالت‌های نظامی آمریکا، اهمیت و حساسیت شرایط و خطراتی که انقلاب خونبار و سراسر شهادت خلق مسلمان ما را تهدید می‌کند، مطلع شدیم. جا دارد به ارزیابی دقیق وضعیتمان بپردازیم و آنچه یکبار در ظرف بیش از یکسال گذشته گفتیم و نوشیم و ضرورت تغییر و تحول در سیاست و نظام و تصمیم‌گیری و قدرت‌های اجرایی در دولت و شورا را متذکر شویم.

در ضرورت بسیج خلق و تبلور قدرت و حاکمیت مردم در شوراها پای فشرديم و اصرار ورزیدیم و نوشیم که اگر مردم در صحنه عمل نباشند، کسی نیست که از

انقلاب حرارت کند و نمی‌شود پاسداری از انقلاب و هدایت آنرا کلاً به دستگاههای اجرایی و تصمیم‌گیری گنونی سپرد. اینک بار دیگر اعتقاد خود را مبنی بر ضرورت اقدامات قاطع در زمینه تغییر بنیادی در این نهادها تکرار می‌کنیم:

- ۱) لازم است با مشارکت دادن همه نیروهای وفادار به انقلاب اسلامی از طریق تشکیل شوراهای هماهنگی و مشورتی، وحدت جنبه داخلی را تأمین کرد.
- ۲) با تشکیل واحدهای مقاومت بسیج در کنار شوراهای کارگری، دهقانی، دانشجویی، گارمندی، محلی در تمام موسسات و محله‌ها و روستاها به رهنمودهای امام در زمینه مبارزه با شیطان تبلور عینی بخشند.
- ۳) خلع‌ید از سرمایه‌داری وابسته به سرعت انجام و همه فعالیت‌های تولیدی و توزیع زیر نظر شوراهای انقلابی و نماینده دولت قرار گیرد.
- ۴) برنامه تقسیم اراضی و اعطای زمین و وسایل گشت به دهقانان با سرعت انجام، دست فئودال‌ها و ملاکین از روستاها بریده شود.

- ۵) طرح شوراهای ایالتی و دادن حق اداره امور محلی به شوراهای تنظیم و در سراسر کشور اجرا شود. با اجرای این طرح در ایالات کشور، اعتماد مردم کردستان، به صداقت دولت جلب و زمینه برای همکاری مردم آن ایالت با دولت در اجرای طرح مزبور فراهم می‌گردد. طی این مدت جلوی هرگونه اقدام خرابکارانه یا فرصت طلبانه گروهها و عناصر در منطقه گرفته شود و پس از آن از مردم کردستان خواسته شود تا خود جلو هرگونه و جریانی که مانع اجرای طرح مزبور یا جلوی برقراری صلح و آرامش را در منطقه می‌گیرند، از مناطق خود طرد کنند.
 - ۷) انتخابات مجلس در اسرع وقت انجام و یک دولت قوی انقلابی با شرکت همه نیروهای انقلابی، مکتبی تشکیل و معرفی شود. و در راه تحقق اصول مکتب بکوشیم. و در برابر ضدانقلابی و ضد مکتبی که هدفش محو دستاوردهای خلق و انقلاب خونین مردم است، ایستادگی نشان دهیم. پیروزی قطعی به لطف الهی نصیب ما خواهد شد.
- والسلام

ماهیت شیطان بزرگ

واذا لقوالدين امنوا قالوا انما خلوا الى شياطينهم قالوا انما معكم انما نحن مستهزؤن.

و چون مؤمنان را ملاقات کنند، گویند ایمان آوردیم و چون با اربابان شیطان خود خلوت کنند، گویند ما با شمایم و آنان (مؤمنان) را مسخره می‌کنند.

پاران و وابستگان به شیطان خود توطئه‌گرند، فساد فی‌الارض‌اند، با شیطان بزرگ در ارتباط‌اند، وقتی فساد و توطئه و وابستگی آنان به دشمن افشامی‌شود فریاد برمی‌آورند که ما خود انقلابی هستیم، که ما خود مصلحیم، آنها حرکت توده‌ها را به مضحکه و تمسخر نگاه می‌کنند و توده‌ها از نظر آنان سفیم‌اند و نادان و ناآگاه و بی‌شعور. یاران شیطان منافق‌اند، بانقلاب و اسلام و مکتب بظاهر اعلام وفاداری و ایمان می‌کنند و در پس پرده بهمهراه شیطان بزرگ به توطئه می‌نشینند، به شیطان بزرگ می‌گویند که ما مردم را مسخره می‌کردیم و گرنه ما کجا و انقلاب کجا. ما از ابتدا بشما وابسته بودیم و هم‌اکنون هم وفاداریم.

شیطان بزرگ طاغوتی است که بر هر جامعه و تمدنی چنگ انداخت جز فقر و فحشا، جز استعمار و انحطاط منوی و فرهنگی و فکری بیار نیارود. اگر جامعه‌ای تن به سلطه و سطره شیطان بزرگ داد، در مهلکای از مهالک ویرانگر و نابودکننده درغلطنده است و اگر رویاروی شیطان بزرگ ایستاد که چه ایستادن پرشکوه و حماسه - آفرینی است، باید که آماده تهدیدها و توطئه‌ها و حمله‌ها و کوبیدن‌ها باشد که شیطان ماهیتاً تهدید کننده و حمله کننده و توطئه‌گر است.

شیطان بعدکم الفقر و یا مرمک بالفحشات والله بعدکم مغفره منه وفضلاً والله واسع عليم.

شیطان شما را به فقر تهدید می‌کند و به فحشا فرمان می‌دهد در حالیکه خدا به شما وعده آمرزش و فروزی از جانب خود می‌دهد. بدرستی که خداوند گشاده رحمت و داناست.

فقر و فحشا دو حربه عمده و اساسی شیطان بزرگ‌است و مستمعین نه‌تنها بلحاظ استعمار که بلحاظ مورد تهدید معنوی و فرهنگی واقع شدنشان از هدفهای عمده شیطان بزرگ‌اند. شیطان بزرگ تهدید به محاصره اقتصادی می‌کند،

شیطان بزرگ مروج فرهنگ استعماری و امپریالیستی منحط‌است و آنجا که توده‌ها را تخریب کند، و بدامن فحشا و فساد و انحطاط اخلاقی کشاند، برای مدتی موقت هم که شده حکم خواهد راند، استعمار خواهد کرد.

اما آنجا که توده‌ها به ماهیت شیطان بزرگ بی‌برند و باتقوی و عمل صالح و آگاهی و جهاد به مبارزه علیه آن برخیزند شیطان فرو خواهد ریخت، شیطان در باتلاقهای ویتنام فرو خواهد رفت، شیطان هر روز در گوشه‌ای از جهان با ضربه‌های مواجه خواهد شد. یک روز توطئه در خلیج خوکها به شکست خواهد انجامید و یک روز در کویر ایران و در طیس بخاک و خون کشیده خواهد شد، فریاد انسانها بر علیه شیطان بزرگ از هر گوشه این کره خاکی شنیده خواهد شد، از افریقا، از آسیا، از امریکا لاتین که مرگ بر شیطان بزرگ، مرگ بر آمریکا، مرگ بر سرمایه‌داری جهانی خونخوار و وعده قرآن تحقق خواهد یافت که! ان کید الشیطان کان ضعيفاً، و اینکه این بانگ بلند امام خمینی بزرگ است که شیطان بزرگ دشمن همه خلقهای جهان است، که اگر توده‌ها بپاخیزند، شیطان بزرگ هیچ غلطی نمی‌تواند بکند، که اگر سازشکاران خواستند با امریکا سازش کنند، آنانرا از حکومت براندازند. سازش با امریکا، سازش با شیطان است، و عناصر و جریانها و محافلی که تلاش می‌کنند بهر قیمتی شده انقلاب اسلامی ایران را به سازش با امپریالیسم امریکا بکشانند اخوان الشیاطین هستند. تداوم انقلاب اسلامی ایراد در گرو حرکت در خط و بینشی است که بارها اعلام شده! دشمن اصلی امریکاست، شیطان بزرگ امریکاست، و هم‌چنانکه انسان در جهاد و مبارزه با شیطان درونی خویش تکامل یافته و شکفته می‌شود، انقلاب اسلامی ایران هم تنها در جهاد و قتال و مبارزه بی‌امان با شیطان بزرگ امپریالیسم امریکا بحیات انقلابی خود ادامه خواهد داد. کسانی که در تلاشند تا جهت عمده مبارزات مکتبی توده‌های مردم را از شیطان بزرگ به اختلافات و تضادهای درونی مردم منحرف سازند، بدون تردید از اخوان الشیاطین هستند و بدون تردید از اولیاء الشیطان‌اند و انقلاب جز نابودی آنها راه دیگری ندارد.

خون دل نوجوانان و جوانان جوادیه

هنوز مدت زیادی از پیروزی انقلاب خونبار خلقمان علیه رژیم استبدادی شاه نگذشته بود که نیروها آنحداشان را که بزرگترین عامل پیروزی بود از دست داده و هر یک بسویی برای اثبات خویش براه افتادند و هدف و جهت را در گورستان فراموشی بخاک سپردند اگر چه بعضی اوقات حرفی از آن هم می‌زدند اما جز اسمی چیزی باقی نمانده بود. و این موجب شد که ما عده‌ای از جوانان محله جوادیه تهران که شدیداً به انقلاب خونبار خلقمان عشق می‌ورزیدیم دست به تشکیل گروهی زده و مبنای کار آن عبارت از پیروی از ایدئولوژی اصیل اسلام بود. همان اسلامی که در آن مقدادها، ابودرها، یاسرها، سیمه‌ها

" بنام خدا "

پروش یافته اند آن اسلامی که در آن نه تنها نامی از آنها نیست که پیروی کردن از آنها هم خود دجرمی است - هدف رسیدن به جامعه بی طبقه توحیدی و پیروی از امام خمینی و حرکت به فرمان او علیه امپریالیسم به سرکردگی امریکا و بدون هیچ وابستگی فکری و سیاسی به جناحی - نام گروه خود را "جویندگان" راه حق نهادیم با این نام میخواستیم هدفمان را روشن کنیم چرا که بر این اعتقادیم تنها چیزی که همیشه پایدار و جاودان است حقیقت است - در این مدت که از تشکیل گروه میگذرد سعی بر آن شده که بیش از هر چیز خود را با مسایل مکتبی آشنا سازیم تا بتوانیم با هر نوع مسئله‌ای با دید مکتبی برخورد کنیم - جلساتی که در این رابطه تشکیل

کارگر

پوک و تهی و پلید
تندیس خصم تو خواهد شکست
در همیشه دوران
تنها اگر پیام پینه دست
- شقایق خشم سپید -
شکوفه زند
میان باغ بهار
میان دشته‌هایی و
صحنه پیگار
تواز کدام قبیله رنجی
که گلبوسه‌های صاحب گوش
بر پینه دستانت
نشانه عشق است،
نشانه درد است،
نشانه راه
رهائی خلق است،
تواز کدام سلاله سربلندان و سردارانی
که قامت رسای تو
آئینه بیداران و رهسپاران است
واز کدام اصالت نوری
- پای بند به مکتب -
که در تو چشمه ایمان
هماره می جوشد،
واز تو رسالت انسان
- نیابت خالق -
هماره میبارد
اینک توای برادرم
ای کارگر
ای تجلی دست خدا
دستم رها مکن
کس راهی سرزمین موعودم
تشنه ارتقا شریعت
ارتقا وراثت
ارتقا جهاد
اینک توای برادرم
ای کارگر
ای تجلی دست خدا
دستم رها مکن
که در هجوم شبانه شیطان
و در خیل سازش و تسلیم
از تکرار پلشت حادثه...
بیزارم
و از اعتبار
تداوم رزم تو...
همیشه هشیارم
همیشه در رفتار
سلح و شاهد...
" م - ک "

داده شد عبارت بود از قرآن، تفسیر، مباحث ایدئولوژیک نهج البلاغه، و مسائل روز غیر از جلسات خودمان که اکثراً دانش آموزان دبیرستان و هنرستان هستیم جلساتی نیز برای نوجوانان در سطح دبستان و راهنمایی تشکیل دادیم که عملاً توانستیم از انحراف خیلیی هاجلویگری کنیم - افراد در این مدت بطور فاحشی تغییر یافته‌اند و حالا بخوبی می‌توانند به خود اطمینان داشته باشند. بچه‌های کوچک را جمعه‌ها یا ایام تعطیل با پول توجیبی خود به تفریحاتی از قبیل کوه، باغ... می‌بریم و این کار در روحیه آنها بسیار اثر گذاشته بود بخصوص آنکه در محله‌هایی امثال جوادیه بچه‌ها خیلی کم به تفریح می‌روند اکثراً کارشان بازی در کوچه می‌باشد. خلاصه محلی که بشود بچه‌ها در آن بخوبی تربیت یابند نیست - بچه‌ها آنقدر به

بقیه در صفحه ۷

ماهیت و عملکرد امپریالیسم آمریکا

بقیه از صفحه ۵

توسط سرویسهای خودش و سی. آی. آی. مشترکا بنظر می‌رسد، این سند رنگ خطر را در مورد نتایج زیانمندی که خرید سلاحهای فراوان بتصمیم شاه (۱۵ میلیارد دلار از ۱۹۷۳ برای دریافتهای تحویل شده توسط آمریکا) در زمینه اقتصادی و اجتماعی بیار آورده، بصادق درآورده است.

در کنار اینها جناح "طرفداران خشونت" که خود را در اردوی برزیلینگی قرار می‌دهند، می‌گویند که پناهگاهی جز شاه در مقابل "ضربات سخت" ناشی از جی. جی. بی وجود نداشت. از نظر آنها جاسوسان افغانی و ارمنیهای مزدور مسکو در اکثر موارد در صف مقدم شورشیان بودمانند.

در هر صورت، این پاسخها با اتهامات راه حلی برای کارتر جهت خروج از سردرگمی‌ای که با آن درگیر است نخواهند داد.

بگفته یکی دیگر از مقامات آمریکایی، بین یک غیرنظامی فاقد قدرت و یک نظامی بسیار سریع‌العمل، انتخاب بیهوده‌است. سرمقاله‌نویس نیویورک تایمز برای رهایی از این گرفتاری و توقف، دیروز و اهماهی نداشت تا تحت عنوان "ایده‌آل واقعت" بنویسد: "آمریکا می‌بایستی خود را آماده پذیرش این مسئله که شاه شکت خورده‌است، بنماید."

از جانب دیگر در یک مقاله پرهیاهو که مجله "نیروهای مسلح" نجات رسانده، یکی از مسئولین دیارتان ابالتی تحت نام مستعار پشتهاد یک شرطبندی می‌کند که بطور خلاصه این چنین است: "آمریکا چیزی برای از دست دادن ندارد، آنها می‌بایستی خطر را انتخاب کنند." (۹۹)

آمریکائیه در این حال که پشتیبانی خودشان را از شاه اعلام می‌کنند، پنجمین (۲۸ دسامبر ۷۸) تأیید کردند که تمام‌شاه را به تمامی محافل مخالفین گسترش داده‌اند.

توم رستون یکی از سخنگویان وزارت امور خارجه در این مورد به ما چنین توضیح داد: "مدت چند ماه است که ما با مخالفین ایرانی در ارتباطیم، اما این اواخر این تماسها را بمنظور دیدن تعداد هرچشمگیری از مخالفین شدت بخشیده‌ام."

در تهران (که ۵ دیپلمات اضافی آشنا به زبان فارسی و متخصصین ارتباطات را روانه ساختیم) ما با طرفداران خمینی ملاقات کردیم. در این مذاکرات ما نقش میانجی نداشتیم، و نتایج بخصوص بدست نیامد.

اما، توم رستون از توضیح در باره اختلاف آشکار شده بین برزیلینگی طرفدار یک پشتیبانی بدون قید و شرط از شاه و جرج بال، مشاور کاخ سفید در مسائل ایران خودداری کرد و گفت: "اگر یک چنین اختلافی وجود دارد، این یک مسئله مربوط به روش داخلی است." (۱۰۰)

فرستاده مخصوص "واشنگتن پست" به تهران می‌نویسد که مقامات آمریکایی اصل ترک‌ایران توسط شاه در صورت تشکیل یک دولت غیرنظامی را پذیرفتند.

سخنگوی وزارت امور خارجه چهارشنبه شب اخباری را که جریان دارد، تکذیب کرد و تأکید کرد در پشتیبانی برزیدنت کارتر از شاه تغییری حاصل نشده است. (۱۰۱)

سخنگوی کاخ سفید پس از تأکید بر این مسئله که موضع آمریکا تغییر نیافته است، اعلام کرد: "پادشاه ایران، در صورتیکه تصمیم باقیمت را بگیرد، می‌بایستی برای گذاردن تعطیلات با بدلالی دیگر با این کشور مسافرت کند، مورد استقبال قرار خواهد گرفت."

موضع رسمی آمریکا انعکاس دقیق خط ترسیم شده توسط رهبر شورای امنیت ملی برزیلینگی می‌باشد. برزیلینگی تأیید کامل و بدون شرط خود را از شاه اعلام و دلیل آنرا، نفت، دستگاههای جاسوسی الکترونیکی قرار داده شده در مرز ایران و روسیه و همچنین حفظ سلاحهای مخفی که ارتش شاه توسط آن مسلح شده‌است، ذکر کرد.

یکی از هواداران سرسخت خط برزیلینگی، سفیر آمریکا در تهران (سولیوان) می‌باشد که به گفته مطبوعات آمریکایی بجای موافق شاه بوده‌است که گزارشهای مخالف شاه تهیه شده توسط سازمانها را بلوکه کرده است.

شش ناو دریاچه و حمله ناو هواپیمابر کنتلاسیون) در دریاچه چین منتظر دستور ورود به آقیانوس هند برای حرکت بطرف خلیج فارس می‌باشد. (۱۰۲)

لوس آنجلس تایمز می‌نویسد: "آمریکا

شاه را تشویق به ترک ایران می‌کند و امیدوار است توفیق برقراری یک دولت غیرنظامی که شرط اولیه‌اش ترک ایران توسط شاه، حداقل موقتا، می‌باشد، هستند. (۱۰۳)

چهارشنبه ۳ ژانویه، سخنگوی وزارت امور خارجه هودینک کارتر اعلام کرد که اگر شاه تصمیم بزرگ ایران بگیرد، مورد خوش‌آمد قرار خواهد گرفت.

همچنین سخنگوی فوق بیکار دیگر تکذیب کرد که واشنگتن به شاه دستور داده است که از ایران دور شود.

بگفته "واشنگتن پست"، اجتماع منعقد شده در ۲ ژانویه، توسط چهل تا پنجاه کارشناسی که زیر نظر دیوید نوسون، معاون وزیر امور خارجه و مسئول مشاورتی در مورد بحران ایران، موفق به هیچگونه نتیجه‌گیری در مورد وضع شاه نشد.

فکر "ترک" ایران برای استفاده از تعطیلات، آنچنانکه توسط ناهورن خستار مطرح شده است، در موارد فراوان مورد استقبال و موافقت کارشناسهای آمریکایی نیز روبرو شده است. اکنون این مسئله مورد سؤال است که آیا برزیلینگی، مشاور برزیدنت کارتر هنوز هم سرسختانه در موضع پشتیبانی تمام و کامل دفاع از شاه قرار دارد؟

برزیلینگی چهارشنبه تأیید کرد که رهبران چهار کشور مجتمع در کوآدولوب در مورد نقاط بحرانی دنیا مخصوصاً ایران صحبت خواهند کرد. مشاور برزیدنت کارتر اضافه کرد که بنظر او، زیسکاردسی، کالاهان و اشمیت سیاست پشتیبانی از شاه، بیش‌گرفته شده توسط کاخ سفید می‌توانی هستند. (۱۰۴)

یک تجزیه و تحلیل‌کننده وزارت امور خارجه آمریکا در تفسیری بر اوضاع ایران می‌گوید: "در حال حاضر ما دچار یک زلزله واقعی هستیم و هیچ کاری هم نمی‌شود انجام داد." (۱۰۵)

ژنرال اویسی فرماندار نظامی تهران، مسئول کشتار سپتامبر (۱۷ شهریور) پیونوش احتمالی ایران و مردم سرسخت ستاد ارتش، تهران را مخفیانه بسوی آمریکا ترک کرد. (۴ ژانویه ۷۹)

اردشیر زاهدی، اعلام کرد: "غمیت ژنرال اویسی ۶ هفته طول می‌کشد و علتش ناراحتیهای جسمی بوده است." (۱۰۶) ناظرین سیاسی خروج اویسی از ایران را بدستور آمریکا جهت آماده ساختن شرایط برای پذیرش راه‌حلهای "سالمت-آزمی" دانند.

شنبه گذشته ناو هواپیمابر کنتلاسیون و اسکورتش دستور یافتند که پایگاه سوئیس-بای در فیلیپین را بسوی خلیج فارس ترک کنند.

چهارشنبه، برزیدنت کارتر به مجموعه فوق دستور داد برای "شفلهو نکردن اوضاع" در دریای چین توقف کند. سفارت آمریکا در ایران گفت که حرکت کنتلاسیون کاری جز تشدید احساسات ضدآمریکایی مخالفین ایرانی نکرده است. (۱۰۷)

دیروز سخنگوی وزارت امور خارجه اعلام کرد: "دولت آمریکا آماده است تا همکاری کامل با نخست‌وزیر جدید ایران را (شاهپورختیار)، زمانیکه دولتش رسماً استقرار یابد بنماید." (۱۰۸)

فرستاده روزنامه لوموند طی گزارشی از مذاکرات رهبران چهار کشور در کوآدولوب، در جلسه در مورد مسئله ایران، چنین می‌نویسد:

"مسئله حساس و ظریف دیگری که برای زیسکاردستن مطرح است، ایران می‌باشد که آقای کارتر می‌خواهد در باره جزئیاتش صحبت کند. اگرته مواضع، اعمال فرانسه در مورد ایران خیلی کم سنتی و نامرتب با آنچه در ایران می‌گذشت (همچون سیاست آمریکا) بود.

مسلم است که آقای زیسکاردستن خواهد توانست از این خطا که خیلی بیشتر در تحلیل مسائل محق بوده است دفاع کند. در صورتیکه وضعیت نامید اکنون حتی در واشنگتن بعنوان شایه‌آمیز کننده مورد توجه قرار گرفته است، رئیس جمهور فرانسه خواهند توانست بقبولاند که او محق بوده است در حفظ "پلی" یا مردی (خمینی) که در آینده تأثیر قابل توجهی روی رشد اوضاع ایران، خواهد داشت، گوش کند. آیا آمریکا امروز خود را آماده داشتن روابط با دولت بختیار نشان نمی‌دهد و همچنین تأیید نمی‌کند که از آژنمان روابطشان را با پاره‌ای از نیروهای مخالف

میانبرو گسترش داده‌اند؟ (۱۰۹)

* بگفته آژانس ناس، سفیر آمریکا در تهران (سولیوان) در حال هماهنگ کردن خود با واشنگتن در مورد این مسئله است که:

"در ایران، قدرت در دست حد کس می‌بایستی باشد؟" (۱۱۰)

گفت: "ژنرال هویزر شاه را همچین بوس مرده‌ای از ایران بیرون انداخت." (۱۱۲)

یادآوری‌ها

- (۹۴) - روزنامه لوموند، مورخ ۳۰ دسامبر ۱۹۷۸
- (۹۵) - روزنامه لوموند مورخ ۳۰ دسامبر ۱۹۷۸

- (۹۶) - روزنامه لوموند مورخ ۳۰ دسامبر ۱۹۷۸
- (۹۷) - روزنامه لوموند مورخ ۳۱ دسامبر ۷۸ و ۱ ژانویه ۷۹
- (۹۸) - روزنامه لوموند مورخ ۳۱ دسامبر ۷۸ و ۱ ژانویه ۷۹
- (۹۹) - روزنامه مشرق مورخ ۳۰ دسامبر ۷۸
- (۱۰۰) - روزنامه لس‌آنجلس مورخ ۳۰ دسامبر ۷۸
- (۱۰۱) - روزنامه لوموند مورخ ۳۱ ژانویه ۷۹
- (۱۰۲) - روزنامه لس‌آنجلس مورخ ۳۱ ژانویه ۷۹
- (۱۰۳) - روزنامه لوموند مورخ ۳۱ ژانویه ۷۹
- (۱۰۴) - روزنامه لوموند مورخ ۳۱ ژانویه ۷۹
- (۱۰۵) - روزنامه لس‌آنجلس مورخ ۳۱ ژانویه ۷۹
- (۱۰۶) - روزنامه فیکارو مورخ ۳۱ ژانویه ۷۹
- (۱۰۷) و (۱۰۸) - روزنامه لوموند مورخ ۳۱ ژانویه ۷۹
- (۱۰۹) و (۱۱۰) - روزنامه لوموند مورخ ۳۱ ژانویه ۷۹



روز کارگر

بقیه از صفحه اول

روز نفی استثمار

حیات سرمایه داری جهانی به استثمار هر چه بیشتر کارگران بستگی دارد و برای ایجاد "سود بیشتر" شیوه‌های گوناگون را برای به بند کشیدن کارگران بکار می‌بندد *

تضامی و پیوندهایی که بین کارگران در سراسر جهان و در ایران، تاریخی از تلاش و مبارزه و خون و قیام است، تاریخی که زحمتکشان در سراسر جهان و برای حقوق خویش و برای عدل، علیه سرمایه داران استثمارگر و نظام سلطه گرسویه داری بنا نهاده‌اند. ما در امت "شماره ۲ چهارشنبه ۵ اردیبهشت ۵۸" در مقاله‌ای سر نحولی تاریخچه مبارزاتی کارگران ایران را نوشتیم. کارگران ایران لحظاتی از مبارزه باز نایستاده‌اند و از آغاز تکوین سرمایه - داری در ایران کارگران و زحمتکشان علیه نظام سلطه گر سرمایه داری مبارزه کرده‌اند. از آغاز حکومت رضا خان و بعد از او در تمامی دوران حکومت شاه مخلوع، که امپریالیسم سلطه اقتصادی، سیاسی، نظامی خویش را بر سراسر کشور و تمامی نپاده‌ها گسترش بخشید. کارگران ایران در صف مقدم مبارزه علیه رژیم وابسته به امپریالیسم قرار داشتند.

اعصابت بسمار کارگران، نظارات و کشتارهایی که رژیم سفاک پهلوی از کارگران در دوران حکومت شکنس انجام داد، همگی تاریخی از جهاد و اسرار برای کارگران ایرانی ثبت نموده است، که در تاریخ مبارزات کارگری سراسر جهان خود الگو است. رژیم وابسته شاه حمله هسا و نیرنگ های فراوانی را بکار گرفت تا از حرکت انقلابی کارگران جلوگیری نماید. از به اصطلاح "فروش سهام کارخانجات" تا تشکیل "اتحادیه شورای مرکزی کارگران و پیشه وران و کشاورزان ایرانی" و "کنکوره اتحادیه های کارگران ایران" و "سازمان کارگران ایران" و ایجاد سهولتات صغی در خرید مواد غذایی و بوناهک، نانظم آئین نامه های مختلف و کماتسن افسران بازنشسته ارتش به نمایندگی از جانب ساواک در کارگاهها و کارخانه ها و احداث محیط رعب و وحشت در محیط کارگران و... هیچکدام نتوانست سد راه آرمانهای انقلابی کارگران بشود، کارگران مبارز ایران هر روز ماهیت کثیف و ضد بشری سرمایه داران را بهتر می شناختند و تضاد خویشی را با رژیم وابسته به سرمایه داری جهانی را بهتر و بیشتر تشخیص میدادند و در راه ناپودی این نظام مقاومت و پایداری خویش را جهت انقلابی می بخشیدند. و در این مبارزه همراه دیگر افسران و طبقات زحمتکشی خلق در سرنگونی رژیم شاه شرکت کردند.

اسلام و کارگران پیام رهبر انقلاب امام خمینی در سال گذشته خطاب به کارگران، خط مکشی را بیان داشت که در آن کار و تلاش بعنوان جوهر سازندگی انسان در مسیر تکاملی اش بسوی "الله است، امام در پیام خود همه روزها را روز کارگر خواندند و با بیان "خدا کارگر است" نشان دادند که مکتب اسلام، مکتب کارگر و همه زحمتکشانی است که کار را برای برپائی نظام عدل اسلامی، اصل می‌شمارند، و اسلام با ماهیت ضد استثماری و ضد استثمارگری خود، حاصل کار هر فرد

کدران کمال، چه طرح و برنامه‌ریزی سنادی و انقلابی را در جهت ناپودی سرمایه داران وابسته و آزاد سازی کارخانه‌ها و رشد تولیدات و رفاه کارگران بکار بستمانند و عمل درآوردند.

با حضور شرکت کارفرمایان بر کارگران نماند باز... آیا هنوز حقوق صغی - سانی کارگران باسالم مشهود؟ و از تشکیل خوراهای کارگری و سردن کار بدست کارگران جلوگیری نمود؟ آیا هنوز بازگشت سرمایه داران وابسته ادامه دارد؟ و از دولت و شورای انقلاب برای بازسازی سیستم استناری و وام بدون بهره میگیرند؟ و آیا هنوز کارگران برای حق سبه و وسکن و اضافه کرد و سبک و... باید از کانالهای کویاگون و سبکفکند کردید و ساعت ها وقت صرف کنند؟ آیا هنوز به کارگر ایران بعنوان نیروسند کار خویش به سرمایه داران نظر و نگاه نمود؟ و حق او از کار خویش محترم سدره میشود؟

انظار کارگران مسلمان و زحمتکشها در این کسکال کسر حقوق یافته و بجای آن از جانب مسئولین امور در برابر حواست های بحق آنان مقاومت شده است. کارگران مسلمان انظار دارند تا در کار خویش از تولیدنا فروس و از اداره کارگاه و کارخانجات تا تروی کاللا، دخالت داشته باشند و حاصل دسترخ خود را در جهت بهبود زندگی خود و سبکوزحمتکشان بکارگیرند. کارگران مسلمان و زحمتکشها ایجاد یک نظام شورائی را در جهت رشد تولیدات و تک و استکی به امپریالیسم و تحقق آر - ای کارگری، بهترین اصل می‌شمارند و حای محب است که رئیس جمهور اعلام میکند... سورا... دیکه سام سد" و تا این حد اصل سازنده اسلامی را که حافظ منافع کارگران و زحمتکشان است و اساسی خلق بد از سرمایه داری وابسته، مبتدل و بی اهمیت جلوه میدهند.

کارگران مسلمان میخواهند تا ارتباط سیستم با نیروهای مترقی و انقلابی و استلای و روستنفرکان متعدد و مسئول داشته باشند. و امروز که شعار انقلاب فرهنگی داده میشود باید دانست که ایجاد بل بین کارگران و روستنفرکان متعدد و مسئول بهترین پایه یک انقلاب فرهنگی است. بلی که ضامن همسنگی و رشد آگاهی انقلابی در جامعه میباشد.

اگر امروز، روز کارگر را جشن میگیریم، این جشن ویادبود، نماینده چون خواست هند سرمایه داران، بعنوان یک روز رسمی و بی محتوا و هدف باشد. روز کارگر روزی است که او حافظ منافع خویش باشد و در حرکت نکاشی انقلاب نقش خویش را ایفاء کند. روز کارگر روزی است که حاصل کارش از آن او گردد. روز کارگر روزنابودی نظام استناری و برپائی نظام عدل اسلامی است، روز کارگر روزی است که از سرمایه داران استثمارگر خلق بد کرده باشیم.

کارگران مسلمان و زحمتکشان باید دانست ناریائی چنین روزی راهی طولانی و سخت را در پس رو دارند، که تلاش و مبارزه و اسن به نکت اسلام توشه این راه است در برپائی آجمنان روزی. اگر امروز خواستهای شما کمتر تحقق یابد، سوز و غم و ناامیدی را بیش کرب، بلکه این اسلام است که به همه ما سام میدهد که برای احقاق حق و برپائی عدل سعی و تلاش و مبارزه اثی دائمی را لازم میداند. امروز که تضاد منافع کارگران سرمایه داران مزدور هر چه بیشتر آشکار شده است، باید مبارزه را تانابودی استثمار اسان از اسان همچنان ادامه داد و تا هرگونه حمله و نیرنگ در جهت بازسازی نظام سرمایه داری و بازگشت سرمایه داران و اسد حسنی و ناپود ساخت، که آژنوز، روز واقعی کارگران مسلمان و مبارز و انقلابی ایران است، چنین روزی به همه کارگران و زحمتکشان گرامی باد.

اطلاعه جنس مسلمانان مبارز

در باره فاجعه شهادت حضرت

آیت الله سید محمد باقر صدر

سام خدا

حجر فاجعه شهادت حضرت آیت الله سید محمد باقر صدر در میان بهت و ناآواری بوده‌های انقلابی مردم ایران و سراسر جهان قطعت یافت. سران فاشیست رژیم صغیردی عراق دست به جنایت هولناکی زده و جبره جدیدی از فاشیسم و حسات اراانه نمودند.

حجر مسلمانان مبارز شهادت جانگداز این ساگرد مکتب امام جعفر صادق (ع) را به همه مسلمانان جهان و مردم مسلمان عراق و سبکاه امام امت آیت الله العظمی حسنی تبرک و تسلیت می‌گوید. باشد که شهادت آیت الله محمد باقر صدر و خواهر صدفا سستی خلق مسلمانان عراق گردد.

حجر مسلمانان مبارز

۵۹/۲/۲

مطالعه تاریخ از دیدگاه قرآن

اگر امکان آزمایش و بررسی را بخواهند ملاک علمی بودن یک معرفت و نظریه بگیرند، آنوقت جواب می‌دهیم که اولاً چه نوع بررسی و تجربه مورد نظر است؟ اگر صرفاً تجربیات آزمایشگاهی ملاک است، در اینصورت حتی بسیاری نظریه‌های علمی، غیرعلمی می‌شوند زیرا بررسی‌های آزمایشگاهی روی نه‌انگهان پذیرفته‌شده و هم‌چنان اعتبار و ارزش علمی دارند، نظیر بسیاری نظریات در زمین‌شناسی و هیئت و حتی فیزیک که نمتنها مستقیماً از تجربه حسی و آزمایشگاهی بدست نیامده‌اند، بلکه هنوز امکان آزمایش روی آنها وجود ندارد. اما اگر تجربه معنای اعم است، یعنی فرصتی که امکان می‌دهد درجه هماهنگی نظریه و معرفت را با واقعیتها امتحان و بررسی کنیم، این فرصت یا این نوع تجربه در هر دو قلمرو معرفت ممکن می‌شود. حوادث اجتماعی و تاریخی همه فرصتهایی هستند که با بررسی آنها می‌توان درجه حقیقی بودن و درستی قوانین و نظریات تاریخی را آزمایش کرد.

شاید صد و نظایر آن از تاثیر فعالتهای مستقل و خلاق ذهن (که در رابطه با عوامل دیگری انجام می‌گیرد) نمی‌باشند. علم و فلسفه هر دو از مقوله‌های معرفتی هستند. هر دو مبتنی بر شناخت حسی و عقلانی می‌باشند. و هر دو اعتبار و ارزششان وابسته به درجه حقیقی بودن آنهاست، و معیار حقیقی بودن درجه هماهنگی و تطابق با واقعیتهاست، قدرت توضیح و تفسیر ابعاد مختلف واقعیتهاست، برخورداری از سازگاری و هماهنگی درونی است و بعضی خصوصیات دیگر. برخلاف تصور بعضی، معرفتهای علمی معلوماتی نیستند که فقط منکی و مبتنی بر

سوال علاوه بر رجوع به آیات قرآن باید به شرایط نزول و ابلاغ آیات و شرح داستان انبیاء و سرنوشت اقوام توجه کنیم - خداوند در چه موقعیتهای آیات مربوط به تاریخ را بر پیامبر فرو خواند و مومنان را به سیر حوادث گذشته ترغیب نمود.

اما برحق است. لکن قرآن اکتفا نمی‌کند که بر راست بودن وعده خود پافشاری کند، بلکه برای اثبات حقانیت ادعاهای مردم را به مطالعه تاریخ دعوت می‌کند، از این دعوت چه منظوری دارد، بدیهی است در آن شرایط سخت و دشوار و پریشانگجه که ترس همه‌جا را فرا گرفته بود و مسلمین در خفا و آشکار زیر تیغ دشمن به تبلیغ و کار تشکیلاتی و آموزش مکتب مشغول بودند و بعد از آن هر روز جهاد بود و هجرت و آوارگی، گرسنگی بود و محاصره و شهادت، قصد قرآن قصه‌گویی و سرگرم ساختن مردم نبود، بلکه از بیان قصص تاریخ و ارجاع دادن بگذشته وادار کردن مردم بود به تفکر در تاریخ "فالقصص لعلمهم یتفکرون" اعراف/۱۷۶:

مسئله اصلی شناخت انسان است که تصاویر ذهنی با تجربه‌ها در واقعیت که ذهن بر مبنای مشاهدات و محسوسات خود بنا می‌کند، تا چه اندازه با واقعیت یعنی آنچه در خارج و مستقل از ذهن موجود است، هماهنگی و مطابقت دارد.

قبایل متحدی نداشتند. و در مکه هم تنها و بی‌پناه و حامی بودند - دشمنان اسلام مالک اراضی، باغات، نخلسانها و احشام و شتران بسیار و کاروانهای تجاری و نقدینه و زر فراوان بودند. در حالیکه یاران پیامبر جز چند نفری همگی فقیر و بی‌چیز و از محروم‌ترین و پست‌ترین قشرها و طبقات بودند - افزایش خشونت و سنگدلی سران مکه و اربابان نسبت به مسلمین و کندی پیشرفت کار مسلمانان و قلت عدوی آنان، به آسانی می‌توانست موجب تسلط روح یاس و ناامیدی در آنان گردد - و مشاهده واقعت عینی، ضعف خود و قدرت دشمن از یکطرف و وعده‌های پیامبر در مورد پیروزی نهایی، برای مسلمانان در ابتدا قابل درک نبود و حس آن دشوار می‌نمود. چگونه ممکن است این گروه کم و بی‌چیز بر قدرتهای بزرگی چون قریش و بزرگتر از آن امپراطوری روم و شاهنشاهی ایران و حکومتهای دست‌نشاندهای چون حکومتهای مصر و یون غلبه کند.

از سوی دیگر قرآن دائماً به مومنان نوید می‌داد که وعده خدا حق است و هرگز خلاف نمی‌شود "الا ان عدالله حق و لکن اکثرهم لا یعلمون". هراندازه شدت شکنجه و فشار دشمن بیشتر می‌شد و مومنان شدیدتر درآزار و تنگنا قرار می‌گرفتند، قرآن آنانرا دعوت به مقاومت می‌نمود، "فاصبر ان و عدالله حق". مقاومت بوزر، پایداری کن. وعده خدا دایر بر پیروزی

وحي کردیم بسوی تو این قرآن را، هرچند پیش از آن از غافلان بودی. بعضی خواستماند نشان دهند که پیامبر این مواد اولیه داستانها را از منابع عصر خود دریافت کرده و سپس خود به شرح و بسط آنها پرداخته است. البته این گروه کسانی هستند که یا منکر وحی‌اند و یا وحی را بیکی تجربه درونی صرف و شخصی و روشن بینی خاص فردی تعبیر می‌کنند و به وجود ارتباطی خاص بین خدا و پیامبر قائل نیستند. قرآن خود پاسخ می‌دهد که بدون انزال وحی و آمدن آگاهیها از جانب خداوند تو چیزی درباره این وقایع نمی‌دانستی "قال فما بال القرون الا ولی قال علمنا عند ربی فی کتاب لا یضل ربی و لا ینسی" طه/ ۵۲: گفت پس شرح حال قرنهاي نخستین چیست؟ گفت علم آن نزد پروردگارم و در کتابی است که نه گم کند پروردگارم و نه فراموش نماید.

گذلک نقص علیک من انباء ما قد سبق وقد آتیناک من لدنا ذکراً" طه/ ۹۹: بدینسان برای تو از اخبار و داستانهای گذشته شرح دادیم و همانا آگاهی و یادآوری را از نزد خود برای تو آوردیم.

قرآن اکتفای نمی‌کند که راست بودن وعده خود پافشاری کند

بلکه برای اثبات حقانیت ادعاهای مردم را به مطالعه تاریخ دعوت می‌کند

مردم را به مطالعه تاریخ دعوت می‌کند

"و ما کنتم بحاجب القرین اذ قضینا الی موسی الامر و ما کنتم من الشاهدین. و لکن انشاک قروناً فتناول علیهم العمر و ما کنتم تاویلاً فی اهل مدین فتناول علیهم الیامتا و لکن کنا مسلمین و ما کنتم بحاجب الطور اذ نادینا ولکن رحمة من ربک لتندثر قوما" انبیم من نذیر من قبلک لعلمهم یتذکرون" قصص/ ۴۴-۴۶

تو در حاشیه مغرب نبودی وقتی امر (رسالت) را بر موسی مقرر کردیم و تو شاهد ماجرا نبودی - لیکن ما نسلهایی پدید آوردیم پس برایشان روزگاری گذشت و تو در میان مردم مدین نبودی که آیات ما را برایشان بخوانی ولی ما فرستنده (رسل) بودیم - و تو در کنار طور نبودی، هنگامی که فراخواندیم (موسی را) لکن رحمتی از جانب پروردگارت (بود) تا قومی را انداز دهم که بیش از تو بیم‌دهنده‌های نیامدشان شاید یادآور و آگاه شوند. - تازه آنچه بر تو فروخواندیم شرح حال همه وقایع گذشته نیست، تنها بخشی از آنرا برای تو بازگو کردیم.

"و لقد ارسلنا رسلاً من قبلك - منهم من قصصنا علیک و منهم من لم نقصص علیک و ما کان لرسول ان یتاتی بابه الا باذن الله. (۱۰) مومن/ ۲۸: همانا رسولانی پیش از تو فرستادیم - از ایشان بعضی بر تو خواندیم و بعضی را شرح ندادیم - ترسد که پیامبری نشانه‌ای جز به اجازه خدا بیاورد."

هدف از مطالعه تاریخ

چرا قرآن تا این درجه به مطالعه تاریخ گذشته اهمیت می‌دهد؟ برای پاسخ به این

تجربه حسی باشند و شیوه تعقل و تفکر در آنها بکار نبرد. هیچ نظریه‌ای نیست که با تفکر و تعقل صحیح بدست نیامده باشد و در مقابل معرفتهای فلسفی هم هرگز مستقل از مشاهده عینی و تجربه حسی تشکیل نمی‌تواند.

با این تعاریف حقیقی هم که از راه مشاهده و تعقل در حوادث تاریخی، در باره چگونگی تحولات اجتماعی و انقلابات بدست می‌آوریم، به میزانی که با واقعیتها هماهنگ باشند، ارزش علمی دارند.

است و لذا مشمول همان نظم و "حق" و قانونی است که خداوند سایر پدیده‌ها را براساس آنها خلق کرده است و جامعه انسانی هم یک پدیده است. پدیده‌های انسانی و خودبخود مشمول همان قوانین و صورت است.

اگر حیات هدف‌دار است و جهان بیبیه‌وار خلق و انسان به عبث آفریده نشده است. پس جامعه نیز گم‌زدگی انسان در آن شکل می‌گیرد و رشد و تحول می‌یابد، برای خود هدف و سرنوشتی دارد. در مفهوم هدف‌داری - تغییر و تحول نهفته است - و صورت بیان این تحول جوهری در همه پدیده‌ها از جمله جامعه است - تاریخ سرگذشت این تحول است. سرگذشت صورت جوامع است - اگر این صورت نظم و حساب و کتابی دارد و بر طبق حق است، هم‌چنانکه صورت نطفه در رحم تا تولد و از آن پس تا مرگ و بعد از آن همه بر حق و نظم و قانون است. تکون و رشد و تحول وحیات و مرگ جامعه هم نظم و قانون دارد. "سزبیم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یشعین لهم انما الحق" فصلت/ ۵۳: نشانه‌های خود را در سراسر گیتی و در نفوس خودشان به آنان نشان خواهیم داد تا بر آنان معلوم شود که او حق است - در این آیات و آیات مشابه ضرورت مطالعه پدیده‌ها و نشانه‌های وجود خدا در جهان خلقت، در طبیعت، جامعه و شخصیت انسانها مورد تأکید است تا کسی بر این پدیده‌ها تنگدوخت و تعق و تعمق نکند، وجود نظم و قانونند و هدف‌دار بودن آنها را در نی‌یابد و به صدق آنچه از این واقعیتها برایشان گفته شده است، ایمان نمی‌آورد.

یکی از مهم‌ترین وجوه نشانه‌های خدا در هستی، حوادث تاریخی هستند که خداوند تأکید زیادی در مطالعه و تحقیق در آنها را کرده است.

قرآن و تاریخ

برگردان چه میگذرد؟

بقیه از صفحه ۴

- تمام روستاها نمایندگان مردم محروم و ستمدیده گردلان با ۲۴ امضا و اثر انگشت.
- بمجز حمایت همگرمادی و مبنوی که از طریق مردم مبارز استان جهت پیشبرد کار این روستائیان ستمدیده و برخاسته علیه خان انجام گرفته، و اعلامیه‌های فراوانی که همروزمان واقع را پویاتر می‌سازد، سروددی به نام سرود گردلان وسیله حامیان این حرکت سروده شده که در زیر می‌آوریم:
- ای پیشگام نهضت روستای گردلان (۴)
ای خمشان قهرمان عامل رسوائی ظالمان گردلان (۴)
ای مهاجران، ای، ای رسولان دیار ظلمت گردلان (۴)
ای رسته از بند خان، پاسگاه، دادگستری گردلان (۴)
ای اتحاد توده‌های مستضعف روستائی گردلان (۴)
زمین توست، مال خداست، حبل‌الواریس گردلان (۴)
بنیان‌گذار جنبش مستضعفان گردلان (۴)
خان از خمشان لریزه افتاده برانداشت گردلان (۴)
ای می‌کند ضجه خمشان ریشه هر فساد گردلان (۴)
- ۱- دستگیری ناصر خان، مسعودخان، ملکخان و خلع سلاح مزدوران.
۲- نابودی سلطه خان‌منشی
۳- تأمین امنیت در روستا
۴- بازپس‌گرفتن زمینهای قابل کشت و احشام از خان تجاوزگر و مصادره اموال آن به نفع محرومان
۵- محاکمه علنی رئیس پاسگاه زاندارمری
۶- محاکمه علنی دادستان دادگستری شهرستان
۷- خاتمه‌دادن به سلطه خان‌منشی در

درود بر رهبرانقلاب، امام خمینی

سیری در اندیشه‌های اقتصادی



"لیبرالیسم ریگاردو"

اگر اسمیت بنیان گذار مکتب لیبرالیسم اقتصادی است، ریگاردو (۱۸۲۳-۱۷۷۲) تکمیل کننده و گسترش دهنده این مکتب محسوب میشود. ریگاردو روش تجربه علمی را در دانش اقتصاد توسعه بخشید و با تکیه بر توزیع درآمدها به تعمیق این مبحث مهم اقتصادی کمک کرد. او تفکر انتزاعی و روش قیاس و تعمیم را وارد تحقیق اقتصادی کرد و سعی نمود که قوانین عام اقتصاد سرمایه داری را کشف کند. در حقیقت علم اقتصاد اولین بار در نوشته‌های وی به صورت دانش منظمی درباره ساخت اقتصادی چون گردش پول و اعتبار، مناسبات اقتصادی بین المللی و مالیات داشت. ریگاردو همچنین درباره بهره مالکانه و تقسیم بین المللی کار اندیشه‌های ابراز داشته است.

گفتم که ریگاردو بر مسئله توزیع درآمدها، تاکید بسیار داشت. اسمیت بیشتر برمنشاء و ماهیت ثروت بویژه ثروت ملتها تاکید میکرد، در حالی که ریگاردو به توزیع بیش از تولید نظر داشت. علت این اختلاف را باید در تأثیرات انقلاب صنعتی بر جامعه انگلستان جستجو کرد. علاقه اسمیت به تولید و تقسیم کار متناسب دورانی بود که بهره وری جامعه در حدی پائین قرار داشت در زمان اسمیت انگلستان در اوان انقلاب صنعتی بود و آینده این انقلاب حتی برای اسمیت غیر قابل پیش بینی بود. در دوران ریگاردو خوش بینی - های زمان اسمیت فروکش کرده بود، بدین معنا که اگر چه بهره وری به نحو قابل توجهی افزایش یافته بود، مشکلی جدید، یعنی مسئله "توزیع درآمدها" بتدریج چهره مینمود.

انقلاب صنعتی، چهره انگلستان را دگرگون کرده بود. مثلاً در روستاها، قطعه های کوچک زمین که به دهقانان تعلق داشتند ناپدید میشدند و جای خود را به املاک بزرگ و واحدهای سرمایه داری می دادند. بدین ترتیب، گروهی متشکل از

کارگران کشاورزی یا میکرفت که به صفوف کارگران معدن، راهسازی، ساختمان و کارخانه می پیوستند. کارگاههای روستایی تبدیل به کارخانه هایی شدند که صدها نفر را به کار میکرفتند. شهرهای صنعتی بر جمعیت و ملال آوز اینجا و آنجا سبز شدند و صنعت نساجی محور اصلی انقلاب صنعتی بود.

انگلستان ثروتمند میشد، ولی همزمان با افزایش ثروت، نابرابری در میان آنها گسترده تر میشد، برای کارگران دنیای بسیار ظالمانه‌ای بود. آنها دستمزد بخور و نسری دریافت میکردند و بیگاری خود و

ریگاردو در مقابل چنین وضعی از حق کارگران دفاع میکرد. او در راه قانونی کردن اتحادیه های کارگری تلاش کرد و اولین کسی بود که در نوشته هایش تحلیل هوشیارانه‌ای از عواقب اجتماعی استفاده از ماشین بعل آورده.

از سوی دیگر، جمعیت، همگام با رشد انقلاب صنعتی، به نحو سرسام آوری افزایش مییافت. این افزایش در انگلستان بین سالهای ۱۷۵۰ و ۱۷۵۰ حدود ۸٪، بین سالهای ۱۷۵۰ و ۱۸۰۰ حدود ۶٪ و بین سالهای ۱۸۰۰ و ۱۸۵۰ حدود ۹٫۴٪ بود. بنظر ریگاردو افزایش جمعیت باعث میشود که سهم کمتری از زمین مرغوب به هر فرد کشاورز تعلق گیرد و در ضمن سرعت تکامل تکنیک در حدی نیست که با افزایش بهره وری کمبود زمین را جبران کند. از این رو در دراز مدت، جامعه بشری رو به فقر و فلاکت میروند.

از نظر ریگاردو، کار مبنای ارزش کالا است، ولی عملاً قیمت بازار تحت تاثیر عرضه و تقاضا، بالاتر یا پایین تر از ارزش طبیعی کالا قرار می گیرد.

مفاهیم اقتصادی در زبان ریگاردو: الف - ارزش و قیمت

ریگاردو کوشید تا به درک روشنی از ماهیت ارزش دست یابد. او از دو نوع ارزش نام میبرد: ارزش نسبی و ارزش مطلق. او ارزش نسبی را بعوض ارزش مطلق موضوع کار خود قرار میدهد. منظورش از ارزش مطلق مقدار کاری است که در کالای نهفته است و وقتی از ارزش نسبی سخن میگوید منظور ارزش مبادله یا مقدار کالای است که باید با یک واحد از کالای مورد نظر مبادله شود. ریگاردو میخواست مبنای نسبت مبادله بین دو کالا را تعیین کند. بنظر او، مطلوبیت نمیتواند معیاری برای مبادله باشد، اگر چه در تعیین ارزش نقش اساسی دارد.

از نظر ریگاردو، کارهای مطلوب، دو منبع، ارزش آنها را تعیین میکند: کمیابی و مقدار کار متبلور در آنها. کالاهایی که ارزش آنها ناشی از کمیابی آنهاست عبارتند از: آثار هنری، کتب نایاب، و کالاهای غیر قابل دوباره تولید. دسته دوم کالاهایی هستند که باز تولید آنها میسر است بدین ترتیب ریگاردو تئوری کاری ارزش خود را ارائه داد.

بر خلاف اسمیت که معتقد بود تئوری ارزش کارش بحد جوامع ابتدایی میخورد، ریگاردو تئوری خود را مربوط به جامعه صنعتی سرمایه داری هم میدانست. در این رابطه، او اظهار داشت که ارزش مبادله‌ای یک کالا در جوامع صنعتی برابر است با تعداد ساعت کاری که برای تولید آن صرف شده است. زمان کار لازم برای تولید یک کالا نه تنها شامل کار جاری بلکه شامل کار نهفته در مواد خام و ماشین آلات که صرف ساختن آن کالا رسیده یا در جهت ساختن آن مستهلک شده نیز میباشد.

از نظر ریگاردو، کار مبنای ارزش کالا است، ولی عملاً قیمت بازار، تحت تاثیر عرضه و تقاضا، بالاتر یا پایین تر از ارزش طبیعی کالا قرار میگیرد. در صورتیکه قیمت بازار بالاتر از قیمت طبیعی باشد، تولید افزایش مییابد و در صورتیکه قیمت پایین تر از قیمت طبیعی باشد تولید کاهش مییابد و در هر دو حالت قیمت بظرف قیمت طبیعی میل میکند. بطور کلی قیمتهای کوتاه مدت مبنی بر عرضه و تقاضا و قیمتهای دراز مدت مبنی بر هزینه تولید است. هزینه های تولید دو کالا تقریباً متناسب است با مجموع مقادیر کاری که در جهت تولید آن دو کالا صرف شده.

تئوری ریگاردو، دقیقاً نقطه مقابل "تئوری تقاضا" است که بعدها توسط مکتب نهائیون تدوین شد. این مکتب، نوسانات کوتاه مدت و اثر تقاضا را بر قیمت موضوع کار خود قرار داد. توجه ریگاردو معطوف به قیمت دراز مدت - که قیمت بازار حول آن نوسان میکند - بود. در حالیکه نهائیون (مارژینالیست ها) فقط به نوسانات قیمت در کوتاه مدت توجه داشتند.

لازمه بتذکر است که نظریات فوق در حال حاضر کارائی خود را از دست داده‌اند، در عصر سرمایه داری انحصاری، سلطه انحصارها که نفوذ قابل توجهی بر بازارها و قیمت ها دارند، قادرند قیمت ها را بدخواه بالا برند و سود خود را افزایش دهند. بعبارت دیگر در عصر حاضر قانون عرضه و تقاضا تنها نیروی حاکم بر بازار سرمایه داری نیست. طبیعی است که امکان انجام چنین کاری توسط انحصارها نامحدود نیست و بستگی به میزان انحصاری شدن بازار و بسیاری از عاملهای دیگر دارد. افزایش قیمتها توسط انحصارها، یکی از عامل های اصلی تورم در دنیای سرمایه - داریست.

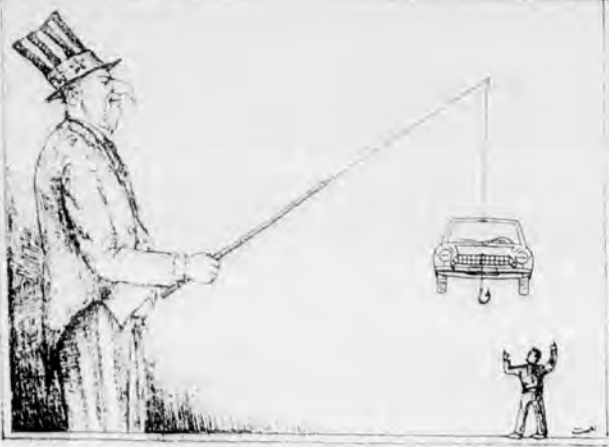
ب - مزد و سود: بنظر ریگاردو، نیروی کار چون تمام کالاهای دیگر، دارای دو گونه قیمت است: "قیمت طبیعی" و "قیمت بازار". قیمت طبیعی، قیمتی است که متناسب با حداقل معاش باشد. این قیمت بستگی به قیمت وسائل ضروری زندگی دارد که یک کارگر و خانواده‌اش برای ادامه حیات به آنها احتیاج دارند. اگر قیمت این ضروریات افزایش یابد، دستمزد افزایش خواهد یافت تا کارگران بتوانند با تهیه این ضروریات زندگی ادامه دهند و نیروی کار خود را در اختیار تولید کنندگان بگذارند.

برعکس، بهنگام کاهش هزینه زندگی، دستمزدها افت خواهد کرد قیمت بازار برای کار، بستگی به عرضه و تقاضا دارد. مانند هر کالای دیگر، قیمت بازاری کار مقدار بولی دستمزد (بین حول قیمت طبیعی آن در نوسانی است. ریگاردو معتقد است که در دراز مدت بعلافت افزایش مشکلات اقتصادی و افزایش هزینه تولید غذا (بر اثر افزایش جمعیت)، مقدار بولی دستمزد و مقدار طبیعی آن هر دو افزایش مییابد. در حقیقت، مقدسار بولی دستمزد، جهت مقابله با افزایش هزینه تولید غذا بالا میروند.

این عقیده ریگاردو که در دراز مدت دستمزد کارگران با حداقل معاش بستگی دارد. به همراه اندیشه های مالئوس در همین زمینه، شالوده قانون موسوم به "قانون مفرغ دستمزدها" قرار گرفتند. این قانون بیان میدارد که: وقتی قیمت بازاری کار، بالاتر از قیمت طبیعی آن قرار گیرد، بهداشت و تغذیه کارگران و خانواده های آنها رو به بهبود می نهد و در نتیجه جمعیت آنها افزایش مییابد افزایش جمعیت دستمزد آنها را تا حد قیمت طبیعی - یا کمتر از آن - کاهش میدهد. در این مرحله، پائین بودن دستمزدها، جمعیت کارگران را بر اثر مرگ و میر و سوء تغذیه کاهش داده و بدینال آن عرضه نیروی کار رانیز کم میکند. بر اثر کاهش عرضه نیروی کار،

بیانیه جنبش مسلمانان مبارز

عمل و تحول انقلابی و پرمحتوا و اسلامی انجام گیرد. باید قبول کرد که با باقیمانده نظام پوسیده آمرامیری و با دستگاهها و نهادهایی که هنوز آلوده به فرهنگ و مناسبات استعماری و استبدادی هستند و با دهقان و کارگر در بند و سیستم اداری زنگ زده نمی‌شود یا امیرالاسلم بطور واقعی و جدی جنگید. ما با شیطان طرفیم. چرا هیچیک از رهمنوده‌های اساسی امام در مبارزه علیه شیطان صورت واقعی بخود نگرفتند؟ آیا علتی جز ضعف و ناتوانی نظام فقلی و متصدیان و متولان دارد و فقدان حصلت انقلابی و پیش مکتبی به متصدیان امور اجازه نمی‌دهد تا مفهوم مکتبی و انقلابی فرم‌نهایی نظیر تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی و سیخ توده‌ای و نهضت سوادآموزی و... را درک و پیاده کنند. قطعاً موقع آن رسیده است که برای جلوگیری از یک فاجعه شکست دیگر نظیر آنچه در مرداد ۱۳۳۲ با تحمل شد، دست بکار شویم. تضادهای فرعی و غیراصولی ما را از وظایف تاریخی و انقلابیمان باز ندارد. اگر خداوند تاکنون دست حمایت بر سر ما و انقلاب ما نگذاشته‌است، بخاطر جاننازیها، فداکاری و صداقت و ایثار خلق محروم و جان‌برکفی است که با نیروی ایمان مشکلات را تحمل می‌کنند و صورانه در انتظار اقدامات مسئولین هستند تا بالاخره به آرمانهای انقلاب جامه عمل بپوشانند. ولی تا کی باید بجای تحول واقعی و عمل انقلابی حرف و شعار تحویل بگیرد؟ توطئه اخیر تجاوز نظامی آمریکا، شائنداد که دستگاههای اجرائی فقلی تنهایی قادر نیستند جلوی رخنه و توطئه دشمن را بگیرند. تنها هوشیاری و بسیج دائمی



قیمت آن ناخذ صفت طبیعی صعود میکند. در مجموع در دراز مدت، قیمت کار بعد از نوساناتی - که ناشی از مکانیسم فوق است - قیمت را در حد طبیعی خود (که با حداقل معاش بستگی دارد) قرار میدهد. این قانون بهبودی مبارزه کارگران را برای منافع اقتصادی خود مطرح میسازد، چون اعلام میدارد که دستمزدها ناگزیر با حداقل معاش بستگی دارند.

نظریه ریگاردو تا اندازه‌ای ایستابود. او با آنکه رشد بهره‌وری کار را مورد توجه قرار میداد، ولی نمیدانست، درک کند که نیروی کار در این جریان خود دگرگون میشود. بدین معنا که:

- ۱- در خواست های عادی و بدیرتمه شده آنها در اجتماع افزایش مییابد.
- ۲- همسنگی و تشکل و توانائی آنها برای مبارزه در راه بهبود زندگی رشد میکند و پایبای رشد آگاهیشان مبارزه اجتماعی آنها نیرومند تر میشود.

ریگاردو توزیع درآمد ملی در جامعه را بمناسبه تقسیم کرده‌ناتی میدانست که بطور کلی اندازه ثابتی دارد. کارگران قطعه‌ای از آنرا دریافت میکنند و بقیه نصیب سرمایه - داران میشود که آنرا با مالکان تقسیم میکنند.

ریگاردو سود را شکل اولیه و اساسی درآمد میدانست که شالوده آن سرمایه بصورت ارزش اضافی است. بعبارت دیگر او سود و ارزش اضافی را با یکدیگر یکی میدانست. در نظر ریگاردو، ارزش کالاهایی که درآمد ملی را تشکیل میدهند به مقدار کاری که صرف آنها شده بستگی دارد. این ارزش از دستمزد سود (از جمله بهره مالکانه) تشکیل میشود. از همین روست که ریگاردو نتیجه میکشید که تضادی اساسی میان منافع طبقاتی کارگران و بورژوازی وجود دارد. او که همیشه بر روی توزیع درآمدها تأکید میکرد، معتقد بود که سود سرمایه و دستمزد در جهت عکس یکدیگر حرکت میکنند: اگر دستمزدها افزایش یابند سود کاهش پیدا میکند و برعکس.

بقیه از صفحه ۱۲

مواضع جناح رقیب رئیس جمهور

آقای رئیس جمهور طرح انجمن های اسلامی دانشجویان برای اشغال دانشگاهها و طرح شعار انقلاب فرهنگی از جانب آنان را توطئه‌ای برای سقوط خود از جانب جناح حریف در هیئت حاکمه تلقی نموده و گفته‌اند که من لیونائوچی نیستم. دوستی میگفت بدنیت ببینم آیا تضادهای اصولی و بنیادی بین دو جناح رقیب هیئت حاکمه وجود دارد که یک چنین توطئه‌ای را ایجاب کرده است یا تنها رقابتی در کار است! پس هر دو به بررسی نشستیم و مقایسه‌ای در مورد وضع هر دو جناح در مسائل مختلف بعمل آوردیم نتیجه بقرار زیر است:

- ۱- عدم علاقه به شوراهای واقعی و تلاش در بی محتوا ساختن آنها.
- ۲- اتخاذ مواضع اقتصادی غیر توحیدی در مجلس خبرگان.
- ۳- تمایل شدید به اینکه همه نمایندگان مجلس وابسته به آن باشند.
- ۴- برداشت انحرافی از شعار مکتبی نه شرقی نه غربی که عملاً به نفع اولویت مبارزه با آمریکا میکنند و تضاد با روسیه را عمده میکند.
- ۵- تصویب طرح بی موقع تخلیه ستادها و دفاتر در دانشگاهها.
- ۶- تکیه روز افزون بر ارتش بدون انجام تغییرات بنیادی در ساخت شاهنشاهی ارتش.
- ۷- تمایل به انحصار هرچه بیشتر قدرت.
- ۸- مداخلات با کمیسیون های سازش و عدم قاطعیت در برخورد با امپریالیسم آمریکا.
- ۹- عدم اعتماد به "خوبشترن"
- ۱۰- تمایل به کنترل کامل برنامه های رادیو و تلویزیون.
- ۱۱- عدم افشای قراردادهای از ریاست جمهوری پافشای آنها تکیه میشود. تردید از درگیر شدن با امپریالیسم و عدم مبارزه قاطع با پایگاههای داخلی آن و اتکا بیشتر به حرف تا عمل.

بیانیه جنبش مسلمانان مبارز در باره توطئه تجاوز و حمله نظامی گسترده آمریکا

بسم خدا

مردم قهرمان و مبارز ایران

عملیات نظامی آمریکا علیه انقلاب ایران دقیقاً در شرایطی انجام می‌گیرد که جنبه داخلی در آتش شتت و نفاق و جنگ داخلی میسوزد. نحوه برخورد مقامات مسئول دولت با این مسئله حیاتی ما را بر آن داشت تا نکات زیر را یاد آورد شده، توجیه‌شماره حساس بودن موقع و خطراتی که موجودیت انقلاب ما را تهدید می‌کند، جلب کنیم:

هر نوع توطئه دیگری را داشت. یا توجیه به‌موارد فوق و قبل از هر چیز باید از مقامات مسئول و از دولت سؤال شود که: دولت و ارتش و دستگاه‌های اطلاعاتی آن دقیقاً کی از وقوع این عملیات مطلع شدند. و توضیح دهند که چرا هیچ‌یک از دستگاه‌های اطلاعاتی و انتظامی نتوانستند از یک چنین عملیات گسترده‌ای در خاک ایران مطلع شوند و اگر قبلاً از آن آگاه شده‌اند، چرا مردم را در جریان نگذاشته و ساعتها بعد از اعلامیه کاخ سفید آمریکا، اعلامیه دادند.

۱) حادثه‌ای که سخنگوی کاخ سفید آمریکا بصورت یک واقعه کوچک و محدود از آن یاد کردند، بطور قطع طرح عملیات نظامی گسترده و حساب شده‌ای بوده است که در آن تعداد زیادی هواپیماهای ترنبر، هلیکوپتر و سایر تجهیزات نظامی و کماندو و تفنگدار و جاسوس شرکت داشته‌اند و هدف آن ایجاد یک پایگاه نظامی در منطقه‌ای کوبری بمنظور حمله به سفارت و بدون گروگانها بوده است. زمان انتخاب شده برای انجام عملیات نظامی گسترده علیه انقلاب اسلامی ایران تصادفی نبوده و کاملاً بر اساس تحلیل مشاوران سیاسی - نظامی و اطلاعاتی کارتر از تفت و تفرقه و پراکندگی جنبه داخلی تنظیم شده است. وقتی ما هشدار می‌دادم که هرگونه برخورد خشونت‌بار و غیراصولی در شرایط حساس کنونی بین گروههای مختلف مردم تشنه به سود امپریالیسم آمریکا تمام خواهد شد، چنین عملکردی را از آمریکا پیش‌بینی می‌نمودیم.

۲) همه تاسه‌های رسمی و غیررسمی مقامات مسئول یا دولت آمریکا و با نمایندگان و دلالان آنان بکلی قطع بود و از هرگونه تماس عناصر خارجی با گروگانها بهر عنوان و بهانه جدا جلویی می‌شود. ما همیشه معتقد بودیم بسیاری از ملاقات کنندگان در لباسها و عناوین مختلف ماموران سیا هستند که گروگانها را در جریان طرحهای عملیاتی آمریکا قرار داده، ضمن کسب اطلاع از موقعیت گروگانها، دستور - عملیاتی لازم را به آنان می‌رسانند. ولی متأسفانه همیشه افراد دولت ایران موجب می‌شد بسیاری از این جاسوسان علیرغم تعالیل دانشجویان مسلمان مستقر در لانه جاسوسی با گروگانها ملاقات و مأموریت خود را انجام دهند. اطمینان است اگر باور کنیم یک چنین طرح نظامی برای آزاد کردن گروگانها بدون تماس قبلی با آنان شروع به اجرا شده باشد، لذا برای جلوگیری از اجرای طرحهای جانسپین و با تماشای احتمالی دیگر گروگانها از محل سفارت به محل آن دیگر منتقل و در سلولهای انفرادی و مین‌گذاری شده نگاهداری شوند.

۳) دقیقاً معلوم نیست که چه حادثه‌ای موجب اختلال و شکست برنامه عملیاتی می‌شود. ولی ما در هر حال دست خدا را در شکست توطئه شیطان بزرگ که این بار هم بحمدالله و بر طبق سنت وی به زیان و علیه خودش تمام می‌شود، می‌بینیم.

۴) کارتر پس از آنکه دستور توقف عملیات را می‌دهد، و ظاهراً پس از آنکه همه نفرات باقیمانده وزخمی‌ها را بکمت هواپیماها و هلیکوپترها از ایران خارج می‌سازد، با احتیاط تمام، خبر آن به ساعات اول صبح جمعه ۵۹/۲/۵ به خبرگزاری‌ها اطلاع می‌دهد. ولی این خبر چند ساعت بعد، از طریق رادیو به اطلاع ملت ایران می‌رسد بطوریکه بسیاری از هموطنان خیر را قبلاً از دوستان و خویشان خود از آمریکا تفتنی دریافت کرده بودند. اگرچه باید احتمال وجود کماندوها را در ایران در نظر داشت و اعلامیه آمریکا را گمراه‌کننده تلقی کرد.

۵) آمریکا که از شکست برنامه سخت نگران و بوشت افتاده و نگران عکس‌العمل شدید ایران بخصوص دانشجویان پیرو خط امام بود و می‌ترسید جان گروگانها بخطر نیفتد، با وزیر خارجه ایران تماس برقرار و ضمن ابراز تأسف تقاضا می‌کند جریان بزرگ شود و ایران عکس‌العمل تند نشان ندهد. پس از آنکه بر طبق خبرخبرگزاریها، وزارت خارجه به آنان اطمینان می‌دهد که دولت ایران سعی خواهد کرد قضیه در اذهان عمومی بزرگ نشود و نیز دانشجویان مسلمان مستقر در سفارت را وادار خواهد کرد از نشان دادن عکس‌العمل تند خودداری کنند.

۶) با توجه به این امر بدیهی که تنظیم کنندگان یک چنین طرحهایی معمولاً بیک طرح اکتفا نکرده، طرحهای متعددی برای اجرا - در صورت شکست طرح اول - آماده می‌کنند و با توجه به حرکت ناوگان نظامی آمریکا بسوی خلیج فارس، توطئه را پایان یافته تلقی کرد. اگر چه طرحهای بعدی هم از لحاظ هدف از طرح شکست خوردن تجاوز خواهد کرد و احتمال یک حمله وسیع نظامی آنگار بگمشور بسیار ضعیف است ولی باید انتظار شروع و اجرای

۷) شورای از نمایندگان کلیه گروهها و سازمانهای انقلابی مسلمان و متعهد برای دادن نظریات شورتی و ایجاد هماهنگی در فعالیت‌های بسیج همگانی مردم علیه حملات امپریالیسم آمریکا در رابطه مستقیم با مقامات مسئول دولت دعوت یگار شوند و همه تصمیمات و اقدامات مربوطه به مقاومت مبارزه علیه امپریالیسم، زیر نظر مستقیم رهبر انقلاب امام خمینی اتخاذ و اجرا شود. ما یکبار دیگر خطر ماشاات و سازشکاری با شیطان پلید و توطئه‌گر را یادآور شده، نسبت به خطراتی که روش غیرانقلابی قبلی دولت و شورای انقلاب فعلی زمینه سیاست داخلی و خارجی برای موجودیت انقلاب و آزادی و استقلال، در بر دارد به ملت قهرمان ایران و به رهبر انقلاب امام خمینی هشدار می‌دهیم، باشد که تا دیر نشده تحولی بنیادی در نظام و سیاستهای موجود پدید آید و وحدت انقلابی و مکتبی خلق و بسیج واقعی آنها برای مبارزه جدی با پایگاههای دشمن در داخل و مقاومت در برابر حملات و توطئه‌های بی شمار آن تائین شود. این عملیات باید زنگ هشدار باشد برای کسانی که نمی‌خواهند واقعیت و اهمیت خطر دشمن را درک کنند و ملت ایران مضارنه بخواهند پس از سیزده ماه حرف و شعار،

۸) با توجه به این امر بدیهی که تنظیم کنندگان یک چنین طرحهایی معمولاً بیک طرح اکتفا نکرده، طرحهای متعددی برای اجرا - در صورت شکست طرح اول - آماده می‌کنند و با توجه به حرکت ناوگان نظامی آمریکا بسوی خلیج فارس، توطئه را پایان یافته تلقی کرد. اگر چه طرحهای بعدی هم از لحاظ هدف از طرح شکست خوردن تجاوز خواهد کرد و احتمال یک حمله وسیع نظامی آنگار بگمشور بسیار ضعیف است ولی باید انتظار شروع و اجرای

است که اگر صحنه‌گردان مبارزه "سکل‌ها" غیر واقعی باشد، آنچه صورت می‌گیرد، مبارزه است و آنچه قربانی می‌شود، خط اصیل آن می‌باشد. آنچه بنگار، صحنهها می‌شود، عواقب آنها و روسپیان سیاست خواهد بود. آنچه ذبح "شرعی" خواهد شد علی‌ها و علی‌گونها خواهند بود!

فاجعه‌ای که در یک چنین معرکه‌ای رخ می‌دهد، رفات شیطانی نیروهای باطل و تثبیت تدریجی حاکمیت جناحی از آن است که اینک لباس حق را بر تن کرده است. حال این باطل به هر قطبی که تعلق داشته باشد، در نفس امر تفاوتی نخواهد بود. مادامیکه جنبه باطل درست خود بروشنی کامل و با مرزهای شخصی خود در برابر جنبه حق صف آراسته است، بیروان خود هر اندازه هم که در اقلیت قرار داشته باشد، بنا بر گواهی تاریخ و مکتب بالاخره کیفیت آن کسبت لازمه را بدنبال آورده و پیروزی نهائی را از آن خود خواهد ساخت. اما هنگامیکه فضا آنچنان مسموم می‌شود که حق و حقیقت غایب می‌شود و باطل و باطلیان لباس حق را بر تن می‌کنند، حتی علی، این معجزه هستی، هم در میماند. اما نه برای ابد! بلکه تنها تا زمانی که شمشیر زبان و عمل راهروان حق برده‌های نفاق و درویشی را از ظاهر این منافقان فرو می‌ریزد و باطل با نمانت پلیدی خود در برابر حق قرار می‌گیرد و بناچار سرنگون می‌شود.

۹) اگر چه ممکن است در صحنه نبرد سیاسی، شرایط ذهنی و عینی چند صباحی اجازه تجلی حق و حقیقت را بدست عناصر و نیروها و جریانات اصیل مکتبی ندهد و اگر چه ممکن است سیاست‌بیشگان و "صلح‌اندیشان" در موضعی قرار گرفته باشند که منافقانه حرکت‌های اصیل و موضعی‌بهرای حق را آنچنان مظلومانه و صحنه‌ها تارنده باشد که "سیاسی‌گاری" و روسپیکری سیاسی، "قاعد" مبارزه و مکتبی‌گاری و حرکت اصولی "استثنا" آن گردد. اگر چه ممکن است برای مدتی جناحهای گوناگون جنبه باطل، صحنه را جولانگه خود قرار داده، هر کدام با حق نمائی خود جنای تکفیر را بر سر آند دیگری فرود آورند و بالاخره اگر چه ممکن است روزگاری چند روزگونی، زورگونی خود را علیه هر عقیده‌ای مترشعانه لباس "عقیده" ببوشاند، با اینحال به پایمردی مردان حق پس از افغان برده‌های ربا زور، زور و باطل، با هر نمودی از صحنه معرکه‌ها پاک خواهند شد و این، سنت خداوند است که باطل را حق سرنگون خواهد کرد نه باطل! الله اکبر!

۱۰) معتقدیم در ورای تب و تاب سیاسی کاریها و درواری معرکه‌بهرای "سیاست - بیشگان"، آینده در قلمرو جریاناتی است که اساس حرکت‌های خود را خط اصیل مکتب قرار می‌دهند و لحظه‌ای حقیقت را در پای صلحت، بر زمین نمی‌کوبند. معتقدیم که خط اصیل مکتبی، علیرغم حاکمیت سیاه مصلحت‌اندیشان در هر زمانی و در هر زمینی، همواره خورشون استوری است که از اعماق تاریخ، از آدم ابوالبشر آغاز گشته و فریاد شیطان شکن آن تا ابدیت طنین می‌اندازد و تنها کسانی در این وادی گامهای استوار برمی‌دارند که از ساله آدم و ابراهیم و محمد و علی و حسین و... باشند که در برابر خط شیطان و نمرود و ابوسفیان و معاویه و یزید و... استوار ایستاده و پیام طاغوت شکن خود را تا ابدیت فریاد می‌کنند و تا آنجا که بر محور خط اصیل مکتب حرکت می‌کنند شکستی بر آنها متضرر نبوده، هر ضربه‌ای که از دشمن می‌خورند، و هر ضربه‌ای که بر او وارد می‌آورند، در هر حالی گامی است در جهت پیروزی جنبه حق و سربلندی مکتب توحید و ضربه‌ایست بر کلیت جنبه باطل و سرنگونی نظام شرک و زور. اینک که یکسال و خردهای از انقلاب ما می‌گذرد و ادعا داشتیم و با این ادعا به میدان آمدیم که با قاطعیتی علی‌وار، حکومت علی را پیاده خواهیم کرد، از فراز قرنها و از پشت تاریکی دوره‌ها خود را به دریای بیگران نهج‌الایلافه علی می‌رانیم و فرازی چند از فرمان همیشه بت شکن این امام همه راهروان حق و حقیقت به مالک اشتر، زمامدار منصوب او، را بر می‌گزینیم تا با معیارها و ضابطه‌هایی که این ابرمرد تاریخ و این قرآن مجسم در اختیار ما می‌گذارد، راهی را که در این چند ماه آمده‌ایم، ارزیابی کرده و از زبان او، این براسترین سرور موحدان، شمشیری برگزیم برای شکستن هریت و شیطانی و الگوئی سازیم برای راهنمایانمان در عمل و مبارزه سیاسی خود و نشان دهیم که آن قاطعیت علی و آن حکومت علی‌وار، آیا براسستی راهنمای عملمان بوده است یا نردبان اطمینان!

۱۱) پیش از اینکه با گسترده‌ی لازم اجزاء و بخشهای مختلف فرمان را بررسی کنیم تمام سه فراز مورد نظر فرمان را بزبان علی و ترجمه آن را به فارسی می‌آوریم و آنگاه به توضیح خواهیم پرداخت.

به نرس از خونریزی و آدمکشی! چرا که هیچ چیز بالاتر از خونریزی و آدمکشی ناحق موجب کفر و از دست دادن نعمت و سر رسیدن عمر نمیشاند! و خداوند سبحان در روز رستاخیز نخستین چیزی را که بین بندگان خود حکم فرماید درباره خونهای است که بناحق ریخته‌اند، هشدار!

که استحکام و تثبیت حکومت را با خونریزی حرام سخاوه! خونریزی ناحق حکومت را ست و آنگاه آنرا نابود و سرنگون میسازد لکن تو را در نزد خدا و من از خونریزی‌ها عذری نخواهد بود چون در آدمکشی قصاص تن لازم است! و چنانکه از روی حکم و سهو دیگری را کشتی و یا به نارایانه و شمشیر و سنگمه و مشت موجب قتل کسی شدی مادام که گردنکشی حکومت تو را از پرداخت تاوان خون های بر زمین ریخته شده باز دارد. (جزء ۸۱ - ۸۰)

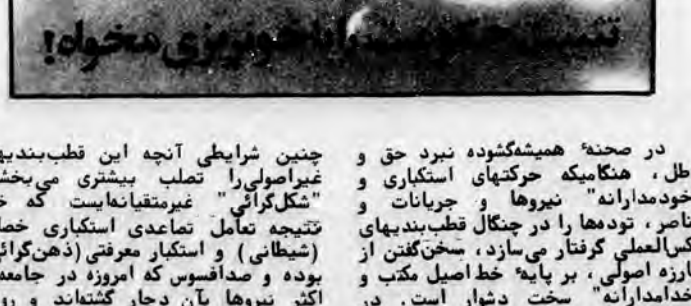
از خوت و خود پسندي پرهیز کن و از تکیه بر چیزی که تو را به کیش شخصیت وادارد دوری کن و پرهیز از اینکه در تب و تاب این باشی که مردم تو را بسار ستایند! چه این حالت، از مهمترین سرفشهای شیطان است تا (از طریق وسوسه استکار) نسکی نسکی - کاران را زائل گرداند و پرهیز دار از اینکه انجام وظیفه خود را بر مردم، منت گذاری یا کاری را که می‌کنی بیش از آنچه که هست در نظر آری یا وعدمای به آنان دهی و وفا نکنی! چرا که منت گذاری وظیفه و احسان را نیه میسازد و بزرگ نمائی کارها تو را حق را میزداید و نفس عهد موجب خشم خدا و خلق خدا میگردد.

خداوندی فرمود: خداوند سخت بخصم آید از اینکه بگوید آنچه چیزی را که نمی‌کند (جزء ۸۳ - ۸۲) خوددار از شتابزدگی در کارها قبل از آنی که هنگامه آنها فرا رسد و پرهیز کن از سخت گوئی در آنی هنگامیکه به آنها دسترسی پیدا کردی و دوری جوئی از سنجیگری در آنها هنگامی که سر رشته امور دردم و ناپیداست و دوری کن از سستی در آنها آنگاه که در دسترس قرار گیرد. بنا بر این هر چیزی را در حای خود بگذار و هر کاری را در وقت مناسب آن انجام ده (جزء ۸۴) پرهیز از انحصار طلبی در آنچه تعلق بر همه مردم، بطور یکسان، دارد! و پرهیز از بنادانی زدن خویش در اموری که مردم آگاهند که توجیه به آنها برگردن تست و (بهوش باش که) حق مظلومین و ستمدیدگان از تو باز پس گرفته خواهد شد (بدان که) بزودی گروه‌های (نیرنگو فریب و دروئی) از روی کارها برداشته میشود و آنگاه است که داد مظلومین و ستمدیدگان از تو گرفته خواهد شد (۸۵)

۱۲) بدان ای مالک! تو را به حکومت شهراهی فرستادم که پیش از تو در آنها حکمرانانی دادرسی و سنگر بوداند، شکی نیست که مردم در کارهای تو همانگونه نظر خواهند کرد که تو، به کارهای حکمرانان پیش از خود نظر کنی! و درباره تو آنگونه قضاوت خواهند کرد که تو درباره آنها داور می‌کنی و آگاه باش که از سخنان بندگان خدا، درباره حکمرانان سینوان به نسکو گساران آنها بی برده آنها را باز شناخت. از اینرو بهترین اندوخته‌های تو باید "گرام شایسته باشد و هم از اینرو افسار کیش شخصیت خود را در دست گیر و برویشتن خود آنچه را که حرام و نارواست بخل بورز! چرا که بخل ورزیدن به کیش شخصیت خود، عین عدل و انصاف، میان خوشایندها و نا خوشایندهاست. در ظاهر و باطن خود (غیر منافقانه) مهربانی و نیکو رفتاری با مردم را پیش کن و مبادا که نسبت به مردم حیوان درنده وحشی گشته خود نشان را غنیمت دانی! چه آنان دو دستاوند: همانند تو، که از پیش گرفتار لغزش بوده و عمداً و سهواً عوامل بدکاری و انحراف در دسترس آنها قرار گرفته است. پس اینک با بخشش (معرفت و ببینش توحیدی و ادای صحیح وظیفه حکم رانی خود) آنها را غو کن همان طوری که دوست داری خداوند با بخشش و گذشت خود تو را بیامزد، زیرا که تو برتر از آنهائی و کسی هم که ترا به حکمرانی ما موره کرده است، برتر از توست و خدا هم از آنکه حکومت را به تو سپرده و خواسته است کار مردم را انجام دهی برتر است و بدان که (عمل تویر) آنها را سب آزمایش و ابتلاء تو قرار داده و مبادا که خود را (از طریق درنده خویی نسبت به مردم) برای جنگ با خدا آماده سازی چه تو را توان خشم خدا نبوده و از بخشش و رحمت او بی نیاز نمی‌باشی و هرگز از بخشش، بی‌شمان و از کفر، شاد مباح و به خشمی که مبتوایی به آن مرتکب نشوی شتاب منمائی مگر من ما مورم (ویس معذره!) و به هر چه فرمان دهم باید فرمان ببری! زیرا مسلماً (باید بدانی که) این شیوه موجب فساد دل (باید مردم) و تزلزل دین (انحراف از اصول) و زوال نعمت‌ها (سرنگونی نظام) میگردد و هرگاه حکومت و ریاست برای تو کیش شخصیت و کبر و نخوت آورد به عظمت خدا که فوق توست و به قدرت او که برتر از توان توست به خویش است نظر کن! تا این، نگرش کبر و غرور تو را فرو نشاند

۱۳) بدان ای مالک! تو را به حکومت شهراهی فرستادم که پیش از تو در آنها حکمرانانی دادرسی و سنگر بوداند، شکی نیست که مردم در کارهای تو همانگونه نظر خواهند کرد که تو، به کارهای حکمرانان پیش از خود نظر کنی! و درباره تو آنگونه قضاوت خواهند کرد که تو درباره آنها داور می‌کنی و آگاه باش که از سخنان بندگان خدا، درباره حکمرانان سینوان به نسکو گساران آنها بی برده آنها را باز شناخت. از اینرو بهترین اندوخته‌های تو باید "گرام شایسته باشد و هم از اینرو افسار کیش شخصیت خود را در دست گیر و برویشتن خود آنچه را که حرام و نارواست بخل بورز! چرا که بخل ورزیدن به کیش شخصیت خود، عین عدل و انصاف، میان خوشایندها و نا خوشایندهاست. در ظاهر و باطن خود (غیر منافقانه) مهربانی و نیکو رفتاری با مردم را پیش کن و مبادا که نسبت به مردم حیوان درنده وحشی گشته خود نشان را غنیمت دانی! چه آنان دو دستاوند: همانند تو، که از پیش گرفتار لغزش بوده و عمداً و سهواً عوامل بدکاری و انحراف در دسترس آنها قرار گرفته است. پس اینک با بخشش (معرفت و ببینش توحیدی و ادای صحیح وظیفه حکم رانی خود) آنها را غو کن همان طوری که دوست داری خداوند با بخشش و گذشت خود تو را بیامزد، زیرا که تو برتر از آنهائی و کسی هم که ترا به حکمرانی ما موره کرده است، برتر از توست و خدا هم از آنکه حکومت را به تو سپرده و خواسته است کار مردم را انجام دهی برتر است و بدان که (عمل تویر) آنها را سب آزمایش و ابتلاء تو قرار داده و مبادا که خود را (از طریق درنده خویی نسبت به مردم) برای جنگ با خدا آماده سازی چه تو را توان خشم خدا نبوده و از بخشش و رحمت او بی نیاز نمی‌باشی و هرگز از بخشش، بی‌شمان و از کفر، شاد مباح و به خشمی که مبتوایی به آن مرتکب نشوی شتاب منمائی مگر من ما مورم (ویس معذره!) و به هر چه فرمان دهم باید فرمان ببری! زیرا مسلماً (باید بدانی که) این شیوه موجب فساد دل (باید مردم) و تزلزل دین (انحراف از اصول) و زوال نعمت‌ها (سرنگونی نظام) میگردد و هرگاه حکومت و ریاست برای تو کیش شخصیت و کبر و نخوت آورد به عظمت خدا که فوق توست و به قدرت او که برتر از توان توست به خویش است نظر کن! تا این، نگرش کبر و غرور تو را فرو نشاند

هفتمین نامه امت شماره ۵۴
چهارشنبه ۱۰ اردیبهشت
۱۳۵۹ سال دوم
زیر نظر:
شورای نویسندگان امت
خیابان بهار شمالی نش خیابان نامجو
۸۲۴۹۸۴ - ۸۲۴۸۳۱
چاپ حرکت امت و سهام



۱۴) معتقدیم در ورای تب و تاب سیاسی کاریها و درواری معرکه‌بهرای "سیاست - بیشگان"، آینده در قلمرو جریاناتی است که اساس حرکت‌های خود را خط اصیل مکتب قرار می‌دهند و لحظه‌ای حقیقت را در پای صلحت، بر زمین نمی‌کوبند. معتقدیم که خط اصیل مکتبی، علیرغم حاکمیت سیاه مصلحت‌اندیشان در هر زمانی و در هر زمینی، همواره خورشون استوری است که از اعماق تاریخ، از آدم ابوالبشر آغاز گشته و فریاد شیطان شکن آن تا ابدیت طنین می‌اندازد و تنها کسانی در این وادی گامهای استوار برمی‌دارند که از ساله آدم و ابراهیم و محمد و علی و حسین و... باشند که در برابر خط شیطان و نمرود و ابوسفیان و معاویه و یزید و... استوار ایستاده و پیام طاغوت شکن خود را تا ابدیت فریاد می‌کنند و تا آنجا که بر محور خط اصیل مکتب حرکت می‌کنند شکستی بر آنها متضرر نبوده، هر ضربه‌ای که از دشمن می‌خورند، و هر ضربه‌ای که بر او وارد می‌آورند، در هر حالی گامی است در جهت پیروزی جنبه حق و سربلندی مکتب توحید و ضربه‌ایست بر کلیت جنبه باطل و سرنگونی نظام شرک و زور. اینک که یکسال و خردهای از انقلاب ما می‌گذرد و ادعا داشتیم و با این ادعا به میدان آمدیم که با قاطعیتی علی‌وار، حکومت علی را پیاده خواهیم کرد، از فراز قرنها و از پشت تاریکی دوره‌ها خود را به دریای بیگران نهج‌الایلافه علی می‌رانیم و فرازی چند از فرمان همیشه بت شکن این امام همه راهروان حق و حقیقت به مالک اشتر، زمامدار منصوب او، را بر می‌گزینیم تا با معیارها و ضابطه‌هایی که این ابرمرد تاریخ و این قرآن مجسم در اختیار ما می‌گذارد، راهی را که در این چند ماه آمده‌ایم، ارزیابی کرده و از زبان او، این براسترین سرور موحدان، شمشیری برگزیم برای شکستن هریت و شیطانی و الگوئی سازیم برای راهنمایانمان در عمل و مبارزه سیاسی خود و نشان دهیم که آن قاطعیت علی و آن حکومت علی‌وار، آیا براسستی راهنمای عملمان بوده است یا نردبان اطمینان!